یا بقیة الله الحسینی الخمینی (عج)

سه‌شنبه
۱۲ آبان ۱۴۰۵
۲۳ جمادی الاول ۱۴۴۸
۳ نوامبر ۲۰۲۶

قیمت: ۱۰هزارتومان

۶۸۰

www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!



آیا ترمز ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا کشیده می‌شود؟

رویای آمریکایی میدان تاخت‌وتاز الاغ‌ها و فیل‌ها

۳

روایت وزیری که خاک جبهه را به صندلی ترجیح داد

نفت خون، خاک

۴

بررسی مقدمات برگزاری سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در آذرماه

بدون تاریخ بدون نشانی

۵

پشت ویترین بازار پیش‌فروش مسکن منطقه ۲۲ چه خبر است؟

برج‌فروشی در سایه ابهام‌های حقوقی

۷

پاسخ صمیمانه رهبر انقلاب به نامه دانش‌آموز ۱۰ ساله

برسد به دست علیرضا بخشی

همزمان با سالروز دیدار سالانه دانش‌آموزان با آقای شهید ایران، حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، اجتماع دانش‌آموزان کشوردوست شامگاه دوشنبه، ۱۱ آبان، در رواق کشوردوست برگزار شد. در این مراسم، جمعی از دانش‌آموزان دختر و پسر ایرانی با حضور در مکانی نزدیک به محل شهادت رهبر شهید، یاد دیدارهای سالانه خود با ایشان را گرامی داشتند و بر عهد و پیمان خود با رهبر انقلاب اسلامی تاکید کردند. در حاشیه این مراسم که تعدادی از شخصیت‌ها از جمله محسن حاجی‌میرزایی رئیس دفتر رئیس جمهور، علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش، حسین مظفر عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و تعداد دیگری از وزرای پیشین آموزش و پرورش حضور یافته بودند پاسخ نامه رهبر انقلاب به یک دانش‌آموز ۱۰ ساله قرائت شد. علیرضا بخشی ایرج، دانش‌آموز ۱۰ ساله ساکن تهران، در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۴۰۵ نامه‌ای صمیمانه به محضر رهبر انقلاب نوشت. او در این نامه، ضمن ابراز علاقه و قدردانی از رهنمودهای ایشان، هدیه‌ای را نیز به عنوان تشکر از ایشان و کمک به رزمندگان اسلام تقدیم کرد.

متن نامه این دانش‌آموز چنین بود:

به نام خدا، سلام آقا. من علیرضا بخشی هستم. من ۱۰ سالمه و داخل تهران زندگی می‌کنم. راستش نمی‌دونم نامه من به دست‌تون می‌رسه یا نه. ای کاش می‌شد از نزدیک باهاتون حرف بزنم. راستش ما خیلی به خاطر راهنمایی‌هاتون به شما مدیونیم. این پول هم برای تشکر از شما و کمک به رزمندگان اسلامه.

دوست‌دار دیدار شما، علیرضا بخشی ایرج - ۱۴۰۵/۶/۲۳

پی‌نوشت: تولدتون با تاخیر مبارک.

این نامه به دست رهبر انقلاب رسید و حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای نیز در پاسخ به ابراز محبت این دانش‌آموز، نامه‌ای برای او نوشته و متقابلا هدیه‌ای به او اهدا کردند. متن پاسخ رهبر انقلاب به این شرح است: «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم؛ دوست عزیزم آقای علیرضا بخشی، سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

از توجه محبت‌آمیز شما متشکرم. البته تولد این بنده حقیر در ماه اسفند است. متقابلا من هم هدیه‌ای هرچند ناقابل در مقابل بزرگواری شما تقدیم می‌کنم. به اعضا خانواده سلام بنده را ابلاغ کنید. سیدمجتبی خامنه‌ای - ۱۹/مهر/۱۴۰۵

پی‌نوشت: خط خوانایی دارید.

خرده تخلفات ناپسند



مجتبی مشهدی محمد
دبیر گروه فرهنگ

در هر جامعه‌ای، قانون زمانی کارآمد است که شهروندان آن را نه صرفا یک الزام بیرونی، بلکه بخشی از چارچوب زندگی جمعی و تامین‌کننده منافع مشترک بدانند. در ایران نیز همانند بسیاری از جوامع در حال گذار، فاصله میان متن قانون و رفتار روزمره مردم یکی از مسائل مهمی است که نیازمند بررسی دقیق و ریشه‌ای است. این فاصله را نمی‌توان تنها با تاکید بر مجازات یا تقبیح اخلاقی پر کرد، بلکه باید دید چه عواملی باعث می‌شود فردی که در زندگی شخصی خود مقید به اصول اخلاقی است، در مواجهه با برخی مقررات، به تخلف‌های کوچک و روزمره تن دهد. قانون‌گریزی‌های خرد، آن دسته از رفتارهایی هستند که در نگاه اول اهمیت چندانی ندارند، مانند عبور از برخی مقررات شهری، عدم رعایت کامل قوانین مالیاتی در معاملات کوچک، تخلف‌های جزئی در حوزه کسب‌وکار یا بی‌توجهی به برخی الزامات اداری. آنچه این رفتارها را قابل توجه می‌کند، نه بزرگی هر مورد، بلکه تکرار و فراگیری آنهاست که به تدریج هنجارهای جمعی را تغییر می‌دهد. یکی از دلایل اصلی این پدیده، عدم تناسب میان هزینه‌های رعایت قانون و منافع عمومی آن است. وقتی فرد می‌بیند اجرای یک مقرره کوچک، وقت، هزینه یا فرصت شغلی او را به شکلی نامتناسب تحت تاثیر قرار می‌دهد و در مقابل، تخلف از آن پیامد محسوسی ندارد، رعایت قانون برای او به محاسبه‌ای صرفا شخصی تبدیل می‌شود.

عامل دیگر، تجربه نابرابری در اجرای قانون است. اگر شهروندان شاهد باشند که برخی افراد یا گروه‌ها به دلیل موقعیت اجتماعی یا اقتصادی خود از پیامد تخلف مصون می‌مانند، اعتماد به عادلانه بودن قانون کاهش می‌یابد و این باور تقویت می‌شود که قانون ابزاری یکسان برای همه نیست. در چنین شرایطی، قانون‌گریزی خرد نه اعتراضی سازمان‌یافته، بلکه واکنشی دفاعی و روزمره به احساس بی‌عدالتی است. ضعف سازوکارهای نظارت همگانی و نبود بازخورد سریع و روشن از سوی نهادهای مسئول نیز این چرخه را تشدید می‌کند، زیرا تخلف کوچک بی‌پاسخ می‌ماند و به تدریج به رفتاری عادی و پذیرفته شده تبدیل می‌شود.

نکته سوم، ضعف آموزش حقوقی و شهروندی است. در بسیاری از موارد، مردم نمی‌دانند یک مقرره چرا وجود دارد و نقض آن، چه آسیب جمعی ایجاد می‌کند. آموزش‌ها بیشتر بر ترس از مجازات متمرکز بوده‌اند تا بر درک فلسفه قانون و پیوند آن با زندگی روزمره. در نتیجه، قانون برای بخشی از مردم مجموعه‌ای از باید و نبایدهای انتزاعی است که ارتباط روشنی با منافع شخصی و جمعی آنها ندارد. همچنین، پیچیدگی فرآیندهای اداری و بروکراسی فرساینده می‌تواند فرد را به سمت راه‌های میانبر و تخلف‌های کوچک سوق دهد، به ویژه زمانی که مسیر قانونی طولانی و پرهزینه باشد.

برای کاهش قانون‌گریزی‌های خرد، صرف سخت‌تر کردن مجازات‌ها نه تنها کافی نیست، بلکه می‌تواند فاصله مردم با قانون را بیشتر کند. آنچه ضروری است، بازبینی مقررات با توجه به واقعیت‌های معیشتی و اجتماعی مردم، شفاف‌سازی نسبت هزینه و فایده هر قانون، تقویت پاسخ‌گویی نهادها و ایجاد سازوکاری است که رعایت قانون را برای فرد منطقی و قابل دفاع سازد. تجربه جوامعی که در کاهش این پدیده موفق بوده‌اند نشان می‌دهد که تغییر رفتار جمعی بیش از آنکه محصول سخت‌گیری باشد، حاصل احساس مالکیت مردم نسبت به قواعد و باور به عادلانه بودن آنهاست. بدون این سرمایه اجتماعی، حتی دقیق‌ترین قوانین نیز بر کاغذ باقی می‌مانند و نظم عمومی به جای اتکا بر همراهی شهروندان، ناچار به تکیه بر ابزارهای پرهزینه و ناکارآمد می‌شود.

سهم ۱۶ درصدی بورس در تامین مالی اقتصاد، کافی نیست

محافظه‌کاری بورسی!

تامین مالی تولید در سال‌های گذشته به یکی از موضوعات محوری اقتصاد کشور تبدیل شده است؛ موضوعی که با توجه به محدودیت منابع مالی، نوسانات اقتصادی و ضرورت تقویت ظرفیت‌های تولیدی، بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است. در این میان، تسهیلات بانکی، مولدسازی دارایی‌های دولت، تامین سرمایه در گردش و استفاده از ابزارهای زنجیره‌ای تامین مالی از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به تامین منابع مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی کمک کنند. با این حال، اتکای صرف به نظام بانکی برای تامین مالی تولید، با توجه به محدودیت منابع بانک‌ها و افزایش تقاضای بنگاه‌ها برای دریافت تسهیلات، نمی‌تواند پاسخگوی تمامی نیازهای بخش تولید باشد.

به گزارش «آگاه» در چنین شرایطی، تنوع بخشی به روش‌های تامین مالی و استفاده از ظرفیت سایر نهادهای مالی کشور به یک ضرورت تبدیل شده است. بازار سرمایه یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های اقتصادی برای تجهیز پس‌اندازهای خرد و کلان و هدایت آنها به سمت فعالیت‌های مولد به شمار می‌رود؛ ظرفیتی که می‌تواند با فراهم کردن امکان تامین مالی مستقیم بنگاه‌ها، بخشی از فشار موجود بر شبکه بانکی را کاهش دهد. انتشار اوراق تامین مالی، افزایش سرمایه شرکت‌ها، عرضه اولیه سهام و توسعه ابزارهای مالی متناسب با نیاز صنایع، از جمله مسیرهایی است که بازار سرمایه می‌تواند از طریق آنها نقش موثرتری در حمایت از تولید ایفا کند. با وجود این ظرفیت‌ها، سهم بازار سرمایه در تامین مالی بخش تولید همچنان با جایگاه و توان بالقوه این بازار فاصله دارد و بخش قابل توجهی از بنگاه‌های اقتصادی برای تامین سرمایه مورد نیاز خود همچنان به تسهیلات بانکی وابسته هستند. این در حالی است که توسعه ابزارهای تامین مالی در بازار سرمایه، علاوه بر کاهش فشار بر منابع بانکی، می‌تواند زمینه شفافیت بیشتر در تامین منابع، افزایش مشارکت سرمایه‌گذاران و توزیع مناسب‌تر ریسک میان تامین‌کنندگان مالی را فراهم کند. البته تحقق این هدف مستلزم رفع موانع موجود، تسهیل فرآیندهای پذیرش و انتشار اوراق، کاهش هزینه‌های تامین مالی و ایجاد ثبات و اعتماد بیشتر در بازار سرمایه است. از این رو، تقویت نقش بازار سرمایه در تامین مالی تولید باید به یکی از اولویت‌های سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شود؛ به‌ویژه آنکه تحقق اهداف رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد، بدون دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی پایدار و متنوع امکان‌پذیر نخواهد بود. در این مسیر، هماهنگی میان دولت، شبکه بانکی، بازار سرمایه و نهادهای سیاست‌گذار مالی می‌تواند به طراحی سازوکارهای کارآمدتر برای هدایت منابع به سمت تولید منجر شود. همچنین کارشناسان معتقدند بازار سرمایه باید از جایگاه فعلی خود فراتر رفته و با توسعه ابزارهای نوین مالی، تسهیل ورود بنگاه‌های تولیدی و افزایش عمق بازار، سهم بیشتری در تامین مالی اقتصاد بر عهده بگیرد. جعفر قادری در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا افزایش سهم بازار سرمایه در تامین مالی اقتصادی تاکنون راهگشا بوده است یا خیر؟ گفت: اگرچه اقدامات انجام‌شده در زمینه توسعه ابزارهای مالی، عرضه‌های اولیه و مدیریت بازار قابل توجه است، اما باید عملکرد بورس را متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی کشور و انتظاراتی که از این بازار برای تامین مالی تولید وجود دارد، ارزیابی کرد. وی افزود: بر اساس ارقام مطرح‌شده از سوی مسئولین این سازمان، سهم بازار سرمایه از تامین مالی اقتصاد حدود ۱۶ درصد است؛ در حالی که بخش عمده تامین مالی کشور همچنان بر دوش نظام بانکی قرار دارد. این وضعیت نشان می‌دهد که برای کاهش فشار بر بانک‌ها و فراهم کردن منابع مورد نیاز بنگاه‌های اقتصادی، باید سهم بازار سرمایه در تامین مالی به‌صورت جدی افزایش یابد. به گفته وی، هدف‌گذاری اعلام‌شده برای افزایش سهم بازار سرمایه به حدود ۳۰ درصد تا پایان سال آینده، مستلزم برنامه‌ریزی عملیاتی، توسعه ابزارهای مالی، افزایش عرضه‌های اولیه و تسهیل تامین مالی مستقیم شرکت‌های تولیدی است. قادری با اشاره به راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا و ارز و صندوق‌های با درآمد ثابت ارزی، استقبال سرمایه‌گذاران از برخی صندوق‌های جدید و تکمیل ظرفیت یکی از آنها را نشانه‌ای از وجود تقاضا برای ابزارهای مالی متنوع دانست.

وی تاکید کرد: بازار سرمایه باید بتواند متناسب با شرایط تورمی اقتصاد، ابزارهایی طراحی کند که ضمن فراهم کردن امکان حفظ ارزش دارایی سرمایه‌گذاران، منابع سرگردان را به سمت تولید و سرمایه‌گذاری مولد هدایت کند. قادری افزود: در شرایطی که بانک مرکزی برای کنترل تورم ناگزیر از اعمال محدودیت‌هایی بر رشد اعتبارات بانکی است، مسئولیت بازار سرمایه در تامین مالی بنگاه‌ها و پروژه‌های تولیدی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. از این رو، باید ابزارهای جدید و روش‌های متنوع تامین مالی، به‌ویژه برای واحدهای تولیدی، با سرعت بیشتری طراحی و عملیاتی شوند. وی با اشاره به ضرورت راه‌اندازی و توسعه صندوق‌های پروژه با صندوق‌های زمین و ساختمان گفت: تامین مالی پروژه‌های بزرگ از طریق بازار سرمایه یکی از ظرفیت‌های مهم این بازار است که باید از آن استفاده شود. قادری با تاکید بر ضرورت بازنگری در برخی رویه‌های اجرایی سازمان بورس در زمینه تاسیس صندوق‌های پروژه اظهار داشت: ضوابط ارزیابی دارایی‌ها و پیشرفت فیزیکی پروژه‌ها باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که ضمن حفظ حقوق سرمایه‌گذاران و رعایت الزامات نظارتی، امکان استفاده از این ابزار برای پروژه‌های واجد شرایط فراهم شود. به گفته وی، استفاده موثر از گزارش‌های کارشناسان رسمی در ارزیابی دارایی‌ها و طراحی ضوابط متناسب با ماهیت هر پروژه می‌تواند به رفع موانع غیرضروری کمک کند؛ در عین حال، نظارت دقیق بر نحوه مصرف منابع و پیشرفت پروژه‌ها باید همچنان مورد توجه قرار گیرد. قادری با تاکید بر ضرورت تقویت نظارت سازمان بورس تصریح کرد: شفافیت اطلاعات، اطلاع‌رسانی به‌موقع و دسترسی برابر سرمایه‌گذاران به اطلاعات معتبر، از الزامات اساسی اعتمادسازی در بازار سرمایه است و سازمان بورس باید در این زمینه رویکردی جدی و مستمر داشته باشد. وی همچنین با اشاره به دیدگاه‌هایی درباره محافظه‌کاری بیش از حد در برخی تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه افزود: سازمان بورس باید ضمن پایبندی به قوانین و حفظ حقوق سهامداران، از ظرفیت‌های قانونی موجود برای توسعه بازار و طراحی ابزارهای جدید استفاده کند و اجازه ندهد رویه‌های اجرایی یا سخت‌گیری‌های غیرضروری، مانع شکل‌گیری ابزارهای تامین مالی شوند.



نماینده مردم شیراز و زرقان با اشاره به ضرورت تعیین تکلیف سهام تودلی شرکت‌ها اظهار داشت: وضعیت این سهام باید در چارچوب قوانین و احکام برنامه‌های توسعه تعیین تکلیف شود. روشن شدن وضعیت مالکیت و مدیریت سهام تودلی در شرکت‌هایی مانند ایران‌خودرو و سایپا، می‌تواند به افزایش شفافیت، بهبود ساختار مالکیت و ارتقای کارایی بازار سرمایه کمک کند. وی همچنین تعیین تکلیف سهام عدالت را از دیگر موضوعات مهم برشمرد و بر ضرورت خروج این سهام از وضعیت بلاتکلیفی و فراهم شدن سازوکارهای روشن برای مدیریت و بهره‌برداری اقتصادی از ظرفیت آن تاکید کرد. قادری با تاکید بر ضرورت پیش‌بینی سازوکارهای مشخص برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی از طریق بازار سرمایه گفت: باید امکان استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاران خارجی برای تامین مالی پروژه‌های اقتصادی کشور فراهم شود و موانع موجود در این مسیر مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد. وی درباره صندوق‌های زمین و مسکن نیز اظهار داشت: در مواردی که موانع قانونی، توسعه این ابزارها را محدود کرده است، باید از ظرفیت شورای ملی تامین مالی برای بررسی و رفع موانع استفاده شود تا بازار سرمایه بتواند در تامین مالی بخش مسکن و پروژه‌های مرتبط نقش موثرتری ایفا کند. قادری در ادامه افزایش عرضه‌های اولیه و گسترش ابزارهای سرمایه‌گذاری را از الزامات توسعه بازار سرمایه دانست و تاکید کرد: بورس باید بتواند شرکت‌های بیشتری را به بازار جذب کند و از طریق ابزارهای متنوع، امکان مشارکت سرمایه‌گذاران در تامین مالی فعالیت‌های اقتصادی را افزایش دهد. وی خاطرنشان کرد: هدف نهایی باید تبدیل بازار سرمایه به یکی از ارکان اصلی تامین مالی تولید باشد؛ به‌گونه‌ای که بنگاه‌های اقتصادی برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای خود، صرفا متکی به تسهیلات بانکی نباشند و بتوانند از ظرفیت پس‌اندازهای مردمی و سرمایه‌های داخلی و خارجی استفاده کنند. قادری تاکید کرد: اگرچه در سال گذشته ۶۲ عرصه اولیه داشته‌ایم ولی بازار سرمایه باید از یک بازار عمدتا متکی بر معاملات ثانویه، به بازاری توانمند برای تامین مالی مستقیم تولید، زیرساخت‌ها و پروژه‌های اقتصادی تبدیل شود. وی افزود: افزایش سهم بورس در تامین مالی اقتصاد، توسعه صندوق‌های پروژه، طراحی ابزارهای جدید متناسب با شرایط تورمی، تعیین تکلیف سهام تودلی و سهام عدالت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تسهیل تاسیس صندوق‌های زمین و مسکن و تقویت شفافیت و نظارت، از جمله محورهایی است که انتظار می‌رود سازمان بورس با جدیت بیشتری دنبال کند. قادری خاطرنشان کرد: تحقق این اهداف مستلزم آن است که سازمان بورس ضمن صیانت از حقوق سهامداران و رعایت الزامات قانونی، با رویکردی فعال‌تر و تصمیم‌گیری‌های به‌موقع، از ظرفیت‌های بازار سرمایه برای حل مشکلات تامین مالی اقتصاد و حمایت از تولید استفاده کند.



سردار حسن‌زاده، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله(ص):
رزمندگان جان‌فدا به مناطق عملیاتی جنوب و غرب کشور اعزام می‌شوند

«آگاه» در گفت‌وگو با دو فعال سیاسی بررسی کرد
تهدیدات آمریکا و مسیر جدید بازدارندگی فعال ایران

تهدیدات اخیر رئیس جمهور آمریکا درباره ضربه کوبنده به ایران، بیش از آنکه خط و نشان کشیدن برای سرزمین کهن مادری مان باشد، نمایش سیاسی برای انتخابات ایالات متحده است. ترامپ می خواهد با استفاده از کلمات، هم در داخل آمریکا رأی جمع کند و هم در داخل ایران، حس ناامنی ایجاد کند. اما واقعیت این است که یاوه گویی های او، بیشتر از آنکه نشان دهنده قدرت آمریکا و رئیس جمهورشان باشد، نشان‌دهنده درماندگی آنهاست، چون زمانی که ابزارهای فشار از دست دشمن خارج می شود، او برای پوشاندن این ضعف و جلوگیری از نمایش شکست خود، به جنگ روانی روی می آورد تا با ایجاد هیجان کاذب، شکاف میان مردم و حکومت را پر کند.



ماجرا از آن قرار است، دونالد ترامپ در جریان گردهمایی انتخاباتی خود در ایالت آیووا، خطاب به حامیانش با بیان اینکه تنها دلیلی که باعث شده هنوز کار ایران را تمام نکنم، این است که می خواهم با آنها مهربان باشم، مدعی شد: «اگر بتوانم، می خواهم تلاش کنم جان همه آن افراد را نجات دهم؛ اما در مقطعی ناچار خواهیم شد ضربه‌ای کوبنده به آنها وارد کنیم.»

مرد دیوانه کاخ سفید، طی ماه های اخیر بارها از احتمال از سرگیری جنگ علیه ایران سخن به میان آورده، اما هیچ‌گاه زمان مشخصی برای این اقدام اعلام نکرد و در عین حال مدعی می شد گزینه دیپلماسی همچنان روی میز قرار دارد! ترامپ تروریست، می خواهد برای رأی دهندگان (حامیانش در آمریکا) و لابی های صهیونیستی، تصویری از رئیس جمهور قاطع ارائه دهد که از ضربه زدن نمی ترسد. هدف دیگر، ایجاد ترس و تفرقه در بدنه داخلی ایران است تا با ترویج حس ناامنی، اعتماد مردم به ساختار دفاعی کشور را متزلزل کند. آنچه مسلم است، این تهدیدات نه از روی توانایی مطلق، بلکه از روی شکست و اضطراب از توانمندی‌های بالقوه ایرانی‌ها بیان شد. او می داند در میدان نبرد، ایران به جایگاهی رسیده است که هرگونه اقدام نظامی گسترده، هزینه‌هایی به آمریکا تحمیل می کند و توان پرداخت آن را ندارد. لذا، یاوه گویی ها جای اقدامات عملی را گرفته است. در این میان پاسخ شخص دوم کشور به تهدیدات و درشت‌گویی‌های همتای آمریکایی اش هم جالب توجه بود؛ مسعود پزشکیان، رئیس جمهور در نشست با استانداران و شهرداران کلان‌شهرها با بیان اینکه ما می‌توانیم از همه این تهدیدهایی که دشمن انجام می دهد، با قدرت بیرون بیاییم، تاکید کرد: «آن وقت دشمن می‌فهمد که با مردم ایران سروکار دارد، نه با امثال من. مثلا بنده را ترور کند؛ خب ترور کند. هزاران آدم مثل من را ترور کنند؛ اگر مردم با ما باشند، هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.»

پاسخ پزشکیان، پیام روشنی داشت و آن اینکه پیوستگی مردم و حکومت، سخت ترین سد در برابر دشمن است. اما این اراده سیاسی باید با توان سخت نظامی، پشتیبانی شود. با توجه به دستورات اخیر رهبر انقلاب به نیروهای مسلح، پاسخ به این تهدیدات باید در سه محور «قدرت افزایی» ارزیابی شود:

نخستین گام، عملیاتی کردن مفهوم «بازدارندگی فعال» است. بر اساس این رویکرد، نیروهای مسلح باید توانایی خود را برای دادن پاسخ فوری و بدون محدودیت جغرافیایی به رخ بکشند، به گونه‌ای که دشمن با درک این واقعیت که هر ضربه احتمالی او، پاسخی سریع و در هر نقطه‌ای از جهان ـ و نه فقط در مرزهای ایران ـ به دنبال خواهد داشت، جرأت و توان تهدید کردن را از دست بدهد.

دوم، در کنار این آمادگی میدانی، رسیدن به هوشمندسازی توان رزم اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که جنگ های امروز، دیگر در قالب های سنتی و قدیمی تعریف نمی شوند. بنابراین با تقویت زیرساخت‌هایی نظیر پهپادهای پیشرفته، موشک‌های هایپرسونیک و توانمندی‌های سایبری، ضرباتی سخت به نقاط حساس دشمن وارد می‌شود. این دقیقا همان پاسخی است که می‌تواند ادعای ضربه کوبنده آمریکا در برابر قدرت تکنولوژیک و نظامی ایران را بی‌اثر کند. سومین عامل؛ این توانمندی‌های سخت، باید با انسجام داخلی به عنوان لایه اول دفاع، تکمیل شود. همان‌طور که در پاسخ رئیس جمهور نیز تاکید شد، همراهی مردم بزرگ‌ترین نقطه قوت و سپر دفاعی کشور است. در واقع، اگر با تقویت اقتصاد مقاومتی و رفع مشکلات معیشتی، جبهه داخلی را مستحکم نگه داریم، تمامی تلاش های آمریکا برای ایجاد شکاف میان ملت و حاکمیت و ایجاد ناآرامی‌های داخلی، به شکست منجر خواهد شد.

با توجه به ادعاهای آمریکا در قبال کشورمان با دو فعال سیاسی گفت وگو کرده ایم و از آنها پرسیده ایم هدف از این بلوف های سیاسی آن هم با شکست آمریکا و اسرائیل در دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه چیست؟ سوال دیگر به فرمان اخیر فرمانده کل قوا و دستورات صادر شده به نیروهای مسلح و بازتابی که در رسانه‌های بین‌المللی پیدا کرد، اختصاص دارد.

تغییر در قواعد نبرد

یاسر شامانی، کارشناس مسائل سیاسی : در عملیات های گذشته، رویکرد جمهوری اسلامی ایران عمدتا دفاعی بود، به این معنا که در صورت حمله دشمن، پاسخ داده می شد و در برابر پیشروی آن ایستادگی صورت می گرفت. در این الگو، محدوده جغرافیایی درگیری نیز عمدتا به خاک ایران و پیرامون آن محدود بود. در تحلیل جنگ، سه مؤلفه اصلی شامل بازیگران، صحنه نبرد و قواعد بازی وجود دارد و به نظر می‌رسد در شرایط جدید، این مؤلفه‌ها برای طرف مقابل پیچیده‌تر شده‌اند.

به هر حال، دشمن نتوانست نظام جمهوری اسلامی را ساقط کند، این در حالی بود که رویکرد ایران عمدتا دفاعی بود و دامنه جغرافیایی درگیری نیز محدود باقی مانده بود. اما پیام دیدار فرماندهان با رهبر انقلاب می‌تواند این باشد که در صورت وقوع جنگ جدید، الزاما با همان الگوی پیشین مواجه نخواهیم بود که دشمن حمله کند و ایران صرفا در موضع دفاعی قرار بگیرد؛ بلکه ممکن است طرف مقابل نیز ناچار شود بخش مهمی از توان خود را برای دفاع به کار گیرد. بنابراین دشمن باید در محاسبات خود در نظر بگیرد، هرگونه اقدام نظامی احتمالی ممکن است با پاسخ‌هایی همراه شود که هزینه‌های سنگینی به دنبال داشته باشد. این هزینه‌ها می‌تواند از سطح نظامی فراتر برود و ساختارهای سیاسی و کشورهایی را که از طرف مهاجم حمایت می‌کنند نیز تحت تاثیر قرار دهد.

هشدار مطرح شده صرفا ناظر بر پیامدهای نظامی نیست؛ ممکن است نتیجه نبرد به حوزه‌های دیگری نیز گسترش پیدا کند و ساختارهای سیاسی حامی طرف مهاجم با هزینه‌هایی روبه‌رو شوند که جبران آنها در کوتاه‌مدت و میان‌مدت دشوار باشد. بالاخره ایران ظرفیتی فراتر از توان موشکی دارد و آن را در مسلمانان جهان می بیند. ظرفیت و همراهی مسلمانان در نقاط مختلف جهان می‌تواند در معادلات تقابل نقش آفرین باشد.

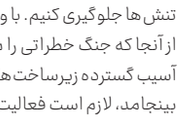
توانایی ضربه زدن به آمریکا را داریم



در همین رابطه، حجت الاسلام علیرضا سلیمی، نماینده مردم تهران گفت؛ بخشی از سخنان دونالد ترامپ به دلیل ایجاد جنگ روانی در داخل کشور است تا مردم و مسئولان را بترساند و امتیاز بگیرد. ولی این یک ترفند نخ‌نما است و امروز هیچ مسئولی در کشور را نمی‌توان به دلیل تهدیدات ترامپ ترساند. هیچ کشوری ـ حتی آمریکا ـ نمی تواند با ترساندن مسئولان کشورمان از ایران امتیاز بگیرد. ایران با چند هزار سال تمدن، بیشه شیران است در حالی که عمرو قدمت آمریکا به ۲۵۰ سال هم نمی‌رسد. وی با بیان اینکه بخشی از تهدیدات ترامپ به دلیل فشار داخلی به او در خاک آمریکا است، اظهار کرد؛ طبق نظرسنجی‌ها، محبوبیت وی به کمتر از ۳۰ درصد رسیده و ترامپ یکی از منفورترین روسای جمهور آمریکا محسوب می شود. از طرفی قیمت حامل های انرژی هم در آمریکا بالا رفته و قیمت گازوئیل در کالیفرنیا در هر گالن به بیش از ۹ دلار رسیده است. همچنین در جنگ ناجوانمردانه‌ای که آمریکا به کشورمان تحمیل کرد، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار به کشورهای اروپایی آسیب وارد شد. بر همین اساس ترامپ با تهدیدهای خود در تلاش است به مردم آمریکا اعلام کند که افزایش قیمت حامل‌های انرژی، موقت است و به زودی قیمت‌ها کاهش داده خواهد شد تا شاید در بین مردم کشورش محبوبیت کسب کرده و سبب آرامش شود.

عضو هیات رئیسه مجلس گفت؛ ایران کشوری است که توانایی ضربه زدن به آمریکایی ها را بیش از گذشته و بیشتر از جنگ ۴۰ روزه دارد و در ابزارهای جنگی متحول شدیم و می دانیم در قبال دشمنان چه کارهایی انجام دهیم. همچنین نوع تهاجم ما تغییر کرده و رویکرد ما این بار تهاجمی شده و دیگر دفاع نخواهیم کرد و حتما رویکرد تهاجمی ایران را خواهند دید و بدون شک در جنگ آینده دشمن به مانند جنگ ۴۰ روزه شکست خواهد خورد.

پیروزی در صحنه نیازمند آمادگی بالای دلاورمردان نظامی است



احمد شریف، فعال سیاسی می‌گوید: با توجه به تهدیدهای روزافزون دشمن آمریکایی و صهیونیستی علیه کشور، نیروهای مسلح باید در بالاترین سطح آمادگی در صحنه حضور داشته باشند تا بتوانند از تمامیت ارضی و امنیت ملی دفاع کنند. وی افزود: با توجه به جایگاه رهبری در قانون اساسی به عنوان فرمانده کل قوا، لازم بود هماهنگی میان سطوح عالی نیروهای مسلح، از جمله فرمانده کل ارتش، فرمانده کل سپاه و فرمانده قرارگاه خاتم الانبیا(ص)، با حضور ایشان صورت گیرد که خوشبختانه این نشست اخیرا برگزار شد. دبیرکل حزب همبستگی دانش آموختگان با بیان اینکه طبیعتا در این جلسه گزارش‌هایی از سوی فرماندهان نظامی به رهبر انقلاب ارائه شده و با توجه به جایگاه فرماندهی کل قوا در صدور دستور نهایی، راهکارها و راهبردها از سوی ایشان تبیین شده است، گفت؛ البته پیش از این دیدار نیز با توجه به جلسه دبیرشورای عالی امنیت ملی و سایر مسئولان با رهبر انقلاب، نظرات مشورتی این شورا دریافت و مدنظر قرار گرفته است. پس ضرورت داشت چنین جلسه‌ای برگزار و سطح آمادگی‌ها سنجیده شود تا در صورت بروز هرگونه خطر بالقوه، نیروهای مسلح پاسخی درخور به تهاجمات بدهند. شریف گفت؛ با توجه به تغییر استراتژی نیروهای مسلح از حالت تدافعی به آفندی که اکنون امکان حملات پیش‌دستانه را نیز برای نیروهای مسلح میسر ساخته است در صورت قطعیت و قریب‌الوقوع بودن خطر، می‌توانیم با استناد به این تغییر راهبرد، به عملیات آفندی دست بزنیم و به صورت پیش‌دستانه با دشمن برخورد کنیم.

وی افزود: متاسفانه در آمریکا رئیس جمهوری بر سر کار است که سردمداران رژیم صهیونیستی توانسته‌اند با ترفندهای مختلف، او را با خود همراه کنند؛ این در حالی است که تا پیش از این، هیچ یک از رئیس جمهورهای آمریکا برای شروع تهاجم و حمله به ایران، تا این حد با این رژیم همراه نشده بودند. با توجه به دو سال باقی‌مانده از دوره ریاست‌جمهوری ترامپ، متاسفانه به نظر می‌رسد این خطرات و همسویی‌ها همچنان تداوم داشته باشد.

آگاه مسائل سیاسی گفت؛ معتقدم در این مدت، ضمن حفظ آمادگی کامل دفاعی و تهاجمی، باید تا حد امکان از تشدید تنش‌ها جلوگیری کنیم. با وجود آمادگی برای دفاع همه جانبه، از آنجا که جنگ خطراتی را متوجه دو طرف کرده و می‌تواند به آسیب گسترده زیرساخت‌ها، جان غیرنظامیان و ارکان حاکمیت بینجامد، لازم است فعالیت‌های دیپلماتیک به موازات آمادگی نظامی پیگیری شود. فرجام سخن؛ پاسخ نهایی به هرگونه خطای دشمن منجر به اجرای دستورات فرمانده کل قوا خواهد شد؛ یعنی پاسخ فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی به هر سطح و نوع از تهدید. اما باید دانست جایگاه فعلی ایران که برگرفته از اقتدار و توانایی آن است، پایان مسیر نیست، آغاز مرحله‌ای جدید از قدرت افزایی است. ما باید با سرعت و دقت، همچنان در ریل قوی‌تر شدن حرکت کنیم چرا که در دنیای امروز، که بیشتر شبیه به قانون جنگل است، تنها قدرت و اقتدار می‌تواند از حقوق و حاکمیت ملت‌ها دفاع کند. در این جهان، اگر کشوری در مسیر تقویت توان خود حرکت نکند، در معرض بلعیده شدن توسط استکبار قرار خواهد گرفت؛ ترکیب همیشگی «اراده سیاسی»، «حمایت مردمی» و «تجهیزات نظامی پیشرفته»، تنها راه تضمین بقا، حفظ استقلال و پیشروی در مسیر شکوه و اقتدار ملی خواهد بود.

«آگاه» در گزارشی به بررسی اخبار ضد و نقیض درباره برگزاری یا عدم برگزاری انتخابات شوراها پرداخت
واقعیت انتخابات شوراها

در یکی، دو روز گذشته موضوع برگزاری یا عدم برگزاری انتخابات هفتمین دوره شوراهای شهر و روستا سوژه خبرگزاری ها شد. برنامه ریزی اولیه برای برگزاری انتخابات در تاریخ ۱۱ اردیبهشت تعیین شده بود اما با تهاجم نظامی آمریکا و رژیم صهیونی به خاک کشورمان، برگزاری آن به تعویق افتاد و قرار شد «شعام» به عنوان نهاد بالادستی تاریخ نهایی را اعلام کند. آن هم به این دلیل که ماهیت جنگ‌های تحمیلی نوین، تنها به تقابل نظامی محدود نمی‌شود، بلکه تلاش دشمن برای ایجاد هرگونه آشوب یا عدم تمرکز در بدنه داخلی کشور، بخشی از این جنگ است. در چنین شرایطی، تعویق این رویداد، تصمیم درستی برای صیانت از امنیت ملی و تمرکز بر مقابله با تهدیدات دشمنان و بدخواهان ایران زمین بود.

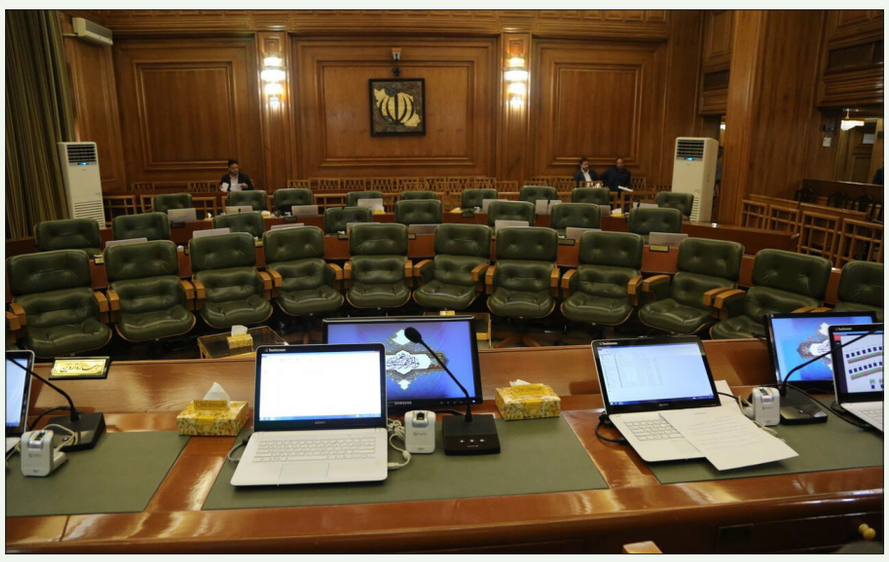
پس از تعویق انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا به دلیل شرایط جنگی کشور، وزارت کشور و مجلس شورای اسلامی پیشنهادهایی را برای برگزاری این انتخابات ارائه کردند که از جمله آنها برگزاری سراسری انتخابات یا برگزاری آن به‌صورت منطقه‌ای و استانی در مناطقی بود که شرایط لازم را دارند. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد این پیشنهادها با موافقت مراجع تصمیم‌گیر مواجه نشده و مقرر شده است مصوبه پیشین درباره زمان‌بندی انتخابات همچنان مبنای عمل قرار گیرد.

یک رسانه رسمی ضمن انتشار خبر فوق آورده بود: «براساس این مصوبه، تقویم جدید انتخابات پس از پایان جنگ و اعلام رسمی آن از سوی شورای عالی امنیت ملی، با هماهنگی مراجع ذی‌ربط و حداکثر ظرف دو ماه تنظیم و اعلام خواهد شد. به این ترتیب، با توجه به تداوم شرایط جنگی و زمان باقی‌مانده تا پایان سال، برگزاری انتخابات هفتمین دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال جاری منتفی است. از سوی دیگر، با توجه به قانون تجمیع انتخابات، این احتمال وجود دارد که انتخابات شوراها به‌جای برگزاری مستقل، همزمان با یکی از انتخابات پیش رو برگزار شود؛ هرچند هنوز تصمیم نهایی درباره زمان و نحوه تجمیع آن اعلام نشده است.»

پس از خبر منتشر شده، روز گذشته محمدصالح جوکار، رئیس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات در گفت‌وگویی با بیان اینکه ما به عنوان متولی انتخابات، در این زمینه هیچ‌گونه اطلاعات رسمی یا مصوبه‌ای دریافت نکرده‌ایم، گفت؛ هر نقل قولی از منابع ناشناس فاقد اعتبار لازم است چرا که طبق قانون، تنها ستاد مرکزی انتخابات کشور و هیات نظارت مرکزی انتخابات صلاحیت اعلام تاریخ برگزاری انتخابات را دارند. وی با بیان اینکه تا این لحظه، هیچ خبر رسمی مبنی بر لغو یا تغییر روند انتخابات شوراها دریافت نشده است، تاکید کرد: «بنابراین نمی‌توانیم این خبر را به صورت قطعی رد یا تایید کنیم زیرا هنوز هیچ مجوز یا دستورالعمل رسمی در این باره صادر نشده است. تا زمانی که شورای عالی امنیت ملی مجوزی نداده‌اند نمی‌توان در مورد زمان برگزاری انتخابات شوراها نظر داد. قطعا با توجه به شرایط فعلی و توقف های پیش آمده در انتخابات، برای ادامه مسیر و فعالیت، ما همچنان نیازمند صدور مصوبات لازم هستیم. همچنین طبق سیاست‌های کلی انتخابات که از سوی رهبری شهید اعلام شده است، هدف بر این است که در کشور هر دو سال یک بار انتخابات برگزار شود.»

بررسی اظهارات رئیس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها، ابهامات موجود را برطرف می‌کند؛ این رویکرد بیانگر آن است که نظام تصمیم‌گیری کشور، از هرگونه شتاب‌زدگی پرهیز می‌کند. در واقع، تعیین زمان برگزاری انتخابات، صرفا در صلاحیت مراجع قانونی ذی‌ربط است و هرگونه خبر پیش از اطلاع رسمی، در زمره گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای قرار می‌گیرد.

برای درک صحیح از علت تاخیر برگزاری انتخابات، باید به ساختار اولویت‌های کشور توجه داشت. در حال حاضر، پیگیری مستمر و اجرای دقیق مطالبات و رهنمودهای فرمانده کل قوا توسط دولت و دستگاه های اجرایی، ارتقای سطح آمادگی رزمی و عملیاتی نیروهای مسلح، به گونه‌ای که هرگونه تهدید احتمالی در همان لحظه وقوع با پاسخی متناسب و قاطع روبه‌رو شود و تمرکز حداکثری بر حل مشکلات معیشتی مردم و شکستن زنجیره فشارهای اقتصادی تحمیلی از جمله محورهای مهم و حائز اهمیت مسئولان در سه قوه و سایر نهادهای حاکمیتی محسوب می‌شود. این سه محور، بسترهای حیاتی کشور را شکل می دهند و هرگونه فعالیت سیاسی گسترده‌ای مانند انتخابات، تنها زمانی می‌تواند به بهترین شکل برگزار شود که این بسترهای حیاتی تثبیت شده و فضای امنیتی به ثبات کامل برسد.



در همین باره نظر یک فعال سیاسی که سابقه حضور در شورای پنجم تهران را دارد، جویا شدیم. حجت نظری با بیان اینکه وزارت کشور در تعامل با نهادهای تصمیم‌گیرنده و مجری، اعم از شورای عالی امنیت ملی، مجلس شورای اسلامی و همه تصمیم‌گیرندگان امر، تشریک مساعی داشته باشد و ضمن مشاوره‌های عیان یا غیرعلنی، تصمیم بگیرند که در مورد انتخابات چه برنامه‌ای قرار است اجرا شود و این زمان‌بندی را مشخص کرده و به مردم اعلام کنند، گفت؛ مشخص کردن زمان می‌تواند ناظر به برگزاری انتخابات مثلا در یک ماه پیش رو یا حتی یک سال پیش رو باشد. اما معتقدم ما انتهای داستان را بازبگذاریم و اعلام کنیم که دو ماه بعد از پایان شرایط جنگی، انتخابات برگزار خواهد شد، این اتفاق خوبی نیست. وی با بیان اینکه تعیین زمان برای انتخابات، اتفاق مهمی است که هم کسانی که هم اکنون بر مسند امور هستند و هم مردم تکلیف‌شان را بدانند، گفت؛ شاید همچنان شرایط به طور کامل برای برگزاری انتخابات مهیا نباشد، اما امیدواریم که زودترین شرایط فراهم شود. در صورت وجود شرایط برای برگزاری انتخابات، احزاب و گروه‌های سیاسی باید در کنار مردم، از تمام ظرفیت های خودشان استفاده کنند تا انتخابات هرچه پرشورتر از دوره‌های گذشته برگزار شود.

آگاه مسائل سیاسی تاکید کرد: «امروز باید به دنیا این پیام مخابره شود که مردم در بالاترین سطح از حکومت و کشورشان حمایت و پشتیبانی می‌کنند و این پرشور برگزار شدن انتخابات، به مشروعیت هرچه بیشتر نظام کمک خواهد کرد. لذا همه گروه‌های سیاسی و همه احزاب باید برای این مهم تلاش کنند.»

نکته حائز اهمیت این است که تاخیر در برگزاری انتخابات جدید، به معنای خلأ مدیریتی در سطح شهرها و روستاها نیست. شوراهای فعلی همچنان بر اساس اختیارات قانونی خود فعال هستند و به ارائه خدمات به شهروندان ادامه می‌دهند. این تداوم فعالیت، تضمین می‌کند، روند توسعه محلی و رفع نیازهای شهری دچار وقفه نمی‌شود. بنابراین، عدم برگزاری انتخابات در زمان پیش‌بینی شده، هیچ خللی در چرخه خدمات‌رسانی ایجاد نکرده و تنها یک جابه‌جایی زمانی در فرآیند انتخاب اعضای جدید پارلمان های شهر و روستا است. اگرچه در نشست خبری فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، ابراز امیدواری مبنی بر برگزاری انتخابات در بهمن مطرح شد اما آنچه بیان شد، اعلام رسمی نبود، بلکه امیدواری خانم سخنگو بود؛ منبع رسمی و نهایی برای تعیین زمان، مراجع قانونی ـ شورای عالی امنیت ملی ـ است. منطق حاکم بر این تصمیم، ایجاد و شکل‌گیری فضای مناسب است. فضایی که تهدیدات نظامی به حداقل رسیده، ثبات اقتصادی محسوس شده و مردم با آرامش کامل در انتخابات شرکت کنند. به محض آنکه مراجع ذی‌ربط، شرایط را به صلاح بدانند، اطلاع‌رسانی خواهد شد.

در مجموع می‌توان گفت، مسئله انتخابات شوراهای شهر و روستا، بخشی از مدیریت کلان در شرایط کنونی است. تعویق در برگزاری آن فقط به دلیل ارجحیت «امنیت ملی» صورت گرفت. اولویت فعلی، تبدیل مطالبات رهبری به واقعیت‌های ملموس در اقتصاد و امنیت است. پس از تحقق این اهداف و برقراری آرامش کامل، انتخابات شوراها در محیطی آرام برگزار خواهد شد تا خروجی آن، انتخاب نمایندگانی برای خدمت‌رسانی به مردم آن هم به دور از نگاه‌ها و تفسیرهای سیاسی در شهر و روستاها باشد. در این مسیر، صبر و اعتماد به تصمیمات مراجع قانونی، بهترین راه برای حمایت از اقتدار ملی است.



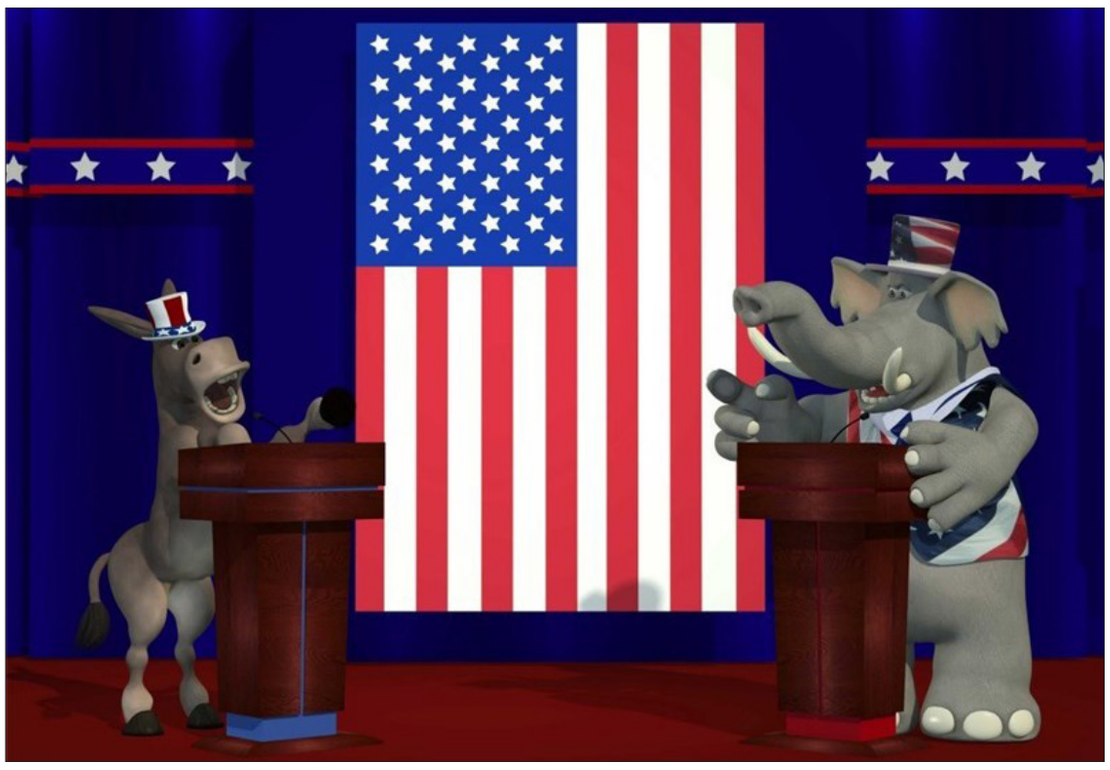
سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه:
هیچ برنامه‌ای برای ملاقات و گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا نداریم

سه‌شنبـه/ ۱۲ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۸۰

آیا ترمز ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا کشیده می‌شود؟

رویای آمریکایی، میدان تاخت‌وتاز الاغ‌ها و فیل‌ها

انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، امروز سه‌شنبه سوم نوامبر برابر با ۱۲ آبان برگزار می‌شود. آمریکایی‌ها امروز تعیین می‌کنند که کدام حزب در نیمه دوم دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رئیس جمهور این کشور کنترل کنگره را در دست خواهد داشت؛ حزب فیل‌ها یا همان جمهوری‌خواهان یا اینکه حزب الاغ‌ها و همان دموکرات‌ها.



در این انتخابات حدود ۲۱۰ میلیون رأی‌دهنده ثبت‌نام شده تصمیم خواهند گرفت که دونالد ترامپ در ادامه دوران ریاست جمهوری خود، از چه میزان قدرت برخوردار باشد. اگرچه نام دونالد ترامپ در برگه‌های رأی نیست، اما موضوع اصلی، کنترل کنگره آمریکاست؛ کنگره که از مجلس نمایندگان و سنا تشکیل شده، وظیفه تدوین قوانین آمریکا و نظارت بر هزینه‌های فدرال را بر عهده دارد. انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا برای احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه در شرایط کنونی این کشور از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و از دست دادن هریک از مجلس‌ها می‌تواند پیامدهای بسیاری را برای جمهوری‌خواهان به همراه داشته باشد.

انتخابات میان دوره‌ای که در نیمه دوره چهارساله ریاست جمهوری آمریکا برگزار می‌شود، ترکیب کنگره را تعیین می‌کند؛ در این انتخابات، تمامی ۴۳۵ کرسی مجلس نمایندگان و ۳۵ کرسی از مجموع ۱۰۰ کرسی سنا به رقابت گذاشته می‌شوند. این آمار شامل انتخابات‌های ویژه در ایالت‌های فلوریدا و اوهایو برای پر کردن کرسی‌هایی است که با انتصاب مارکو روبیو، وزیر خارجه و جی دی ونس، معاون رئیس جمهور خالی شده‌اند. همچنین رأی‌دهندگان در ۳۶ ایالت، فرمانداران خود را انتخاب خواهند کرد. هریک از اعضای مجلس نمایندگان، نماینده یک حوزه انتخاباتی کنگره هستند و دوره‌های نمایندگی‌شان دو سال طول می‌کشد؛ در حالی که دوره سناتورها ۶ سال است. انتخابات میان دوره‌ای همچنین به‌طور گسترده‌ای به مثابه همه‌پرسی درباره عملکرد رئیس جمهور مستقر آمریکا تلقی می‌شود.

در انتخابات میان‌دوره‌ای، حزب رئیس جمهور همیشه بازنده است

به گفته تاد بلت، استاد مدیریت سیاسی در دانشگاه جورج واشنگتن، از سال ۱۹۴۶ تاکنون، حزب متبوع رئیس جمهور در انتخابات میان‌دوره‌ای به‌طور میانگین ۲۶ کرسی در مجلس نمایندگان و تعدادی کرسی در مجلس سنا را از دست داده است. علاوه بر کنگره و فرمانداران، رأی‌دهندگان قانون‌گذاران ایالتی و مقام‌های محلی را نیز انتخاب خواهند کرد.

جمهوری‌خواهان در هر دو مجلس اکثریت را در اختیار دارند؛ از دست دادن اکثریت در هریک از این دو مجلس، به دموکرات‌ها این قدرت را می‌دهد که مانع تصویب قوانین مدنظر دولت ترامپ شوند و تحقیقاتی را درباره دولت ترامپ آغاز کنند. دموکرات‌ها برای به دست گرفتن کنترل کنگره، به کسب سه کرسی در مجلس نمایندگان و چهار کرسی در مجلس سنا نیاز دارند. اگر در مجلس سنا وضعیت ۵۰-۵۰ یا تساوی آرا پیش بیاید، کنترل همچنان در دست جمهوری‌خواهان باقی می‌ماند، زیرا ونس، معاون اول رئیس جمهور آمریکا می‌تواند با رأی خود تساوی را بشکند.

وضعیت در مجلس نمایندگان

مجلس نمایندگان، مجلس پایین دست کنگره آمریکا است؛ این مجلس ۴۳۵ عضو دارد که هر کدام نماینده یک حوزه انتخابیه محلی هستند و برای دوره‌ای دو ساله انتخاب می‌شوند؛ بنابراین، تمام کرسی‌ها هر دو سال یک بار به رقابت گذاشته می‌شوند. کرسی‌ها براساس جمعیت میان ایالت‌ها توزیع می‌شوند که این امر مبتنی بر سرشماری است که هر ۱۰ سال یک بار انجام می‌گیرد. کالیفرنیا، پرجمعیت‌ترین ایالت، ۵۲ کرسی دارد، در حالی که کم‌جمعیت‌ترین ایالت‌ها، مانند وایومینگ و ورمونت، هر کدام دارای یک کرسی هستند. برای کسب اکثریت، یک حزب به ۲۱۸ کرسی نیاز دارد؛ در حال حاضر، جمهوری‌خواهان با ۲۱۸ کرسی در برابر ۲۱۴ کرسی دموکرات‌ها، کنترل مجلس نمایندگان را در دست دارند و یک نماینده مستقل نیز در کنار جمهوری‌خواهان قرار گرفته است.

وضعیت انتخابات سنا

سنا، مجلس علیای کنگره آمریکا است؛ برای ۱۰۰ عضو آن، دو نفر از هر ایالت صرف‌نظر از جمعیت در سطح ایالت انتخاب می‌شوند و برای دوره‌های ۶ ساله فعالیت می‌کنند و حدود یک سوم کرسی‌ها هر دو سال یک بار به رقابت گذاشته می‌شوند. امسال، ۳۳ کرسی در انتخابات عادی، در کنار انتخابات ویژه در فلوریدا و اوهایو، به رقابت گذاشته می‌شوند. از ۳۵ کرسی مورد رقابت، جمهوری‌خواهان ۲۲ و دموکرات‌ها ۱۳ کرسی را در اختیار دارند؛ جمهوری‌خواهان در حال حاضر ۵۳ سناتور دارند. دموکرات‌ها ۴۵ کرسی دارند و دو نماینده مستقل نیز در کنار آنها قرار دارند که به بلوک دموکرات‌ها ۴۷ کرسی می‌دهد. دموکرات‌ها برای رسیدن به ۵۱ کرسی و به دست گرفتن کنترل، به چهار کرسی خالص نیاز دارند. جمهوری‌خواهان می‌توانند با ۵۰ کرسی کنترل را حفظ کنند، زیرا معاون رئیس جمهور آمریکا می‌تواند با رأی خود تساوی را بشکند. دموکرات‌ها برای کسب اکثریت در مجلس سنا مسیری دشوارتر را به دست گرفتن کنترل مجلس نمایندگان پیش رو دارند، اما افزایش تعداد رقابت‌های نزدیک، شانس آنها را برای پیروزی در این مجلس بیشتر کرده است. هزینه زندگی در صدر نگرانی‌های رأی‌دهندگان آمریکایی قرار دارد؛ افزایش قیمت بنزین، هزینه‌های مسکن و پوشش خدمات درمانی، بودجه خانوارها را تحت فشار قرار داده است. موضوع مهاجرت و وضعیت دموکراسی در آمریکا نیز در این انتخابات مطرح است. مسئله تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و همچنین رشد سریع هوش مصنوعی و مراکز داده، پرسش‌های بیشتری را در مورد امنیت، فرصت‌های شغلی و هزینه‌های انرژی ایجاد کرده است.

ترامپ: اگر در انتخابات ببازیم، آقای وتو می‌شوم

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، تقریبا از شکست هم‌حزبی‌های جمهوری‌خواهش در انتخابات میان دوره‌ای کنگره مطمئن شده است و از پیش، چنگ و دندان نشان دادن به رقبای دموکراتش را شروع کرده است. وی در اظهاراتی در این رابطه گفت، فکر می‌کنم باید به آقای وتو تبدیل شوم. این اولین بار نیست که رئیس جمهوری در شرایطی قرار می‌گیرد که مجلس نمایندگان و سنا را در اختیار ندارد. آنها طرح‌های‌شان را به کاخ سفید می‌فرستند و من وتو می‌کنم. بعد از یک یا دو ماه که ببینند همه طرح‌های‌شان وتو می‌شود و فقط وقت‌شان را تلف می‌کنند، بالاخره پای میز مذاکره می‌آیند و به توافق می‌رسیم. فکر می‌کنم احتمالا همین اتفاق خواهد افتاد، اما امیدوارم اصلا کار به آنجا نکشد.

پیشتازی هفت درصدی دموکرات‌ها

نتایج تازه‌ترین نظرسنجی شبکه ان بی سی نیوز نشان می‌دهد دموکرات‌ها در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا با اختلاف هفت درصد از جمهوری‌خواهان پیش افتاده‌اند. نظرسنجی جدید شبکه ان بی سی نیوز نشان می‌دهد ۵۲ درصد از رأی‌دهندگان ثبت‌نام‌شده آمریکایی خواهان کنترل کنگره توسط حزب دموکرات هستند، در حالی که ۴۵ درصد از جمهوری‌خواهان حمایت می‌کنند. این میزان پیشتازی دموکرات‌ها در مقایسه با نظرسنجی ماه گذشته دو درصد افزایش یافته است. این نظرسنجی که از ۲۸ تا ۳۰ اکتبر و با مشارکت یک‌هزار رأی‌دهنده ثبت‌نام‌شده انجام شده، حاکی از آن است که دموکرات‌ها در میان رأی‌دهندگان مستقل نیز ۲۱ درصد برتری دارند. با این حال، سه درصد از شرکت‌کنندگان هنوز درباره انتخاب خود تصمیم نگرفته‌اند؛ موضوعی که می‌تواند در روزهای پایانی رقابت، به‌ویژه در حوزه‌های انتخاباتی رقابتی مجلس نمایندگان و سنا، تعیین‌کننده باشد.

نفرت بی‌سابقه آمریکایی‌ها از یک رئیس جمهور

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این نظرسنجی، افزایش نارضایتی از عملکرد دونالد ترامپ است. بر اساس نتایج، ۶۰ درصد از رأی‌دهندگان از عملکرد رئیس جمهور آمریکا ناراضی هستند و تنها ۴۰ درصد از او حمایت می‌کنند. میزان نارضایتی از ترامپ در نظرسنجی‌های ان بی سی نیوز طی دو دوره ریاست جمهوری او به چنین سطحی نرسیده بود. همچنین حدود سه‌چهارم رأی‌دهندگان از وضعیت اقتصادی آمریکا ناراضی هستند و نزدیک به دوسوم آنها خواهان تغییر در مسیری هستند که ترامپ برای اداره کشور در پیش گرفته است. بالغ بر ۵۰ درصد از شرکت‌کنندگان نیز خواستار تغییرات گسترده در سیاست‌های دولت شده‌اند؛ رقمی که در نظرسنجی‌های این شبکه بی‌سابقه است. برای نخستین بار در سه دهه نظرسنجی‌های ان بی سی نیوز، شمار آمریکایی‌هایی که از وضعیت مالی شخصی خود ناراضی هستند، از تعداد افراد راضی پیشی گرفته است؛ به طوری که ۵۱ درصد نارضایتی و ۴۹ درصد رضایت خود را اعلام کرده‌اند. جف هورویت، نظرسنج جمهوری‌خواه و از مجریان این نظرسنجی، با اشاره به فاصله میان وعده‌های انتخاباتی ترامپ و وضعیت کنونی آمریکا گفت: ریاست جمهوری ترامپ را می‌توان با وعده‌های دو سال پیش و مخاطرات دو روز آینده خلاصه کرد. وی افزود: ترامپ با وعده رونق اقتصادی و برقراری صلح به کاخ سفید بازگشت، اما اکنون افزایش قیمت‌ها در جریان جنگ ایران و نگرانی‌های اقتصادی، نارضایتی گسترده‌ای در میان رأی‌دهندگان ایجاد کرده است.

روی‌گردانی طرفداران ترامپ از او

بر اساس این نظرسنجی، ۶۴ درصد از رأی‌دهندگان، از جمله یک سوم کسانی که در انتخابات ۲۰۲۴ به ترامپ رأی داده بودند، معتقدند او نتوانسته انتظاراتشان را برآورده کند. همچنین ۷۰ درصد از شرکت‌کنندگان بر این باورند که آمریکا در مسیر نادرستی حرکت می‌کند؛ رقمی که نسبت به سال گذشته ۹ درصد افزایش یافته است. تورم و هزینه‌های زندگی همچنان مهم‌ترین دغدغه آمریکایی‌ها در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای است. پس از آن، فساد دولتی، تهدیدها علیه دموکراسی و مسائل مربوط به مهاجرت و امنیت مرزی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

طبق نتایج نظرسنجی تازه، دموکرات‌ها در زمینه مدیریت تورم با اختلاف یک درصد از جمهوری‌خواهان پیش هستند؛ موضوعی که برای حزب جمهوری‌خواه نگران‌کننده است، زیرا این حزب در انتخابات ۲۰۲۴ در این زمینه برتری داشت. در موضوع اقتصاد نیز برتری جمهوری‌خواهان به تنها دو درصد کاهش یافته است؛ در حالی که این حزب طی سال‌های گذشته در این زمینه از اختلافی دو رقمی برخوردار بود.

صهیونیست‌ها از پیشروی‌های مقاومت یمن در جبهه جنوبی و رصد سومالی‌لند توسط صنعا وحشت دارند

انصارالله در یک قدمی فتح خلیج عدن

روزنامه الاخبار لبنان در گزارشی نوشت: نیروهای انصارالله که به نیروهای صنعا یا نیروهای دولتی و قانونی مورد حمایت ملت یمن معروف هستند در ادامه پیشروی‌های نظامی خود در استان لحج در جنوب یمن، ارتفاعات مشرف به خلیج عدن را به کنترل خود درآوردند و به مناطق ساحلی نزدیک شدند.

طبق گزارش روزنامه الاخبار لبنان، نیروهای صنعا با پیشروی در استان لحج و تسلط بر ارتفاعات مشرف به خلیج عدن، به خط ساحلی از خور عمیره تا باب المندب نزدیک شدند، در حالی که لشکر چهارم وابسته به حزب اصلاح دچار فروپاشی شده و نگرانی‌ها درباره سقوط عدن را افزایش داده است. به گفته منابع دریانوردی یمن، این پیشروی موجب می‌شود تحرکات رژیم صهیونیستی در سومالی‌لند واقع در کرانه دیگر خلیج عدن در آینده رصد و هدف‌گیری شود. این منابع در گفت‌وگو با روزنامه الاخبار توضیح دادند که نیروهای انصارالله در طورالباحه پیشروی کرده و به نوار ساحلی از منطقه خورعمیره تا جنوب باب‌المندب نزدیک شدند و پس از تسلط نیروهای انصارالله بر ارتفاعات المضاربه، رأس العاره، طورالباحه، رشته کوه‌های الصبیحه و مناطق وسیعی در شهرستان القبیطه، سقوط جبهه کرش به دست این نیروها دور از انتظار نیست. به این ترتیب، نیروهای انصارالله در جبهه‌های استان لحج در شمال غربی عدن، در حال ایجاد معادلات نظامی تازه‌ای هستند.

پیشروی نیروهای انصارالله در منطقه طورالباحه

یک منبع نظامی نیز اعلام کرد که پیشروی نیروهای صنعا در منطقه طورالباحه همزمان با فروپاشی مواضع لشکر چهارم وابسته به حزب اصلاح به فرماندهی ابوبکرالجبولی صورت گرفته است. به گفته این منبع، ده‌ها خودروی نظامی و زرهی متعلق به نیروهای الجبولی مواضع خود را تخلیه کرده و از منطقه خارج شده‌اند. این تحولات پس از پیشروی نیروهای صنعا از دو محور حیفان و المقاطره، محاصره شماری از گردان‌های تحت حمایت عربستان و اسارت نیروهای یکی از این گردان‌ها رخ داده است. همچنین بنا بر این گزارش، نیروهای صنعا حدود ۱۰۰ خودروی نظامی پیشرفته را به تصرف خود درآورده‌اند. همزمان با این تحولات، منابع نظامی آگاه در عدن از دستور نیروهای سعودی به نیروهای درع‌الوطن مستقر در پایگاه العند برای تغییر موضع و انتقال تسلیحات سنگین به عدن خبر دادند. همچنین افسران سعودی طی دو روز گذشته مقادیر زیادی از تسلیحات پیشرفته را از پایگاه العند خارج کرده‌اند.

امنیت در استان لحج در دروازه‌های عدن تکمیل شد

در همین جبهه، نیروهای صنعا روز شنبه پس از یک عملیات گسترده در چند محور، تامین امنیت در شهرستان‌های غربی استان لحج واقع در دروازه‌های عدن را تکمیل کردند. منابع قبیله‌ای اعلام کردند که گروه‌هایی از نیروهای صنعا پس از پیشروی از غرب منطقه المقاطره، به نیروهای دیگری پیوسته و از شرق المضاربه و رأس العاره به سمت مرکز طورالباحه پیشروی کرده‌اند. این سه شهرستان در واقع کمربند دفاعی غرب استان لحج به شمار می‌روند و تسلط نیروهای دولت یمن بر آنها می‌تواند کنترل این نیروها بر مسیر دریایی از دریای سرخ تا خلیج عدن، از طریق تنگه باب‌المندب، به طول حدود ۱۰۰ کیلومتر را تقویت کند. بر اساس این گزارش، نیروهای انصارالله پس از تسلط بر رشته کوه‌ها و ارتفاعات مشرف به سواحل حدفاصل باب‌المندب تا نزدیکی رأس عمران در عدن، دامنه درگیری‌ها را به روستاها و مناطق محل استقرار نیروهایی گسترش داده‌اند که عربستان برای انجام ماموریت‌های نظامی در جنوب باب‌المندب به این مناطق اعزام کرده بود. این پیشروی‌ها همچنین نیروهای صنعا را به کنترل بخش‌های گسترده‌ای از سواحل راهبردی نزدیک کرده است. در پی این تحولات، شماری از چهره‌های سیاسی جنوب یمن خواستار عقب‌نشینی فوری گروه‌های سلفی اعزام‌شده از سوی عربستان از جنوب باب‌المندب و بازگشت آنها به اطراف عدن برای دفاع از این شهر شده‌اند. این درخواست‌ها همزمان با برگزاری تجمعات شبانه در عدن مطرح شد؛ تجمعاتی که شرکت‌کنندگان در آنها خواستار خروج نیروهای وابسته به عربستان و پایان دادن به نظامی‌سازی این شهر با هدف جلوگیری از قرارگرفتن آن در معرض حملات هوایی بودند. در همین حال، حزب اصلاح، شورای انتقالی جنوب را به همکاری با دولت یمن برای ضربه زدن به عربستان متهم کرد. این اتهامات پس از آن مطرح شد که عربستان در اواخر سال گذشته میلادی از نیروهای درع‌الوطن و یگان‌های سلفی الطواری برای پایان دادن به حضور نظامی شورای انتقالی در استان‌های جنوبی استفاده کرده بود. اتهام‌زنی‌ها پس از آن شدت گرفت که نیروهای سعودی در چند استان جنوبی هدف کمین‌های مسلحانه قرار گرفتند. در یکی از این موارد، تحرکات و مسیر حرکت کاروان‌های نظامی سعودی در جاده العبر، شبوه در شرق یمن زیر نظر گرفته شد و در حمله افراد مسلح ناشناس به کاروان نظامی نیروهای درع‌الوطن در استان ابین نیز فرمانده این یگان، سرتیپ محمد احمد الحمیقانی، به همراه پنج افسر دیگر کشته شدند. در این راستا، علی النسی، تحلیلگر نظامی، درباره پیامدهای پیشروی نیروهای صنعا به سمت عدن هشدار داد و گفت گروه‌های جنوبی که در کنار عربستان می‌جنگند، ممکن است در نبردی شکست‌خورده در باب‌المندب به قربانیان این درگیری تبدیل شوند. وی تاکید کرد که این نیروها باید مواضع خود را تغییر داده و در اطراف عدن مستقر شوند

بقایی، سخنگوی وزارت خارجه:

ملاک ما عملکرد دولت آمریکاست، نه لحن نامه



سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز دوشنبه ۱۱ آبان در نشست خبری هفتگی خود پاسخگوی سوالات خبرنگاران شد.

اسماعیل بقایی در ابتدا با گرامیداشت روز ۱۳ آبان و یاد شهدا درباره تحولات منطقه گفت: تحولات در غرب آسیا کماکان کانونش فلسطین اشغالی و تداوم نسل‌کشی در فلسطین است. اساسا همه می‌دانیم علت همه ناامنی‌ها در منطقه رژیم صهیونیستی است. بعد از انتخابات رژیم صهیونیستی، جنایت علیه لبنان و غزه تشدید شده است. در آستانه فصل سرما مشکلات آوارگان فلسطینی فاجعه‌بار است. جامعه جهانی دچار نوعی کرختی شده است، پدیده خطرناکی به وجود آمده و آن عادی‌سازی کشتار است. همه نهادها از جمله سازمان همکاری اسلامی مسئولیت دارند در برابر این جنایات موضع بگیرند. مقامات رژیم صهیونیستی تحت تعقیب هستند اما دیوان بین‌المللی کیفری تحت فشار شدید آمریکا قرار دارد.

توپ در زمین آمریکاست

سخنگوی وزارت خارجه درباره نامه جی دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا به سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران گفت: تفاوت در سبک نامه‌نگاری امر معمولی است، برای ما عملکرد آمریکا مهم است. تاکنون آمریکا نشان داده نه تنها ابتکاری ندارد بلکه ابتکارات دیپلماتیک را نیز از بین می‌برد. آمریکا در دو سال گذشته فقط بر طبل جنگ کوبیده است یا روندها را از بین برده یا روندی که محصول داده را تخریب کرده است. روند اسلام‌آباد، مذاکره‌کننده ارشدش همین نگارنده نامه بود. با این اوصاف قطعا هر روندی را باید با احتیاط نگاه کرد. ایران ابتکار هفت روزه را مطرح کرده است و دیدگاه‌های طرف مقابل را شنید. ملاحظات رد و بدل شد و کماکان پیشنهاد ما درباره این روند دیپلماتیک وجود دارد. توپ در زمین آمریکاست و مطالبات ما شفاف بیان شده است. وی افزود: تنگه هرمز نمی‌تواند باز شود مگر اینکه محاصره پایان یابد و مطالبات ایران رعایت شود. اگر محاصره برداشته شد می‌توان درباره ادامه روند صحبت کرد. درباره نامه ونس اینکه جواب به چه شکلی باشد خود دبیر شورای عالی امنیت ملی تصمیم می‌گیرند. از این حیث که دیپلماسی در جریان است باید بگویم مبنای مذاکرات همان طرح هفت مرحله‌ای ایران است. این نشان‌دهنده حسن نیت ایران است و همه اینها به آمریکا بستگی دارد.

قالیباف، مذاکره‌کننده ایران است

بقایی درباره طرح دو روزه و حضور هیات قطری در تهران و حضور معاون وزیر خارجه ایران در قطر و نتیجه میانجی‌گری گفت: سفر معاون وزیر خارجه به دوحه برای تسهیل در معاملات بین ایران و قطر بود و آقای غریب‌آبادی در این راستا در قطر حضور داشتند. گفت‌وگوها ادامه دارد و موضوعات بسیار پیچیده است، گذر زمان بر پیچیدگی‌ها افزوده و تبادل پیام‌ها کماکان ادامه دارد. آمریکا باید تصمیم بگیرد، ما هرآنچه را که لازم بود در قالب معمول به طرف آمریکایی منعکس کردیم. اجرای این مطالبات لازمه بازگشت امنیت است. نمی‌توان از امنیت سخن گفت و محاصره علیه ایران را ادامه داد، نمی‌توان انتظار داشت ایران یک سویه تعهد بدهد. اصرار ایران بر اینکه مطالباتش ابتدا باید اجرا شود، رویکردی معقول برای بازگشت امنیت است. درباره ترکیب هیات مذاکره‌کننده هم تغییری نداریم؛ آقای رضایی در شعام نقش هماهنگ‌کننده را ایفا می‌کنند. مذاکره‌کننده ما آقای قالیباف هستند. الحمدلله انسجام در بین تصمیم‌گیران وجود دارد و این انسجام بی‌سابقه است.

جنگ همچنان در جریان است

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سوالی پیرامون تشدید لفاظی‌های آمریکایی‌ها علیه ایران اظهار کرد: واقعیت این است که در همین لحظه‌ای که صحبت می‌کنیم، جنگ در جریان است. محاصره همه‌جانبه اقتصادی و تکرار مداوم تهدیدات علیه ایران، خود بخش‌های جدایی‌ناپذیری از جنگی به شمار می‌روند که در طول این هشت ماه علیه ملت ما اعمال شده است.

سخنگوی وزارت امور خارجه با تاکید بر هوشیاری راهبردی و آمادگی کامل کشور برای حفاظت از امنیت ملی تصریح کرد: ما به عنوان یک الزام بنیادین باید برای هرگونه پیشامد و سناریویی آمادگی کامل داشته باشیم؛ چرا که موضوع اساسی، دفاع بی‌قیدوشرط از میهن، صیانت از تمامیت سرزمینی و پاسداری از کرامت و عزت یک کشور و ملت و تمدنی چند هزار ساله است و در این مسیر هیچ تردیدی به خود راه نخواهیم داد.

بقایی با تبیین پیوند میان آمادگی دفاعی و روندهای سیاسی خاطرنشان کرد: دستگاه دیپلماسی دقیقا در همان لحظاتی که نمایندگان کشورمان با میانجی‌ها پیرامون طرح‌ها و روندهای دیپلماتیک گفت‌وگو می‌کنند و حتی در شرایطی که جریان دیپلماسی دچار انسداد باشد، این اصل راهبردی را مبنا قرار می‌دهد که در هر وضعیتی باید برای پاسخ به تمامی سناریوهای محتمل مهیا و هوشیار بود.

در برابر استفاده از خاک همسایگان برای تعرض به ایران ساکت نمی‌نشینیم

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به سوالی پیرامون ادعای اخیر مشاور رئیس دولت امارات مبنی بر اینکه اعتماد ابوظبی به تهران سلب شده و ایران مسبب آن بوده است، اظهار کرد: اعتماد را جمهوری اسلامی ایران مخدوش نکرده و از بین نبرده است؛ بلکه در این زمینه باید گفت «خودکرده را تدبیر نیست»، مگر اینکه مقامات این کشورها تصمیم بگیرند با تدبیر واقعی از رویکردها و خطاهای گذشته دست بردارند. جمهوری اسلامی ایران به هیچ وجه نمی‌تواند در برابر سوءاستفاده از قلمرو برخی کشورهای منطقه برای تعرض و تعدی مستقیم به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و امنیت شهروندانش سکوت کند و پاسخی بازدارنده ندهد.

بقایی با آسیب‌شناسی علل بروز ناامنی در منطقه تصریح کرد: آنچه در طول هشت ماه گذشته در این جغرافیا رقم خورد، مستقیما نتیجه اتکا و اعتماد بیش از حد و نسنجیده برخی دولت‌های منطقه به پایگاه‌ها و حضور نظامی ایالات متحده در قلمروشان بود. متاسفانه بعضی از این کشورها نه‌تنها مانع استفاده ماشین جنگی آمریکا از امکانات، فضا و زیرساخت‌های سرزمینی‌شان برای تجاوز به ایران نشدند، بلکه در مواردی حتی مشوق و تسهیل‌کننده این تهاجم نیز بودند. طبیعی است که چنین رفتاری، بنیان‌های اعتماد متقابل را تخریب می‌کند.

وی با تاکید بر دکترین همسایگی و امنیت جمعی خاطرنشان کرد: مقوله اعتماد یک جاده دوطرفه است و نیازمند اقدام و اراده دوسویه در میدان عمل است. جمهوری اسلامی ایران بارها با صداقت و به صورت اصولی اعلام کرده که با هیچ کشوری در منطقه سر ستیز و دشمنی ندارد و باور قطعی ما این است که دستیابی به امنیت و ثبات پایدار، تنها در گرو همکاری‌های درون‌منطقه‌ای و اعتمادسازی دسته‌جمعی بدون دخالت بیگانگان محقق می‌شود. با این حال، مطالبه و انتظار کاملا معقول، مشروع و تغییرناپذیر ملت ایران این است که دولت‌های منطقه تحت هیچ شرایطی اجازه ندهند از خاک، حریم هوایی و امکانات‌شان به عنوان سکویی برای تهاجم و توطئه علیه یک همسایه بزرگ و تاریخی استفاده شود.



محمود گبرلو، منتقد سینما:

سینماگران باید روایت صادقانه‌ای از حوادث اخیر ایران ارائه کنند

روایت وزیری که خاک جبهه را به صندلی ترجیح داد

نفت، خون، خاک

تقویم‌ها وزرا را با اتاق‌های آکوستیک، کت‌وشلوارهای اتوکشیده و نشست‌های اضطراری در پایتخت‌ها به خاطر می‌آورند؛ اما نفت در پاییز ۵۹، معنای دیگری از قدرت و حکمرانی را تجربه کرد. مردی ۳۰ ساله با اورکت خاکی، درست ۴۰ روز پس از تکیه بر بالاترین مسند انرژی کشور، به جای صدور بیانیه‌های دیپلماتیک از تهران، دل به خط آتش زد تا نبض تپنده پالایشگاه آبادان در محاصره بعثی‌ها خاموش نماند. محمدجواد تندگویان نه یک تکنوکرات بی‌روح بود و نه سیاست‌مداری شیفته صندلی وزارت؛ او پیش از آنکه وزیر نفت باشد، راوی صامت فرهنگی اصیل، کتاب‌خوانی پیگیر و چریک کلماتی بود که صنعت نفت را امانت مردم می‌دانست، نه ابزار قدرت. نهم آبان، نه سالروز توقف یک وزیر، بلکه نقطه آغاز حماسه‌ای خاموش در دخمه‌های بعث است؛ اسارتی غریب که پیکر رنجور اما ایستاده او را به سند ماندگار شرف و وفاداری تبدیل کرد.

نفت در حافظه تاریخی ما ایرانی‌ها، بوی کودتا، قراردادهای استعماری، حساب‌های بانکی پنهان و بروکراسی سنگین طبقات بالای وزارتخانه‌ها را می‌دهد. اما آبان ۱۳۵۹، حوالی جاده ماهشهر به آبادان، خاک و خون با بوی نفت درآمیخت تا پارادایم کهنه‌ای را درهم بشکند. در اوج بمباران و پیشروی تانک‌های ارتش بعث، خبر رسید وزیر جوان نفت، به دل آتش رفته است؛ نه برای بازدید نمایشی با اسکورت‌های پرتعداد، بلکه برای رساندن بنزین و سوخت به شهری که در آستانه سقوط کامل بود.

محمدجواد تندگویان تنها ۴۰ روز بود که رأی اعتماد گرفته بود. در منطق سیاست‌مداران کهنه‌کار، ۴۰ روزگی وزارت، وقت چیدن کابینه، جلسات تشریفاتی و مصاحبه‌های بلندبالاست. برای تندگویان اما، کرسی وزارت سنگری در متن بحران بود. وقتی در بیابان‌های خوزستان جاده به محاصره دشمن درآمد، او راه گریزی نجست. همراهانش می‌توانستند شهادت دهند که نگاهش پیش از اسارت، نه به پایتخت و رانت قدرت، بلکه به پالایشگاهی بود که دود غلیظش آسمان اروند را سیاه کرده بود. او ردای وزارت را برتن نکرد تا از مردم جدا شود، بلکه همان پیراهن ساده کتان و اورکت رزمندگان را پوشید تا نشان دهد ثروت یک ملت وقتی ارزش دارد که پای شرافت و خاکش ذبح نشود.

از حلقه‌های شریعتی تا شب‌های اسارت

اشتباه است اگر محمدجواد تندگویان را صرفا در قامت یک مهندس شیمی برجسته و مدیر خلاصه کنیم. روح ناآرام او سال‌ها پیش از انقلاب، میان سطور کتاب‌های تفکر انتقادی، فلسفه اسلامی و ادبیات بالیده بود. در دانشکده نفت آبادان، جایی که انگلیسی‌ها دهه‌ها تلاش کرده بودند نسلی مطیع و جدا‌افتاده از دردهای اجتماعی بسازند، جواد تندگویان کانون اعتراض و آگاهی بود. او راوی صادق دردهای طبقه فرودست بود. تندگویان در حسینیه ارشاد پای درس‌های دکتر علی شریعتی نشست و با شهید مطهری مأنوس شد. شعر می‌سرود، نهج‌البلاغه را با زاویه‌ای کاملا انسانی و معاصر می‌خواند و به زبان انگلیسی مسلط بود؛ اما بیش از هر چیز، دل‌بسته روایت انسان بود. هم‌بندی‌های او در دوران زندان ساواک به یاد می‌آورند که چگونه جواد، سلول سرد را به محفل خواندن و تحلیل متن تبدیل می‌کرد. او به فرهنگ به مثابه ابزار تزئینی یا کاتالوگ تشریفاتی نگاه نمی‌کرد؛ فرهنگ برای او شیوه زیستن و پایداری بود. همین جهان‌بینی فرهنگی و اخلاقی بود که بعد از انقلاب او را در جایگاه مدیریت مناطق نفت‌خیز قرار داد، بدون آنکه حتی ذره‌ای تکبر یا فاصله طبقاتی در رفتارش پدیدار شود.

۴۰ روز بعد از سلام

نهم آبان ۱۳۵۹، غبار سنگین دشت خوزستان، شاهد حادثه‌ای بود که تاریخ کمتر مشابه آن را ثبت کرده است. کاروان کوچک وزیر نفت که در تلاش برای بازکردن معبر سوخت‌رسانی به مدافعان آبادان بود، در جاده ماهشهر-آبادان به کمین نیروهای عراقی افتاد. بعثی‌ها در ابتدا باور نمی‌کردند مهندس جوانی که با چشمانی نافذ و آرام در برابرشان ایستاده، عضو ارشد کابینه دولت ایران باشد.

اسارت تندگویان یک ضربه سهمگین به پیکره سیاسی کشور بود، اما برای شخص او آغاز آزمونی سهمگین‌تر به نام ایستادگی در سکوت شد. صدام حسین رویای بهره‌برداری تبلیغاتی عظیمی از تندگویان در سر داشت؛ او می‌خواست وزیری خردشده، نادم و خسته را در برابر دوربین‌های بین‌المللی بیاورد تا مشروعیت مقاومت ایران را زیر سوال ببرد. اما تندگویان سکوتی سنگین و کوبنده پیشه کرد. سال‌ها شکنجه در زندان‌های مخوف استخبارات، انفرادی‌های طولانی‌مدت در الرشید و قطع کامل ارتباط با صلیب سرخ، تاوان همین سازش‌ناپذیری بود. او حتی در بند، وزیر ماند؛ وزیر غیرت و نماد انسانی که اراده‌اش زیر شلاق‌های دشمن نشکست.

استخوان‌هایی با عطر شرف

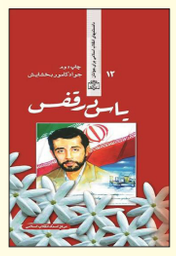
۱۱ سال تمام، نام محمدجواد تندگویان میان امید و بیم در چرخش بود. نامه‌هایی که نیامد، پیگیری‌های بین‌المللی که به درهای بسته خورد و سکوت تلخ رژیم بعث درباره سرنوشت او، فصلی از تراژدی ملی ما را رقم زد. تا اینکه پس از پایان جنگ تحمیلی و تبادل اسرا، رازی که بعثی‌ها پنهان می‌کردند فاش شد؛ وزیر آزاده، زیر شکنجه‌های جانکاه یا مسمومیت در انفرادی به شهادت رسیده بود. آذر ۱۳۷۰، وقتی تابوت تندگویان به میهن بازگشت، نه فقط جامعه نفت، بلکه تمام مردم ایران در بهتی عمیق فرو رفتند. پیکری که از بغداد آمد، استخوان‌هایی رنجور اما به شدت مغرور بود؛ سندی زنده‌تر از هزاران نطق بین‌المللی که مظلومیت و صلابت ملتی را فریاد می‌زد. تندگویان به خاک بازگشت، اما اسطوره‌ای برجای نهاد که فراتر از مناصب موقت سیاسی است؛ تصویر مردی که مدیریت را فدای عافیت نکرد و به جای نشستن پشت درهای بسته، تا آخرین نفس در میدان واقعی زیست و جان داد.



روایت‌های خواندنی از زیست یک وزیر آزاده

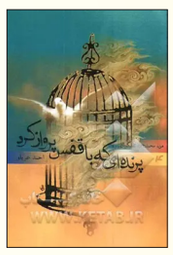
تاریخ رسمی اغلب تمایل دارد شهدا و قهرمانان ملی را در قالب مجسمه‌های دست‌نیافتنی و تک‌بعدی منجمد کند؛ تصاویری دور، بدون احساس و عاری از فراز و فرودهای واقعی زندگی انسانی. اما شناخت دقیق محمدجواد تندگویان تنها با مطالعه اسناد، خاطرات نزدیکان و رمان‌های مستند حاصل می‌شود. بازخوانی رد پای فکری، سلوک مدیریتی و سال‌های دردناک اسارت او در ادبیات معاصر، چهره مردی را شفاف می‌سازد که بیش از هر ادعایی، پایبند به اخلاق، کلمه و شرافت کارگری بود.

۱۱ سال دلتنگی و تردید؛ چشم‌انتظاری پشت دیوارهای زمان



کتاب «یاس در قفس» به قلم حبیبه جعفریان یکی از متفاوت‌ترین و خوش‌خوان‌ترین کتاب‌ها درباره شهید تندگویان است که با زبانی داستانی و بسیار روان به نگارش درآمده است. جعفریان در این اثر تلاش نکرده صرفا یک زندگینامه خطی و اداری ارائه دهد، بلکه دست خواننده را می‌گیرد و به زاویه‌های پنهان خانه، خانواده و تنهایی همسر و فرزندان شهید می‌برد. متن، آکنده از خرده‌روایت‌هایی است که تنهایی صبورانه زنی را در انتظار ۱۱ ساله همسرش تصویر می‌کند؛ همسری که هر در زدن، امیدی لرزان برای بازگشتش می‌آفرید. در «یاس در قفس»، تندگویان نه یک قهرمان دورافتاده، بلکه پدری مهربان، همسری دلسوز و انسانی آرمان‌گراست که باورهایش را فدای آسایش نکرد. این کتاب به دلیل تصویرسازی زنده از روزهای بیم و امید و قلم صمیمی نویسنده، اثری اثرگذار در ادبیات پایداری به شمار می‌رود.

«پرنده‌ای که با قفس پرواز کرد»؛ روایتی داستانی از زندگی وزیر شهید



کتاب «پرنده‌ای که با قفس پرواز کرد» اثر احمد عربلو و نشر شاهد، زندگینامه‌ای داستانی و متفاوت از شهید محمدجواد تندگویان، وزیر نفت شهید است. ایده اصلی این کتاب از نگارش مقاله‌ای توسط یک دانش‌آموز برای مسابقات ادبی به پیشنهاد پدرش شکل می‌گیرد و نویسنده با هنرمندی، اطلاعات جمع‌آوری شده درباره زندگی و دوران اسارت این شهید را در بستری داستانی روایت می‌کند.

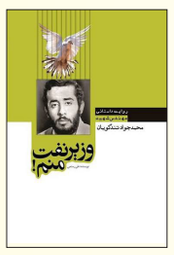
این اثر با زبانی صمیمی و جذاب، ابعاد شخصیتی، تعهد و روحیه خستگی‌ناپذیر شهید تندگویان را به تصویر می‌کشد. کتاب همچنین با تلفیق واقعیت و رویاهای معنادار راوی درباره شهید، پیوندی عمیق میان نسل امروز و قهرمانان ملی برقرار می‌کند. این زندگینامه داستانی ادای احترامی است به وزیری که آگاهانه راه ایثار و شهادت را برگزید و نامش در تاریخ ماندگار شد.

«شهید غریب»؛ روایتی از اسارت و حماسه وزیر نفت



کتاب «شهید غریب» به قلم جلیل جباری و به همت سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، روایتی تکان‌دهنده از دوران اسارت و مقاومت شهید محمدجواد تندگویان، وزیر نفت دولت دفاع مقدس است. این اثر که راوی آن یکی از تکاوران نیروی دریایی ارتش است، بر روزهای پرشور مدیریت میدانی این شهید والامقام در آبادان و سپس اسارت قهرمانانه اش در آبان ۱۳۵۹ تمرکز دارد. کتاب با نثری شیوا به تصویرگری ایثارگری‌های تندگویان می‌پردازد؛ وزیری که با معرفی خود به عنوان وزیر نفت، جان همراهانش را در چنگال نیروهای بعثی نجات داد. صفحات این اثر گواهی است بر ماه‌ها مقاومت غریبانه، تحمل شکنجه‌های سخت و در نهایت شهادت مظلومانه این اسطوره استقامت در زندان‌های رژیم بعث عراق؛ لقبی شایسته که رهبر شهید انقلاب نیز به او داد.

«وزیر نفت منم»؛ مرثیه‌ای بر ایستادگی و انتظار



کتاب «وزیر نفت منم»، روایتی مستند و اثرگذار از زندگی و شهادت شهید محمدجواد تندگویان، وزیر نفت دولت جمهوری اسلامی ایران است. تدوین این اثر ۱۶۰ صفحه‌ای را علی رستمی بر عهده داشته و در قالب ۱۲ روایت خواندنی، از زبان خانواده، دوستان و همرزمان، تصویری زنده از منش، نبوغ و تعهد او ترسیم کرده است. نویسنده با نثری گیرا، از ماموریت خطیر و اسارت غیرمنتظره تندگویان در روزهای نخست جنگ می‌گوید؛ وزیری که مسئولیت پذیری اش مرز نمی شناخت. فراتر از ابعاد مدیریتی، کتاب به سال‌های سخت بی‌خبری و چشم‌انتظاری خانواده شهید پرداخته و کشاکش میان امید به بازگشت و داغ خبر شهادت او و زیر شکنجه‌های رژیم بعث را بازگو می‌کند. مرور سرانجام بازگشت پیکر پاکش در سال ۱۳۷۰ و مواجهه دردناک همسر و فرزندان، این اثر را به سندی ملموس از مظلومیت و پایداری تبدیل کرده است.

روایت صمیمی فرزند شهید سیدحسن نصرالله از زندگی پدرش

چهره پنهان فرمانده

مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ: سیدحسن نصرالله برای جهان نماد استقامت و کلامی نافذ در میدان‌های نبرد بود؛ صدایی که سال‌ها از جبهه‌های سخت و تریبون‌های سیاسی به گوش می‌رسید و نظم معادلات منطقه را تغییر می‌داد. اما پشت این صدای آشنا صدای دیگری بود که شاید تنها دیوارهای خانه آن را می‌شنیدند؛ صدای پدری که سحرگاهان برای فرزندانش صبحانه آماده می‌کرد، از دغدغه‌های کوچک آنان می‌پرسید و برای آرام کردن دل کوچک‌شان هدیه‌ای ساده تهیه می‌کرد. کتاب خاطراتی از پدرم پنجره‌ای است به همین سوی کمتر دیده شده و مهجور زندگی سیدحسن نصرالله؛ پنجره‌ای که این بار نه از سوی یک خبرنگار یا تحلیلگر بلکه از دریچه نگاه فرزندش گشوده شده است.

سید محمدمهدی نصرالله در این کتاب از پدرش نه در قامت یک تصویر دوردست و اسطوره‌ای بلکه در قامت انسانی حاضر در بطن زندگی روزمره روایت می‌کند؛ پدری مهربان، ساده زیست، اهل مطالعه و به شدت حساس به تربیت فرزندان. این کتاب موجز است، اما ادعای ترسیم تمام زوایای یک عمر پرماجرا را ندارد؛ هدف اثر حفظ چند لحظه واقعی است همان لحظه‌هایی که گاهی از شرح‌های طولانی تاریخی چهره‌ای نزدیک‌تر و ماندگارتر می‌سازند.

صبح‌هایی که پدر جای مادر صبحانه درست می‌کرد

بعضی زندگی‌ها را باید از جایی کوچک آغاز کرد؛ نه از تریبون‌ها، نه از نقشه‌های کلان و نه از قاب‌هایی که تاریخ برای چهره‌های سیاسی می‌سازد. شناخت یک شخصیت گاهی باید از آشپزخانه‌ای در یک خانه معمولی آغاز شود؛ از صبحی که پدر برای فرزندانش صبحانه حاضر می‌کند. «خاطراتی از پدرم» دقیقا همین مسیر را پیش می‌گیرد؛ پایین آمدن از ارتفاع تصویر عمومی و قدم گذاشتن در اتاق‌های آشنای خانه. این اثر که به قلم حجت‌الاسلام سیدمحمدمهدی نصرالله نگاشته شده، روایتی است که از درون خانواده برمی‌خیزد. اصل عربی اثر با عنوان «ذکریاتی مع أبی» منتشر شده و ترجمه فارسی آن با نام «خاطراتی از پدرم» توسط بشری صاحبی انجام و از سوی انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است. این کتاب نخستین اثر مکتوب رسمی و صمیمی خانواده درباره این سوی حیات اوست. اهمیت این زاویه دید، نفی تصویر شناخته‌شده او نیست؛ بلکه کامل کردن آن است. پدری که در میدان سیاست و مقاومت با مسئولیت‌های سنگین شناخته می‌شود، در خانه نیز همان است که باید باشد؛ کسی که می‌شنود، مراقب است و حضورش را به شکل‌های کوچک اما تعیین‌کننده نشان می‌دهد.

پسر از جایگاهی می‌نویسد که به جزئیاتی دسترسی دارد که معمولا در روایت‌های بیرونی و سیاسی جا نمی‌گیرند. همین نزدیکی هم امتیاز کتاب است و هم مسئولیت سنگین آن؛ خاطره باید صمیمی بماند، بی آنکه به شعار یا اغراق بدل شود.

انگشتری که دیگر به دست نکرد

در میان روایت‌های کتاب، جزئیات به ظاهر کوچک گاهی بیش از صفت‌های بزرگ تاریخی در ذهن می‌مانند. یکی از درخشان‌ترین این روایت‌ها، ماجرای انگشتری است که سیدحسن نصرالله به فرزندش هدیه می دهد. پسر در حین بازی، انگشتر را گم می‌کند و با نگرانی و ترس از دلخوری پدر، این موضوع را به او می‌گوید. پاسخ پدر اما نه تنبیه است و نه سرزنش؛ او با آرامش، انگشتر مشابهی را از دست خود بیرون می‌آورد و به فرزند می‌دهد و تاکید می‌کند که این را بردار. نکته ظریف در اینجاست که پس از آن اتفاق، پدر دیگر هیچ انگشتری به دست نکرد. این خاطره نه به خاطر ارزش مادی آن انگشتر، که به سبب معنای آن در کنش اخلاقی پدر، تکان‌دهنده است. برای کودکی که از گم شدن هدیه‌اش مضطرب است، مسئله فقط یک شیء گمشده نیست؛ ترس از شکستن حریم محبت پدر است. پاسخ پدر آن ترس را برمی‌دارد. در چند حرکت کوتاه به فرزند می فهماند که آرامش و امنیت روانی او هزاران برابر مهم‌تر از هر دارایی مادی است. این جنس صحنه‌ها، کتاب را از زندگینامه‌های رسمی و خشک جدا می‌کند. در زندگینامه‌های کلیشه‌ای، معمولا داده‌ها و نقاط عطف سیاسی به ترتیب زمانی می‌آیند؛ اما خاطره خانوادگی به جای آنکه فقط گزارش دهد آدمی چه کرد، لحظه‌ای را بازسازی می‌کند که در آن خمیرمایه اخلاقی و خلق‌وخوی یک انسان عیان می‌شود. اگر قرار باشد پدری را از یک انگشتر گمشده به یاد بیاوریم، آنچه می‌ماند خود انگشتر نیست؛ دست خالی‌ای است که بی‌درنگ جای خالی هدیه را برای فرزندش پر می‌کند.

آنچه شنیدم و آنچه دیدم

کتاب ساختار خود را در دو بخش اصلی سامان داده است: آنچه از پدر شنیدم و آنچه در همراهی با او دیدم. این تفکیک، نقشه‌ای ساده اما بسیار معنادار پیش روی مخاطب می‌گذارد. یک بخش به گفته‌ها و خاطراتی تکیه می‌کند که از دیگران یا در گذر تاریخ به نویسنده رسیده؛ بخش دیگر از مشاهده و همراهی مستقیم پسر خبر می‌دهد. در مجموع، این اثر در قالب ۸۲ روایت کوتاه شکل گرفته است. عدد ۸۲ وعده جامعیت نمی‌دهد؛ بیشتر یادآور مجموعه‌ای از قاب‌های منتخب است. قاب‌هایی از عطوفت در خانه، توجه به تربیت فرزندان، نقش پدربزرگ، ساده‌زیستی واقعی، مطالعه جدی و انس با کتاب. ترتیب روایت‌ها کمک می‌کند کتاب به جای آنکه ادعای بازسازی تمام زندگی را داشته باشد، بر لحظه‌های منتخب مکث کند. این انتخاب با ماهیت خاطره‌نویسی سازگار است: زندگی روزمره معمولا به صورت فصل‌بندی شده و منظم در ذهن نمی‌ماند؛ گاهی یک جمله یا یک رفتار سال‌ها بعد روشن‌تر از ده‌ها رویداد بزرگ تاریخی بازمی‌گردد. حاصل این دو بخش، نه گزارش بی‌طرفانه یک ناظر بیرونی، بلکه شهادت صمیمانه یک خانواده است؛ صدایی که نزدیکی‌اش ارزش دارد و همزمان یادآوری می‌کند که با یک خاطره کاملا شخصی روبه‌رو هستیم. همین صراحت درباره جایگاه روایت، به خواننده کمک می‌کند تا انتظاراتش را تنظیم کند؛ او قرار نیست با پرونده‌ای جامع از همه وجوه یک شخصیت مواجه شود، بلکه با قطعه‌هایی از زندگی درون خانه روبه‌روست؛ قطعه‌هایی کوتاه، اما گاه به غایت روشن‌کننده.

مردی در خلوت خانه و کتاب

فهرست فصل‌های کتاب نشان می‌دهد که روایت‌ها صرفا حول یک محور نمی‌چرخند. از فصل‌هایی مانند «باورها و اعتقادات» و «احساسات»، درمی‌یابیم که کتاب عمدا میان دو حوزه حرکت می‌کند: باورهایی که سازنده بنیاد نگاه یک انسان‌اند و عاطفه‌هایی که در جریان زندگی روزمره او جاری‌اند. این نگاه، تصویری چندلایه می‌سازد که در آن اعتقاد و احساس دو پاره جدا از هم نیستند، همان‌گونه که در زندگی بسیاری از انسان‌های بزرگ جدایی‌شان غیرممکن است. در این میان، روایت‌های مربوط به مطالعه جایگاه ویژه‌ای دارند. چندین بار تصویری از کسی نشان داده می‌شود که رابطه‌ای عمیق با کتاب دارد؛ نه فقط در قالب علاقه عمومی به دانش، بلکه در شکل تمرین روزمره: مطالعه کردن، یادداشت برداشتن و ابراز تحول پس از خواندن یک اثر. برای مخاطبی که نویسنده را تنها در قالب یک چهره عمومی و سیاسی شناخته، این وجه، بعد دیگری از شخصیت را روشن می‌کند: انسانی که در حوزه تصمیم و تعهد فعال بوده، اما جهان درونی‌اش همواره با مطالعه و تفکر در حال بازسازی بوده است. همزمان، تصویر پدربزرگی مهربان که در میان صفحات تکرار می‌شود، فضای لطیف‌تری می‌سازد. کسی که نقش اجتماعی شناخته‌شده‌ای داشته، در خانه نقش‌های دیگری هم ایفا می‌کند؛ همراه بودن، هم‌حرف شدن و انس با نسل بعدی خانواده. این تصویر، هم‌پوشانی نگاه رسمی و غیررسمی را نشان می‌دهد؛ اینکه یک چهره عمومی صرفا ترکیبی از نقش‌های بیرونی نیست، بلکه یک انسان کامل با نیازها و دلبستگی‌های انسانی است.

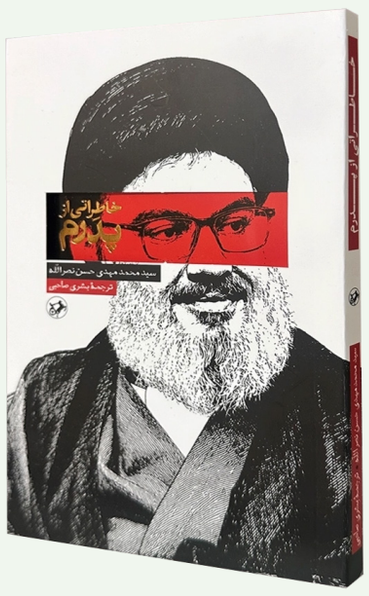
اشکی که سفره مقدمه را چید

نویسنده در مقدمه کتاب صادقانه از دشواری کارش می‌گوید. نوشتن درباره پدری که همزمان چهره‌ای جهانی بوده، در عین نزدیکی عاطفی برای او سنگین و جانکاه بوده است. او اشاره می‌کند که هر بار به خاطره‌ای رسیده، اشک و احساس همراهی داشته است. این جمله پیش از ورود به متن اصلی، قرارداد صمیمیت کتاب را با خواننده امضا می‌کند: قرار نیست اینجا گزارش رسمی بنویسیم؛ قرار است از دل خاطره بگوییم.

این صداقت به کتاب آرامش عجیبی می‌دهد. مؤلف به جای آنکه با لحن متعادل و بی‌طرفانه مرسوم بنویسد، تاثیر عاطفی خود را پنهان نمی‌کند. همین پذیرش، فاصله میان نویسنده و خواننده را از میان می‌برد. نکته دیگر، انتخاب زبان است. مؤلف می‌کوشد بسیار ساده بنویسد؛ بی آنکه به سمت ادبیات سنگین یا خطابه برود. این سادگی با ماهیت خاطره سازگار است؛ چرا که خاطره به شرح مبسوط نیاز ندارد و با یک تصویر کوتاه هم انتقال‌پذیر است. در نهایت، این مقدمه معنای دیگری نیز دارد: بار سنگین مسئولیتی که فرزند یک چهره شاخص بر دوش خود می‌گذارد. او می‌داند که هر روایت، بخشی از تصویر عمومی پدرش را شکل می‌دهد؛ به همین دلیل میان وفاداری به جایگاه پدر و صداقت با خواننده، تعادل ظریفی برقرار می‌کند. کتاب می‌خواهد تصویری از انسانی بسازد که در کنار سیاست، کتاب می‌خواند، به تربیت فرزند می‌اندیشد و با خانواده زندگی می‌کند.

چرا این کتاب موجز، اثری بزرگ است؟

«خاطراتی از پدرم» شاید از نظر حجم کتابی کوچک باشد؛ اما در ادبیات مربوط به شخصیت‌های مقاومت، جایگاه منحصربه‌فردی پیدا می‌کند. مهم‌ترین دلیل، منبع روایت است: فرزند او. تا پیش از این اثر، روایت‌های موجود عمدتا بیرونی بودند؛ از زبان خبرنگاران، تحلیلگران یا مورخان. حالا برای اولین بار صدایی از درون خانه به بیرون می‌رسد.



این تغییر منبع، کیفیت روایت را نیز دگرگون می‌کند. زمانی که راوی خود بخشی از صحنه است، جزئیات دقیق‌تر و احساس‌ها واقعی‌تر می‌شوند. وقتی پسر درباره صبح و صبحانه پدرش می‌نویسد، درباره آنچه گم شده و جایگزین شده صحبت می‌کند یا درباره اشک‌های پدر و حال‌وهوای خانه، آنچه نقل می‌شود تجربه مستقیم است، نه بازسازی از روایت دیگران.

اهمیت دیگر کتاب در سطح اجتماعی است. شخصیت‌های بزرگ معمولا در تصویر عمومی به نماد بدل می‌شوند و لایه‌های انسانی‌شان در پس این نماد پنهان می‌ماند. کتاب‌هایی از این دست، آن لایه‌ها را بازمی‌گردانند و به خواننده یادآوری می‌کنند که پشت قاب‌های سخت رسانه‌ای، انسان‌هایی با خانواده و احساس ایستاده‌اند. برای نسل جوان‌تر، این کتاب پلی است به سوی درکی کامل‌تر. در نهایت، این اثر کوتاه همان کاری را می‌کند که خاطره با تاریخ می‌کند: به جزئیات جان می‌بخشد. می‌گوید تاریخ فقط از رخدادهای بزرگ ساخته نمی‌شود؛ از انگشتری که فرزندی گم کرده و پدری با آرامش، جایگزینی برایش پیدا کرده نیز ساخته می‌شود و شاید به همین دلیل است که این کتاب موجز از بسیاری از روایت‌های بلند و رسمی ماندگارتر خواهد بود.



محمد بقایی‌ماکان، نویسنده و پژوهشگر حوزه ادبیات و فلسفه:

حافظ به اندازه فردوسی در پیوند اقوام ایرانی نقش دارد

سه‌شنبه/ ۱۲ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۸۰

بررسی مقدمات برگزاری سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در آذر

بدون تاریخ؛ بدون نشانی



زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: سال‌هاست که اردیبهشت برای علاقه‌مندان کتاب با یک قرار آشنا همراه است؛ نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران. رویدادی که هر سال ناشران، نویسندگان و مخاطبان را گرد هم می‌آورد و برای بسیاری از فعالان نشر، مهم‌ترین فرصت عرضه و فروش کتاب در طول سال محسوب می‌شود. امسال اما جنگ این تقویم آشنا را تغییر داد. نمایشگاه حضوری که قرار بود طبق روال سال‌های گذشته در بهار برگزار شود، از برنامه خارج شد و اکنون، پس از چند ماه انتظار و گمانه‌زنی درباره زمان برگزاری، شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه از برپایی آن در آذر خبر داده است. خبری امیدوارکننده برای اهالی کتاب که در کنار خود پرسش‌هایی هم دارد: نمایشگاه در کدام مکان برگزار خواهد شد؟ ناشران چگونه و از چه زمانی می‌توانند ثبت‌نام کنند؟ و آیا فرصت باقی‌مانده برای برگزاری رویدادی با ابعاد نمایشگاه کتاب تهران کافی خواهد بود؟

نمایشگاه کتاب تهران در سه دوره گذشته، یعنی سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴، در اردیبهشت برگزار شده بود. امسال اما شرایط جنگی کشور برگزاری حضوری آن را به تعویق انداخت. البته هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران از ۲۶ اردیبهشت تا چهارم خرداد برگزار شد؛ بنابراین آنچه همچنان در انتظار برگزاری است، بخش حضوری سی‌وهفتمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران است.

نمایشگاه، بیرون از تقویم معمول

بحث درباره زمان برگزاری این رویداد از ماه‌های گذشته مطرح بود. ابراهیم حیدری، مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران و قائم‌مقام نمایشگاه، در تیر از بررسی شرایط برگزاری خبر داده بود. در مرداد نیز گزینه‌هایی از اواخر شهریور تا آبان برای برگزاری مطرح شد. سرانجام شورای سیاست‌گذاری در نشست ۲۹ مهر، آذر را برای برگزاری نمایشگاه انتخاب کرد. در این نشست، ابتدا امکان برگزاری نمایشگاه در آبان و همزمان با هفته کتاب بررسی شد، اما اعضای شورا با توجه به احتمال تداخل برنامه‌ها و کاهش تمرکز اجرایی و رسانه‌ای، تصمیم گرفتند هفته کتاب به حمایت از کتاب فروشی‌ها اختصاص پیدا کند و نمایشگاه در آذر برگزار شود. با این حال، در خبر منتشرشده از این نشست، جزئیاتی مانند تاریخ دقیق، مکان برگزاری و زمان آغاز ثبت‌نام ناشران اعلام نشد؛ جزئیاتی که برای آماده‌سازی نمایشگاه و برنامه‌ریزی فعالان نشر اهمیت دارند.

ثبت‌نام ناشران در سال‌های گذشته چگونه بود؟

نگاهی به روند برگزاری دوره‌های پیشین نشان می‌دهد که آماده‌سازی نمایشگاه معمولا از چند ماه قبل آغاز می‌شد. در سی‌وچهارمین دوره، ثبت‌نام ناشران داخلی از ششم اسفند ۱۴۰۱ شروع شد و نمایشگاه در اردیبهشت ۱۴۰۲ برگزار شد. در دوره سی‌وپنجم نیز ناشران از ۱۲ اسفند ۱۴۰۲ امکان ثبت‌نام پیدا کردند و نمایشگاه از ۱۹ تا ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳ برپا شد.

این روند در سال ۱۴۰۴ نیز ادامه داشت. ثبت‌نام ناشران داخلی از ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ آغاز شد و مهلت آن، با توجه به تعطیلات نوروز، تا ۲۲ فروردین ۱۴۰۴ تمدید شد. نمایشگاه نیز از ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت برگزار شد. به بیان دیگر، در سه دوره گذشته، فاصله آغاز ثبت‌نام تا افتتاح نمایشگاه حدود دو تا دو ماه و نیم بود.

البته ثبت‌نام تنها مرحله آماده‌سازی نیست. ناشران پس از مراجعه به سامانه معرفی‌شده از سوی خانه کتاب و ثبت درخواست، باید منتظر بررسی اطلاعات و تعیین متراژ غرفه‌های خود بمانند. در مرحله بعد، هزینه غرفه پرداخت می‌شود و سپس نوبت به جانمایی، انتقال کتاب‌ها و آماده‌سازی فضای نمایشگاه می‌رسد. برای نمونه، در سال ۱۴۰۴ ستاد اجرایی نمایشگاه پس از بررسی هزار و ۶۲۰ درخواست ثبت‌نام ناشران داخلی در بخش‌های مربوط، هشتم اردیبهشت نتایج تخصیص غرفه را اعلام کرد. ناشران نیز تا دوازدهم اردیبهشت برای پرداخت هزینه فرصت داشتند؛ یعنی تنها پنج روز پیش از افتتاح نمایشگاه. چنانچه یکی از ناشران مطرح به خبرنگار روزنامه «آگاه» گفت: «در سال‌های گذشته هم گاه تا پنج روز قبل از نمایشگاه مشخص نبود که کجا به ما غرفه می‌دهند یا با چه متراژی و خروجی‌اش می‌شد اینکه تا روز اول نمایشگاه مشغول راه‌اندازی غرفه بودیم؛ بنابراین نمی‌شود گفت که اگر تا امروز تکلیف تمام فرآیندهای ثبت‌نام در نمایشگاه کتاب روشن نشده است پس تا یک ماه دیگر هیچ اتفاقی نمی‌افتد.»

این سابقه نشان می‌دهد که حتی در سال‌های عادی نیز بخشی از مراحل اجرایی تا روزهای نزدیک به افتتاح ادامه پیدا می‌کرد. اکنون پرسش این است که در شرایط متفاوت امسال، آیا همان روند پیشین تکرار خواهد شد یا برگزارکنندگان شیوه تازه‌ای برای ثبت‌نام و تخصیص غرفه‌ها در نظر دارند؟

ممکن است بخشی از زیرساخت‌های ثبت‌نام و اطلاعات ناشران از دوره‌های گذشته قابل استفاده باشد، اما روشن شدن این موضوع نیازمند توضیح رسمی برگزارکنندگان است. به‌ویژه اینکه تعیین زمان ثبت‌نام، نخستین قدم برای برنامه‌ریزی ناشرانی است که باید برای تامین کتاب، حمل‌ونقل و حضور کارکنان خود تصمیم بگیرند.

به گزارش خبرنگار «آگاه» پیگیری‌های ما از چند ناشر مطرح از جمله «انتشارات امیرکبیر»، «انتشارات روایت فتح»، «نشر چشمه»، «انتشارات سوره مهر»، «انتشارات جمکران» و... نشان می‌دهد که دست‌کم تا زمان انجام این گفت‌وگوها (۱۰ آبان ۱۴۰۵)، اطلاع‌رسانی رسمی (به جز اخبار منتشرشده در سایت خانه کتاب) درباره آغاز ثبت‌نام و شرایط حضور در نمایشگاه به آنها صورت نگرفته است. موضوعی که البته به معنای مشخص نبودن برنامه اجرایی نمایشگاه نیست، اما نشان می‌دهد ناشران برای تصمیم‌گیری درباره حضور خود همچنان منتظر انتشار جزئیات هستند.

نمایشگاه در کدام مکان برپا می‌شود؟

پرسش دیگر به مکان نمایشگاه مربوط است. مصلای امام خمینی در سال‌های گذشته میزبان این رویداد بوده و برای بسیاری از مخاطبان، نام نمایشگاه کتاب با فضای مصلی گره خورده است. در سال ۱۴۰۳، انتخاب مصلی در دوازدهم اسفند ۱۴۰۲، بیش از دو ماه پیش از افتتاح نمایشگاه، اعلام شد. سال ۱۴۰۴ نیز نمایشگاه در همین مکان برگزار شد. اما امسال هنوز در اطلاعیه جدید شورای سیاست‌گذاری، محل قطعی برگزاری معرفی نشده است. حیدری در مرداد گفته بود که مکان‌های مختلفی برای میزبانی نمایشگاه مطرح شده و رایزنی با دستگاه‌های مسئول در جریان است. تغییر فصل برگزاری نیز به این پرسش اهمیت بیشتری می‌دهد. نمایشگاهی که در هوای بهاری اردیبهشت برگزار می‌شد، این بار قرار است در آذر میزبان بازدیدکنندگان باشد. شرایط آب‌وهوا، احتمال بارندگی و نیاز به فضاهای سرپوشیده و مجهز، موضوعاتی هستند که ممکن است در انتخاب مکان و طراحی غرفه‌ها تاثیرگذار باشند.

در کنار این موارد، دسترسی با حمل‌ونقل عمومی، امکانات رفاهی و ظرفیت میزبانی از جمعیت بازدیدکنندگان نیز باید در نظر گرفته شود. آیا مصلی همچنان گزینه اصلی خواهد بود یا مکان دیگری انتخاب می‌شود؟ و اگر نمایشگاه در همان محل همیشگی برگزار شود، چه تدابیری برای شرایط متفاوت آب‌وهوایی اندیشیده شده است؟

ناشران با چه شرایطی به نمایشگاه می‌آیند؟

در کنار زمان و مکان، مسئله مشارکت ناشران نیز اهمیت دارد. حضور در نمایشگاه برای ناشران تنها به معنای دریافت یک غرفه نیست. آماده کردن موجودی کتاب، انتقال آثار، تامین نیروی انسانی و پرداخت هزینه‌های حضور، همگی به برنامه‌ریزی نیاز دارند. این ناشر در این باره به خبرنگار روزنامه «آگاه» گفت: «هزینه‌های تامین و برپایی یک غرفه نسبت به سال‌های گذشته به شکل چشمگیری تغییر کرده و لازم است که دست‌کم یک ماه پیش از برگزاری نمایشگاه، ناشران بتوانند برای این ایام آماده شوند و برآوردی از هزینه‌ها داشته باشند.»

امسال این برنامه‌ریزی در شرایطی متفاوت انجام می‌شود. تغییر تقویم نمایشگاه و پیامدهای جنگ برای فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی، ضرورت توجه به وضعیت ناشران را بیشتر کرده است. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا شرایط واگذاری غرفه‌ها و هزینه مشارکت مانند دوره‌های گذشته خواهد بود یا تسهیلاتی برای ناشران پیش‌بینی می‌شود؟

از سوی دیگر، نمایشگاه کتاب تهران تنها رویدادی برای ناشران داخلی نیست. بخش بین‌الملل آن نیز به هماهنگی، دعوت و ثبت‌نام ناشران و مهمانان خارجی نیاز دارد. در دوره سی‌وپنجم، ثبت‌نام ناشران خارجی از دوازدهم اسفند آغاز شده بود و تا پایان فروردین ادامه داشت. حال باید دید با جابه‌جایی زمان نمایشگاه، برنامه حضور ناشران خارجی، کشورهای مهمان و فعالیت‌های بین‌المللی چگونه تنظیم می‌شود.

موضوع دیگر، نسبت نمایشگاه حضوری با فروش مجازی است. در سال‌های گذشته، ناشران می‌توانستند مطابق ضوابط در بخش حضوری، مجازی یا هر دو مشارکت کنند. امسال که یک نمایشگاه مجازی مستقل در بهار برگزار شده، هنوز باید روشن شود بخش فروش مجازی در برنامه آذر چه جایگاهی خواهد داشت. در همین میان، تصمیم شورای سیاست‌گذاری برای اختصاص هفته کتاب به حمایت از کتاب فروشی‌ها نیز قابل توجه است. شاید برگزاری نمایشگاه در آذر فرصتی باشد تا دو برنامه از یکدیگر مستقل بمانند؛ با این حال، چگونگی هماهنگی طرح‌های حمایتی، تخفیف‌ها و فروش کتاب میان کتاب فروشی‌ها و نمایشگاه همچنان موضوعی برای پیگیری است.

آذر چه تصویری از نمایشگاه خواهد داشت؟

با اطلاعاتی که تاکنون منتشر شده، هنوز نمی‌توان تصویری قطعی از شکل برگزاری نمایشگاه ارائه کرد. ممکن است با تعیین سریع مکان و انتشار فراخوان، نمایشگاه در ابعادی نزدیک به دوره‌های گذشته برگزار شود. احتمال دیگر این است که محدودیت‌های زمانی یا اجرایی، تغییراتی در وسعت نمایشگاه، تعداد غرفه‌ها یا شیوه برگزاری برخی بخش‌ها ایجاد کند. هیچ‌یک از این احتمال‌ها را نمی‌توان پیش از اعلام برنامه اجرایی، نتیجه قطعی دانست. آنچه اکنون اهمیت دارد، روشن شدن جزئیاتی است که بر تصمیم ناشران و برنامه‌ریزی مخاطبان اثر می‌گذارد.

برگزاری نمایشگاه کتاب در آذر، پس از ماه‌ها وقفه در برپایی بخش حضوری، می‌تواند فرصتی برای تجدید دیدار ناشران و خوانندگان باشد؛ فرصتی که شکل تحقق آن هنوز به پاسخ چند پرسش وابسته است. نمایشگاه کجا برگزار می‌شود، ثبت‌نام چه زمانی آغاز خواهد شد و شرایط مشارکت چگونه خواهد بود؟ شاید مهم‌ترین تفاوت نمایشگاه امسال با دوره‌های گذشته همین باشد. در سال‌های قبل، موعد اردیبهشت تقریبا از پیش معلوم بود و مراحل اجرایی در تقویمی آشنا پیش می‌رفت. این بار اصل برگزاری در آذر اعلام شده، اما هنوز بخش مهمی از مسیر رسیدن به آن روشن نیست. مسیری که با انتشار جزئیات بیشتر از سوی برگزارکنندگان، تصویر روشن‌تری از سی‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به دست خواهد داد.

دوازدهمین جشنواره بازی‌های ویدئویی ایران فراخوان داد

بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای فراخوان دوازدهمین جشنواره بازی‌های ویدئویی ایران را به عنوان بزرگ‌ترین رویداد سالانه صنعت، هنر و رسانه بازی کشور منتشر کرد.

به گزارش «آگاه» بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای فراخوان دوازدهمین جشنواره بازی‌های ویدئویی ایران را به عنوان بزرگ‌ترین رویداد سالانه صنعت، هنر و رسانه بازی کشور منتشر کرد. دوازدهمین دوره جشنواره با رویکردی تازه و با هدف تقویت جایگاه جشنواره به عنوان بستری برای رشد، ارتقای کیفیت و توسعه صنعت بازی ایران طراحی شده است. در این دوره، دبیرخانه جشنواره تلاش کرده است تا با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و تجربه‌های تخصصی اعضای آکادمی جشنواره و استفاده از نظرات جمعی صاحب نظران و فعالان این حوزه، ساختار جشنواره، اهداف، بخش‌های رقابتی و شیوه معرفی آثار را بازنگری و به‌روزرسانی کند.

آکادمی داوران جشنواره در این دوره، به عنوان مجموعه‌ای متشکل از متخصصان، صاحب نظران و فعالان حوزه بازی، نقش موثری در بررسی و شکل دهی به رویکردها و بخش های مختلف جشنواره داشته است. بخش قابل توجهی از تغییرات و بازطراحی‌های این دوره، حاصل گفت‌وگو، تبادل نظر و جمع‌بندی دیدگاه‌های اعضای آکادمی بوده است؛ رویکردی که با هدف افزایش اعتبار تخصصی جشنواره، تقویت مشارکت جامعه حرفه‌ای بازی‌سازی و نزدیک‌تر شدن جشنواره به نیازهای واقعی صنعت بازی کشور دنبال شده است.

دبیرخانه دوازدهمین جشنواره ضمن قدردانی از همراهی پرنشاط و ثمربخش بازی‌سازان در یازدهمین دوره که زمینه معرفی آثار و استعدادهای برتر و همچنین تقویت جریان سرمایه‌گذاری و توسعه خدمات و فعالیت‌های مرتبط با تولید و محتوای سرگرمی‌های نوین دیجیتال را فراهم کرد، از تمامی بازی‌سازان، ناشران و فعالان زیست‌بوم بازی کشور دعوت می‌کند تا در دوازدهمین دوره این رویداد ملی مشارکت نمایند.

در این دوره، جشنواره صرفا به معرفی و انتخاب برترین آثار محدود نخواهد بود؛ بلکه تلاش می‌کند به بستری برای ارتقای مستمر کیفیت تولیدات، توسعه ظرفیت‌های صنعت و ایجاد فرصت‌های تازه برای بازی‌سازان ایرانی تبدیل شود.

اهداف و رویکردهای اصلی جشنواره: دوازدهمین جشنواره بازی‌های ویدئویی ایران با اهداف و رویکردهای زیر برگزار می‌شود:

«ارتقای کیفیت تولیدات ایرانی و حرکت بازی‌سازان به سمت استانداردهای بالاتر» و «ایجاد انگیزه و فرصت برای تولید، توسعه، سرمایه‌گذاری و عرضه بازی‌های ایرانی و کمک به شکل‌گیری آینده‌ای پویا و رقابت‌پذیر برای صنعت بازی کشور» به عنوان دو محور اصلی و جهت‌دهنده دوازدهمین جشنواره مورد توجه ویژه قرار دارند.

دبیرخانه جشنواره در تمامی مراحل برگزاری این دوره، از فرآیند انتخاب و داوری آثار تا معرفی برگزیدگان و برنامه‌های جانبی، تحقق این دو هدف را به صورت جدی پیگیری خواهد کرد تا جشنواره بتواند علاوه بر شناسایی آثار برتر، در مسیر رشد کیفی تولیدات و توسعه پایدار صنعت بازی ایران نیز نقش موثرتری ایفا کند.

بخش‌های مختلف دوازدهمین جشنواره بازی‌های ویدئویی ایران: با توجه به بازنگری انجام شده در ساختار جشنواره و بر اساس دیدگاه‌ها و پیشنهادهای اعضای آکادمی جشنواره، بخش‌های رقابتی این دوره با هدف توجه همزمان به کیفیت کلی بازی، دستاوردهای تخصصی، تنوع سبک‌ها، موضوعات ویژه و نگاه مخاطبان طراحی شده است. دوازدهمین جشنواره بازی‌های ویدئویی ایران در سه بخش اصلی داوری و برگزار می‌شود:

۱. بخش بهترین دستاورد: در این بخش، آثار بر اساس کیفیت کلی و دستاوردهای برجسته خود در حوزه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرند؛ بهترین دستاورد فنی، بهترین دستاورد طراحی بازی، بهترین دستاورد هنری از منظر فنی و زیبایی‌شناسی، بهترین دستاورد موسیقی و افکت صوتی، بهترین دستاورد داستان و روایت بازی.

ساختار این بخش با هدف توجه تخصصی‌تر به مؤلفه‌های مختلف تولید بازی و فراهم کردن امکان تقدیر از دستاوردهای شاخص بازی‌سازان در حوزه‌های گوناگون طراحی شده است.

۲. بخش بهترین بازی در سبک‌های مختلف: با توجه به تنوع روزافزون بازی‌های ایرانی و ضرورت توجه به تفاوت در سبک‌ها، آثار در سبک‌های زیر مورد بررسی و رقابت قرار خواهند گرفت:

۱. اکشن ..... Action
۲. ماجرایی ..... Adventure
۳. نقش‌آفرینی ..... (Role-Playing Game RPG)
۴. استراتژی ..... Strategy
۵. اکشن-ماجراجویی ..... Action-Adventure
۶. سکوبازی ..... Platformer
۷. ورزشی ..... Sports
۸. تفننی ..... Casual
۹. مسابقه‌ای ..... Racing
۱۰. پازل ..... Puzzle
۱۱. دفاع از قلعه ..... Tower Defense
۱۲. تیراندازی ..... Shooter
۱۳. کلمه‌ای و اطلاعات عمومی ..... Trivia & Word Game

ساختار و فهرست سبک‌های این بخش با توجه به نظرات مطرح‌شده در فرآیند بررسی و بازطراحی جشنواره، با هدف ایجاد فرصت عادلانه‌تر برای دیده شدن آثار متنوع بازی‌سازان ایرانی تنظیم شده است.

۳. بخش ویژه جشنواره: بخش ویژه با هدف توجه به موضوعات دارای اهمیت فرهنگی، اجتماعی و مخاطبی و همچنین شناسایی آثاری که در حوزه‌های مشخص دارای ظرفیت و ویژگی‌های برجسته هستند، برگزار می‌شود. در این بخش، آثار در موضوعات زیر مورد تقدیر قرار خواهند گرفت: بهترین بازی مناسب خانواده، بهترین بازی با محوریت هویت و وفاق ملی، بهترین بازی از نگاه رسانه، بهترین بازی مخصوص کودک و نوجوان و بهترین بازی سال. با توجه به نظرات و پیشنهادهای اعضای آکادمی جشنواره و با هدف ارزیابی منصفانه آثار متناسب با ویژگی‌ها و اقتضائات هر پلتفرم، در این دوره عنوان «بهترین بازی سال» به صورت مجزا در دو بخش «بهترین بازی سال در پلتفرم موبایل» و «بهترین بازی سال در پلتفرم رایانه‌ای» انتخاب و معرفی خواهد شد.

آرای مردمی: در دوازدهمین جشنواره، مخاطبان و علاقه‌مندان بازی‌های ویدئویی نیز فرصت خواهند داشت در انتخاب برخی عناوین و آثار مورد علاقه خود مشارکت کنند.

در بخش آرای مردمی، عناوین زیر پیش‌بینی شده است: بهترین بازی از نگاه مردم، بهترین به‌روزرسانی و بازی مورد انتظار. بدین ترتیب، در کنار ارزیابی تخصصی آثار توسط هیات‌های انتخاب و داوری، نگاه و انتخاب مخاطبان نیز در بخش‌های مشخصی از جشنواره مورد توجه قرار خواهد گرفت.

مهلت ارسال آثار: ۱۰ آبان تا ۲۵ آذر ۱۴۰۵

بازی‌سازان و صاحبان آثار می‌توانند در بازه زمانی اعلام‌شده نسبت به ثبت‌نام و ارسال آثار خود اقدام نمایند.

زمان برگزاری مراسم اختتامیه و معرفی برگزیدگان: ۲۳ اسفند ۱۴۰۵

مراسم اختتامیه دوازدهمین جشنواره بازی‌های ویدئویی ایران با حضور بازی‌سازان، فعالان صنعت بازی، اصحاب رسانه، مدیران، صاحب‌نظران و اعضای زیست‌بوم بازی کشور برگزار و برگزیدگان این دوره معرفی و تقدیر خواهند شد.

ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر: علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه شیوه‌نامه جشنواره، آشنایی با شرایط شرکت، فرآیند ارسال و انتخاب آثار و ثبت‌نام در دوازدهمین جشنواره بازی‌های ویدئویی ایران، به پایگاه اینترنتی دبیرخانه جشنواره مراجعه کنند: IRANGAMEFESTIVAL.IR همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۸۸۳۱۰۲۲۲-۰۲۱، داخلی ۴۴۵ تماس حاصل نمایند.

درباره سفارش‌های تک‌نسخه‌ای کتاب در کره جنوبی

هوش مصنوعی به سراغ ادبیات شرق آسیا رفت

وقتی شرکت‌های ناشناس خارجی از صدها هزار عنوان کتاب، دقیقا «یک نسخه» سفارش می‌دهند، زنگ خطر برای ناشران به صدا درمی‌آید و ناشران جهان تازه فهمیده‌اند که ماشین‌های هوش مصنوعی برای یادگیری، چطور به جان حاصل عمر نویسندگان افتاده‌اند و غول‌های فناوری چگونه در سکوت، قفسه کتابخانه‌ها را می‌بلعند.

«اینا» نوشت: تصور کنید ناگهان شرکت هایی ناشناس از آن سوی دنیا وارد کتاب فروشی شما شوند و از ۱۰۰ هزار عنوان کتاب مختلف، دقیقا «یک نسخه» بخواهند؛ خریدی عجیب، بی‌سابقه و مشکوک که این روزها صنعت نشر کره جنوبی را به لرزه درآورده است. این غول‌های فناوری برای سیر کردن اشتهای ماشین‌های هوش مصنوعی به منابع زبانی تازه نیاز دارند و به نظر می‌رسد این بار نوبت به ادبیات شرق آسیا رسیده است؛ شکاری خاموش که نویسندگان و ناشران را برای حفظ حاصل عمرشان به تکاپو انداخته است.

ماجرا از آنجا لو رفت که مرکز کتاب کیوبو (Kyobo Book Centre)، از معتبرترین فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب در کره جنوبی، اعلام کرد از ابتدای سال جاری میلادی ۱۰ شرکت خارجی از آمریکا و بریتانیا به آنها مراجعه کرده‌اند. این خریداران در ظاهر خود را «عمده فروش کتاب» معرفی می‌کردند، اما وقتی دقیق‌تر بررسی شدند، مقصد نهایی محموله‌ها شرکت‌های تحلیل داده از آب درآمد. وقتی مدیران کتاب فروشی دیدند هیچ توجیه منطقی برای خرید تک‌نسخه‌ای از صد هزار عنوان مختلف وجود ندارد و پای تغذیه مدل‌های زبانی هوش مصنوعی در میان است، دست رد به سینه آنها زدند. تجربه مشابهی هم در فروشگاه اینترنتی یس ۲۴ (Yes۲۴) رقم خورد؛ جایی که یک توزیع‌کننده آمریکایی برای خرید انبار کتاب‌های دست دوم مذاکره کرد، اما با شروع سوال و جواب‌های دقیق، ناگهان غیبش زد و گفت‌وگوها را نیمه‌کاره رها کرد.

این نگرانی‌ها توهم توطئه نیست؛ پیش از این مشخص شد که در پرونده دعوای حقوقی جمعی نویسندگان علیه شرکت هوش مصنوعی انتروپیک (Anthropic) در آمریکا، نام ۲۱ کتاب از نویسندگان کره‌ای در فهرست قربانیان نقض حق نشر دیده می‌شود. موسسه ترجمه ادبیات کره جنوبی بلافاصله این موضوع را به نویسندگان اطلاع داد تا بتوانند پیگیر حقوق و غرامت خود شوند. حتی در همسایگی آنها، یعنی ژاپن نیز خریدهای مشکوک و فله‌ای کتاب‌های دست دوم در حوزه‌های تاریخ، فلسفه و پزشکی زنگ خطر را به صدا درآورده است؛ نشانه‌ای روشن از اینکه شرکت‌های هوش مصنوعی بعد از متون انگلیسی، به سراغ اسکن انبوه و بلعیدن کتاب‌های چاپی زبان‌های دیگر رفته‌اند.

حالا جامعه فرهنگی کره دست روی دست نگذاشته است. انجمن ناشران کره بررسی گسترده‌ای را در میان کتاب فروشی‌ها، کتاب فروشان دست دوم و مراکز پخش آغاز کرده تا بعد از ثبت دقیق آمار، یک نهاد مشترک صنفی برای دفاع حقوقی و تدوین قوانین حمایتی تشکیل دهند. بیانیه‌ای هم منتشر شده که تاکنون بیش از ۲۴۰ انتشارات و بیش از ۷۰۰ نویسنده، مترجم و تصویرگر پای آن را امضا کرده‌اند.



چو هان-نا، مدیر نشر پرون سوپ، واقعیت تلخی را بیان می‌کند: یک نویسنده یا ناشر کوچک چطور می‌تواند به تنهایی در برابر غول‌های چند میلیارد دلاری فناوری جهان بایستد؟ درد بزرگ‌تر این است که شرکت‌های هوش مصنوعی هیچ شفافیتی ندارند و معلوم نیست این حجم عظیم کتاب را از کجا، چگونه و با چه ابزاری وارد سیستم‌های خود می‌کنند. پارک جونگ-این، استاد دانشگاه و متخصص حق نشر، این بحران را در یک جمله خلاصه می‌کند: «قانون حق مؤلف روی کاغذ وجود دارد، اما سازوکار عملی برای به اجرا درآوردن آن تعبیه نشده است.» تا زمانی که قوانین شرکت‌های هوش مصنوعی را به شفاف‌سازی منابع داده‌های آموزشی مجبور نکنند، دفاع از سرمایه‌های معنوی و کتاب‌ها کاری دشوار و نابرابر خواهد بود.

منبع: South Korean morning post



هوشنگ صیدالی، مدیر هماهنگی گازرسانی شرکت ملی گاز ایران:

صاحبان قبض‌های میلیاردی با قطع گاز مواجه می‌شوند

چرا در شهرهای ایران گردشگران چینی را کمتر می‌بینیم؟

ضعف در جذب گردشگران چینی

از میلیون‌ها سفر خروجی چینی‌ها، سهم ایران همچنان ناچیز است. البته مسئله فقط معرفی جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی نیست، بلکه گردشگران چینی برای انتخاب ایران به اطلاعات معتبر، امکان برنامه ریزی سفر، خدمات متناسب و دسترسی آسان به محصولات قابل رزرو نیاز دارند.



به گزارش «آگاه» ایران با وجود آثار تاریخی، معماری منحصربه‌فرد، صنایع دستی، خوراک متنوع و طبیعت چهارفصل، هنوز نتوانسته است سهم قابل توجهی از بازار گردشگری چین به دست آورد. در شرایطی که میلیون‌ها سفر خارجی از مبدأ چین انجام می‌شود و کشورهای مختلف برای جذب گردشگران این بازار رقابت می‌کنند، شمار گردشگران چینی ورودی به ایران همچنان محدود است. اما چرا علاقه به بازدید از یک مقصد لزوما به سفر واقعی منجر نمی‌شود؟ آیا معرفی جاذبه‌ها و حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی برای جذب گردشگر کافی است؟

چین یکی از بازارهای بزرگ گردشگری خروجی جهان است. بر اساس گزارش آکادمی گردشگری چین شمار سفرهای خروجی شهروندان چینی در سال ۲۰۲۴ به حدود ۱۴۶ میلیون سفر رسیده است رقمی که اهمیت این بازار را برای کشورهای مقصد نشان می‌دهد. در مقابل، آمارها از ایران نشان می‌دهد از اول فروردین تا ۳۰ دی ۱۴۰۲، اندکی بیش از ۵۴ هزار گردشگر چینی وارد کشورمان شده‌اند. با مقایسه تقریبی این رقم با شمار سفرهای خروجی چین در سال ۲۰۲۴، سهم ایران حدود ۰.۰۴ درصد است. همچنین سیدرضا صالحی امیری، وزیر میراث فرهنگی و گردشگری آذر ۱۴۰۳ در جریان حضورش در اتاق بازرگانی ایران گفته بود که چین سالانه ۱۶۰ میلیون گردشگر به کشورهای دیگر می فرستد که سهم ایران از آن ۱۶۰ هزار نفر (یک هزارم) است. در سه ماهه اول سال ۱۴۰۵ نیز چین نهمین کشور گردشگرفرست به ایران بوده است.

این آمار واضح می گوید ظرفیت بازار چین با میزان جذب گردشگر در ایران فاصله زیادی دارد اما برای شناخت دلایل این فاصله، باید فراتر از تعداد گردشگران رفت و دید مسافران چینی چگونه مقصد خود را انتخاب می‌کنند، از چه منابعی اطلاعات می‌گیرند و چه عواملی ممکن است آنها را از سفر منصرف کند. در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۴۸ هزار گردشگر چینی به ترکیه سفر کردند و حدود ۴۲ هزار و ۵۰۰ گردشگر چینی نیز با هدف گردشگری وارد ازبکستان شدند. هرچند تفاوت در دوره‌های آماری و تعریف داده‌ها، مقایسه مستقیم این ارقام را محدود می‌کند، اما این آمار نشان می‌دهد ایران برای جذب گردشگران چینی در منطقه با مقصدهای دیگری در رقابت است.

چرا جمع زیادی از گردشگران چینی به ایران نمی‌آیند؟

رفتار گردشگران چینی در سفرهای خارجی توسط مهدی صادقیها، کارشناس گردشگری مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. او به این نتیجه رسیده که جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی به‌تنهایی برای تبدیل علاقه گردشگر به سفر واقعی کافی نیستند. امنیت ادراک شده، دسترسی به اطلاعات معتبر، شرایط روادید، پرواز، هزینه سفر و امکان یافتن و رزرو محصول گردشگری نیز در تصمیم نهایی نقش دارند. به بیان دیگر، ممکن است یک گردشگر چینی به دیدن آثار تاریخی ایران علاقه‌مند باشد، اما اگر نتواند اطلاعات روشن و قابل اعتمادی درباره شرایط سفر به دست آورد، از وضعیت پروازها مطمئن شود یا بسته‌ای متناسب با بودجه و مدت اقامت خود پیدا کند، این علاقه لزوما به خرید سفر منجر نمی‌شود. از نگاه او؛ باید میان سه مرحله تفاوت قائل شد: آشنایی با مقصد، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی سفر و در نهایت تجربه حضور در مقصد. ایران برای افزایش سهم خود از بازار چین باید در هر سه مرحله موانع موجود را کاهش دهد.

اطلاعات مبهم از منطقه و نگرانی درباره وضعیت منطقه می‌تواند بر تصمیم سفر چینی‌ها به ایران نیز تاثیر بگذارد. در چنین شرایطی، معرفی جاذبه‌های گردشگری به‌تنهایی برای رفع تردیدها کافی نیست و گردشگر به اطلاعات رسمی، معتبر و به‌روز درباره شرایط سفر نیاز دارد.

بنابراین باید اطلاعات مورد نیاز گردشگران چینی در قالب مجموعه‌ای رسمی و به زبان چینی در دسترس قرار گیرد. این مجموعه می‌تواند شامل اطلاعات امنیت سفر، روادید، پروازها، بیمه، حمل‌ونقل، قوانین عمومی، شهرها و مسیرهای گردشگری و شماره‌های پشتیبانی باشد. همچنین لازم است اطلاعات مربوط به سفر به ایران به‌گونه‌ای منتشر شود که گردشگر بتواند پیش از خرید تور، شرایط سفر و هزینه های احتمالی خود را بررسی کند. این پیشنهاد به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که برنامه‌ریزی سفر خارجی برای بسیاری از گردشگران با جست‌وجوی اینترنتی، مقایسه مقصدها و بررسی محصولات قابل رزرو همراه است. هرچه اطلاعات ناقص‌تر یا پراکنده‌تر باشد، تصمیم‌گیری دشوارتر خواهد شد.

دسترسی پروازی نیز یکی دیگر از عوامل اثرگذار است. اگر گردشگر یا توراپراتور نتواند درباره مسیر دسترسی و برنامه پروازها اطمینان کافی داشته باشد، برنامه ریزی و فروش تور با دشواری بیشتری همراه می شود. بنابراین، اطلاع رسانی درباره پروازها و هماهنگی میان دستگاه های مسئول و فعالان گردشگری باید بخشی از برنامه جذب گردشگران چینی باشد.

صادقیها بر این باور است که ایران در بازار چین فاقد تور گردشگری نیست. بررسی نمونه‌ای تورها و بسته های سفر قابل رزرو ایران در این بازار نشان می دهد که محصولاتی برای سفر به ایران وجود دارد، اما میان بخشی از عرضه موجود و ترجیحات گردشگران چینی شکاف‌هایی دیده می‌شود. این شکاف‌ها به مدت سفر، تنوع تجربه‌ها، خدمات مقصد و شیوه‌های اطلاع‌رسانی و رزرو مربوط است.

بنابراین، مسئله فقط تولید تورهای جدید نیست بلکه باید محصولات موجود بررسی و متناسب با نیازهای بازار اصلاح شوند. برای مثال، بسته‌ای که تنها بر بازدید از چند بنای تاریخی متمرکز است، ممکن است نتواند همه انتظارات گردشگری را که به تجربه های فرهنگی، خوراک محلی، طبیعت گردی یا زندگی روزمره مردم علاقه دارد، برآورده کند. میراث تاریخی، خوراک ایرانی، طبیعت، زندگی محلی و خرید صنایع دستی می توانند در قالب برنامه های متنوع سفر ارائه شوند به شرط آنکه این تجربه ها در برنامه سفر تعریف شده باشند و گردشگر بتواند آنها را پیش از سفر بشناسد و رزرو کند. از سوی دیگر، تنوع محصولات از نظر مدت، قیمت و نوع خدمات نیز اهمیت دارد.

فرصتی برای طراحی تورهای تازه

صادقیها در پژوهش خود می‌نویسد: سفر با همسر، دوستان، فرزندان یا والدین در میان گردشگران چینی سهم قابل توجهی دارد. بر همین اساس، محصولات گردشگری ایران نباید صرفا بر گردشگر انفرادی متمرکز باشند.

در طراحی تورهای خانوادگی، ترکیب اقامت، حمل‌ونقل، برنامه روزانه، زمان آزاد، تجربه‌های فرهنگی و غذایی، عکاسی و خرید باید متناسب با نیاز اعضای خانواده باشد. سفر همراه با والدین نیز ممکن است به برنامه‌ای با زمان‌بندی متفاوت و خدمات متناسب با شرایط همراهان نیاز داشته باشد. چنین رویکردی می‌تواند به متنوع شدن محصولات گردشگری ایران کمک کند. به‌جای آنکه همه مسافران با یک برنامه ثابت از شهرها و جاذبه‌ها بازدید کنند، می‌توان بسته‌هایی طراحی کرد که از نظر مدت، تجربه و شیوه سفر با نیاز گروه‌های مختلف سازگار باشند. بنابراین باید وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با همکاری تورگردانان ورودی، طراحی و عرضه آزمایشی این محصولات را تسهیل کند و پیش از دوره‌های اصلی سفر در چین، آنها را در اختیار آژانس‌ها و سکوهای فروش چینی قرار دهد.

گردشگری ایران در فضای مجازی چین

امروزه بخش مهمی از فرآیند انتخاب مقصد، پیش از خرید تور و حتی پیش از مراجعه به آژانس مسافرتی، در فضای مجازی اتفاق می‌افتد. سکوهایی مانند ویچت، دوئین، شیائوهونگشو، سیترپ و مافنگو به‌عنوان بسترهایی مطرح شده‌اند که حضور مستمر و متناسب با کارکرد هریک از آنها می‌تواند در معرفی ایران به بازار چین اهمیت داشته باشد. با این حال، حضور در این سکوها به‌تنهایی کافی نیست. محتوای منتشرشده باید به پرسش‌های واقعی گردشگر پاسخ دهد و به محصولی قابل رزرو متصل باشد. برای مثال، معرفی یک شهر تاریخی می‌تواند با اطلاعات مربوط به مدت بازدید، هزینه سفر، مسیر دسترسی، تجربه‌های غذایی، خرید صنایع دستی و دیگر فعالیت‌های قابل انجام همراه شود.

روایت تجربه گردشگران نیز می‌تواند به آشنایی مخاطبان با مقصد کمک کند به شرط آنکه اطلاعات ارائه‌شده دقیق و قابل اتکا باشد. پس باید ارتباط فعالان گردشگری ایران با آژانس‌ها، کارگزاران و سکوهای رزرو چینی تقویت شود تا معرفی ایران در فضای مجازی به عرضه و فروش واقعی محصولات گردشگری منتهی شود.

حلقه فراموش‌شده سفر

تصمیم گردشگر برای سفر تنها به مرحله پیش از ورود محدود نمی شود. کیفیت تجربه در مقصد نیز بر رضایت او و احتمال توصیه مقصد به دیگران تاثیر می‌گذارد.

دسترسی به اطلاعات قابل فهم، راهنمایان چینی‌زبان، شیوه‌های پرداخت قابل استفاده، امکان رزرو روشن و خدمات پشتیبانی از عواملی هستند که باید در تجربه گردشگران چینی مورد توجه قرار گیرند.

اگر گردشگر در مقصد نتواند اطلاعات مورد نیاز خود را به زبان قابل فهم دریافت کند یا برای پرداخت هزینه‌ها و استفاده از خدمات با مشکل روبه‌رو شود، بخشی از تجربه سفر با دشواری همراه خواهد شد حتی اگر جاذبه‌های مقصد برای او جذاب باشند. این معیارها می‌توانند خدمات چینی‌زبان، تابلوها و اطلاعات قابل فهم، راهنماهای دیجیتال، شیوه‌های پرداخت قابل استفاده و پشتیبانی اضطراری را دربر بگیرند. پیشنهاد شده است اجرای این برنامه ابتدا در چند شهر و مسیر اصلی متمرکز شود و پس از ارزیابی نتایج، گسترش یابد.

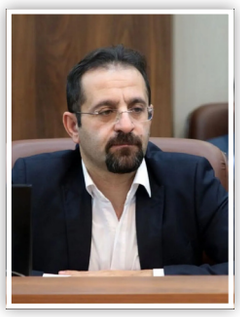
یک پیشنهاد
تقویم سفر چین را جدی بگیریم

تعطیلات تابستانی، روز ملی چین، اول ماه مه و سال نوی چینی از دوره‌های مهم سفر در این بازار هستند.

از این رو، تبلیغات و عرضه محصولات گردشگری نباید بدون توجه به تقویم سفر گردشگران چینی انجام شود.

آژانس ها و تورگردانان باید پیش از آغاز دوره های اصلی سفر، بسته های خود را معرفی کنند و اطلاعات مربوط به قیمت، برنامه سفر، خدمات و نحوه رزرو را در اختیار بازار هدف قرار دهند. وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با همکاری دستگاه های مرتبط و بخش خصوصی، تقویم عملیاتی سالانه بازار چین را می‌تواند تدوین کند تا زمان تبلیغات، عرضه بسته ها، هماهنگی پروازها، آماده‌سازی راهنمایان و انتشار محتوای چینی‌زبان با دوره‌های اصلی سفر هماهنگ شود.

از نمایشگاه تا سفر واقعی



مسلم شجاعی، مدیرکل دفتر بازاریابی و گردشگری خارجی معاونت گردشگری: چین یکی از بزرگ‌ترین بازارهای گردشگرفرست جهان است و ایران باید حتی در شرایط کنونی در حافظه این مهم ترین بازار گردشگری جهان باقی بماند. پرواز مستقیم میان ایران و چین همچنان برقرار است و کاهش حضور گردشگران چینی در ایران ضرورت حفظ ارتباط فعالان گردشگری ایران با بازار آن کشور را از بین نمی‌برد.

با وجود محدودیت‌های موجود و اثر هشدارهای سفر بر ورود گردشگران چینی، معاونت گردشگری تصمیم گرفت در نمایشگاه بین‌المللی گردشگری چین شرکت کند. قطع ارتباط با بازار چین می‌تواند تلاش‌های پیشین برای معرفی ایران و ایجاد ارتباط با فعالان گردشگری این کشور را تضعیف کند. دولت در نمایشگاه گردشگری پکن هزینه تامین فضای نمایشگاهی و ساخت پاویون ایران را برعهده گرفت و شرکت‌های خصوصی حاضر، هزینه بلیت هواپیما، اقامت و غذا را پرداخت کردند. اجرای برنامه‌های مربوط به حضور ایران در نمایشگاه بین‌المللی گردشگری چین نیز برعهده کانون جهانگردی و اتومبیلرانی بود.

دولت هزینه ساخت پاویون ایران و فضای نمایشگاهی را تامین کرد و برای کاهش هزینه حضور شرکت‌های خصوصی، با یک شرکت هواپیمایی مذاکره شد که در نتیجه آن، تخفیف ۵۰ درصدی بلیت هواپیما در اختیار فعالان بخش خصوصی قرار گرفت. هزینه بلیت، اقامت و غذا برعهده شرکت‌های خصوصی حاضر در نمایشگاه بود.

کالابرگ در دوراهی حذف و حمایت

۴۴ میلیون نفر در فهرست افزایش اعتبار



افزایش ۵۰۰ هزار تومانی کالابرگ بار مالی این طرح را ۲۲ همت بالا می برد و این در حالی است که دولت با چالش هایی مثل کمبود منابع، محدودیت های صادراتی و ضرورت حمایت از اقشار کم درآمد مواجه شده است؛ مجلس هم با حذف برخی دریافت‌کنندگان کالابرگ مخالفت کرد.

در پی آغاز اختصاص کالابرگ یک میلیون تومانی از دی سال گذشته، در قانون بودجه سال ۱۴۰۵ دولت ۹۹۶ هزار میلیارد تومان (۹۹۶ همت) برای اجرای طرح کالابرگ اختصاص داد. مجموع منابع در اختیار این طرح از دی سال قبل تا پایان تیرماسال به ۶۰۸ همت رسیده که حدود ۶۰۲ همت تا آن تاریخ مصرف شد. با فرض کالابرگ یک میلیون تومانی به ازای هر نفر پیش بینی شده بود که مجموعا در هر ماه بین ۸۵ تا ۸۸ همت به این طرح اختصاص پیدا کند.

در مرحله نخست کالابرگ از دی تا پنجم بهمن سال گذشته ۷۳.۷ همت از منابع کالابرگ مصرف شد. حالا با افزایش رقم کالابرگ به ۱.۵ میلیون تومان برای ۴۴ میلیون نفر از هموطنان طبیعتا عدد کلی نیز افزایش می‌یابد. البته پس از آغاز فرآیند خوداظهاری و ارسال پیامک برای متقاضیان از ماه گذشته تا هشت آبان ۱۴۰۵ اعتبار کالابرگ ۳۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر افزایش یافته؛ در حالی که دولت برای ۴۴ میلیون نفر پیامک خوداظهاری ارسال کرد.

چالش‌های منطقه‌ای، محاصره و محدودیت‌های اعمال شده در بخش صادرات، تامین منابع کالابرگ را دشوار کرده است. در شرایطی که برخی افراد از ضرورت هدفمند کردن منابع و هدایت حمایت‌ها به سمت خانوارهای نیازمند سخن می گویند، کمیسیون اجتماعی مجلس با حذف برخی دریافت‌کنندگان کالابرگ مخالفت کرده است.

موضوع حذف بخشی از دریافت‌کنندگان کالابرگ در هفته‌های اخیر به یکی از مباحث مهم سیاست‌های معیشتی دولت تبدیل شده است. از یک طرف، افزایش هزینه‌های عمومی و محدودیت منابع مالی، ضرورت بازنگری در نحوه توزیع حمایت‌های دولتی را مطرح کرده و از طرف دیگر، شرایط تورمی اقتصاد و کاهش قدرت خرید خانوارها، نگرانی از محروم شدن بخشی از جامعه از حمایت‌های معیشتی را افزایش داده است. مرکز آمار ایران در جدیدترین گزارش خود تورم سالانه و نقطه به نقطه در مهر ۱۴۰۵ را به ترتیب ۷۶.۸ درصد و ۸۸.۷ درصد اعلام کرد. با این حال رقم افزایش کالابرگ ۵۰ درصد بوده است. خبرگزاری «مهر» در گزارشی نوشت: فضل‌الله رنجبر، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، پس از نشست این کمیسیون با احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از مخالفت نمایندگان با حذف افراد از فهرست دریافت‌کنندگان کالابرگ خبر داده و اعلام کرده که نظر مخالف کمیسیون قرار است در قالب نامه‌ای رسمی به سران قوا اعلام شود.

این موضع‌گیری در شرایطی مطرح شده که دولت همزمان در حال بررسی معیارهای جدید برای شناسایی خانوارهای مشمول و غیرمشمول است؛ معیارهایی که بر اساس آنها شاخص هایی نظیر درآمد، هزینه ماهانه هر فرد و ارزش خودرو و دارایی خانوارها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

هدفمندسازی منابع یا حذف دریافت‌کنندگان؟

یکی از مهم‌ترین استدلال های دولت برای بازنگری در فهرست مشمولان کالابرگ، محدودیت منابع و ضرورت تمرکز حمایت‌ها بر اقشار کم‌درآمد است. حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، نیز در اظهارات اخیر خود بر این موضوع تاکید کرده و گفته است منابع حمایتی باید به افرادی اختصاص یابد که واقعا به آن نیاز دارند.

به اعتقاد او، خانوارهایی که از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردارند، نباید انتظار داشته باشند منابع حمایتی از افراد نیازمند گرفته شده و به آنها اختصاص یابد. پورمحمدی همچنین از فراهم شدن فرصت مجدد برای افرادی که در مرحله خوداظهاری از فهرست مشمولان افزایش اعتبار جا مانده‌اند، خبر داده است. با این حال، مسئله اصلی آن است که تشخیص دقیق خانوارهای برخوردار و نیازمند در اقتصادی با تورم بالا، درآمدهای ناپایدار و تفاوت قابل توجه هزینه‌های زندگی میان مناطق مختلف، کار ساده‌ای نیست. برای مثال، درآمد اسمی یک خانوار به‌تنهایی نمی‌تواند تصویر دقیقی از وضعیت معیشتی آن ارائه دهد. تعداد اعضای خانوار، اجاره‌نشینی، هزینه‌های درمانی، تحصیل فرزندان، بدهی‌ها و حتی محل سکونت می‌تواند شرایط اقتصادی دو خانوار با درآمد مشابه را کاملا متفاوت کند.

از همین منظر است که مخالفت کمیسیون اجتماعی مجلس با حذف دریافت‌کنندگان کالابرگ اهمیت پیدا می‌کند. نگرانی نمایندگان این است که اتکای بیش از اندازه به شاخص‌های درآمدی و دارایی، بدون در نظر گرفتن هزینه‌های واقعی زندگی، به حذف خانوارهایی منجر شود که در ظاهر در دهک‌های بالاتر قرار گرفته‌اند اما در عمل همچنان با مشکلات معیشتی مواجهند.

در کنار اختلاف نظر درباره حذف مشمولان، دولت اجرای مرحله جدید افزایش اعتبار کالابرگ را نیز دنبال می‌کند. بر اساس اعلام سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزایش ۵۰۰ هزار تومانی اعتبار کالابرگ را برای حداکثر ۴۴ میلیون نفر پیش بینی کرده است. تاکنون حدود ۳۵ میلیون نفر خوداظهاری کرده‌اند و قرار است پرداخت این افزایش اعتبار از پانزدهم آبان آغاز شود. این افزایش اعتبار گروه‌هایی از جمله بیماران صعب‌العلاج، افراد تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار و سایر اقشار کم‌درآمد را در بر می‌گیرد. به این ترتیب، اعتبار یک میلیون تومانی کالابرگ برای مشمولان افزایش اعتبار به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌رسد؛ اقدامی که با هدف تقویت قدرت خرید گروه‌های آسیب‌پذیر دنبال می‌شود.

با این حال، همین شیوه شناسایی و تفکیک مشمولان نیز به یکی از نقاط بحث‌برانگیز طرح تبدیل شده است. خوداظهاری خانوارها و بررسی اطلاعات اقتصادی آنها، اگرچه می‌تواند به شناسایی دقیق‌تر نیازمندان کمک کند، اما در صورت وجود نقص در اطلاعات یا تعیین سقف‌های درآمدی نامتناسب با هزینه‌های واقعی زندگی، ممکن است به محرومیت برخی خانوارها منجر شود.

دهک‌بندی، معیار کافی برای تشخیص فقر نیست

یکی از چالش‌های قدیمی نظام حمایتی کشور، اتکای بیش از اندازه به دهک‌بندی درآمدی برای تشخیص وضعیت اقتصادی خانوارهاست. دهک‌بندی اگرچه ابزاری برای دسته‌بندی جمعیت بر اساس شاخص‌های اقتصادی است، اما لزوما نمی‌تواند وضعیت واقعی معیشت تمام خانوارها را منعکس کند. در این میان، گزارش‌های منتشرشده از نشست نمایندگان مجلس با وزیر رفاه نیز نشان می دهد برخی نمایندگان نسبت به معیارهای پیشنهادی برای حذف خانوارها انتقاد دارند.

بر اساس گزارش منتشرشده از این نشست، یکی از موارد مورد انتقاد نمایندگان، در نظر گرفتن سقف درآمدی مشخص برای خانوارها بدون توجه کافی به تعداد اعضا و هزینه‌های زندگی بوده است. به‌عنوان نمونه، درآمد ۸۰ میلیون تومانی برای یک خانوار پنج‌نفره مستاجر، الزاما به معنای برخورداری اقتصادی آن خانوار نیست. این مسئله نشان می‌دهد که درآمد اسمی به‌ویژه در شرایط تورمی نمی‌تواند به‌تنهایی معیار مناسبی برای تشخیص توان اقتصادی خانوارها باشد. از سوی دیگر، ارزش دارایی‌هایی مانند خودرو نیز همیشه به معنای برخورداری از درآمد جاری و قدرت خرید بالا نیست. ممکن است خانواری خودرویی با ارزش بالا داشته باشد اما درآمد ماهانه محدودی داشته باشد یا دارایی آن نقدشوندگی لازم برای تامین هزینه‌های روزمره را نداشته باشد. در چنین شرایطی، چنانچه نظام شناسایی مشمولان صرفا بر اساس چند شاخص محدود طراحی شود، احتمال خطای شناسایی و حذف افراد نیازمند افزایش می‌یابد.

عدم تناسب افزایش اعتبار با تورم

موضوع دیگری که در ارزیابی عملکرد کالابرگ باید مورد توجه قرار گیرد، نسبت افزایش اعتبار این طرح با رشد قیمت کالاهای اساسی است. از ابتدای اجرای طرح، یکی از اهداف اصلی کالابرگ حفظ قدرت خرید خانوارها و امکان تامین سبد مشخصی از کالاهای ضروری بود. با این حال، افزایش مستمر قیمت مواد غذایی باعث شده است که ارزش واقعی اعتبار اختصاص‌یافته تحت تاثیر قرار گیرد. فضل‌الله رنجبر، سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس، پیشتر نیز با اشاره به همین مسئله تاکید کرده بود که هدف اولیه طرح، حفظ قدرت خرید اعتبار کالابرگ بوده است؛ به‌گونه‌ای که خانوار بتواند با مبلغ اختصاص‌یافته همان سبد کالایی تعریف‌شده را تهیه کند، اما تورم مانع تحقق کامل این هدف شده است. افزایش ۵۰۰ هزار تومانی برای حدود ۴۴ میلیون نفر، در صورت اجرای کامل، به حدود ۲۲ همت منابع مالی در هر نوبت پرداخت نیاز دارد؛ رقمی که اهمیت موضوع تامین منابع پایدار را نشان می‌دهد.

ضرورت بازنگری در شیوه حمایت؛ نه صرفا فهرست مشمولان

مجموع تحولات اخیر نشان می‌دهد کالابرگ در مرحله‌ای قرار گرفته که تصمیم‌گیری درباره دامنه مشمولان آن به یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌گذاری معیشتی تبدیل شده است.

دولت بر این باور است که با محدودیت منابع نمی‌توان بدون توجه به سطح درآمد و دارایی خانوارها، حمایت یکسانی از همه افراد انجام داد. در مقابل، منتقدان حذف مشمولان تاکید دارند که در شرایط تورمی، حتی خانوارهایی که در دهک‌های بالاتر قرار گرفته‌اند نیز ممکن است با مشکلات جدی اقتصادی مواجه باشند. در چنین شرایطی، بازنگری در اطلاعات اقتصادی خانوارها، توجه به تعداد اعضا، هزینه‌های مسکن و درمان، درآمد واقعی و شرایط اشتغال می‌تواند به کاهش خطاهای شناسایی کمک کند. همچنین لازم است برای خانوارهایی که به اشتباه از فهرست مشمولان حذف می‌شوند، مسیر اعتراض و رسیدگی سریع و شفافی در نظر گرفته شود.



سیدسجاد رضوی، معاون درمان وزارت بهداشت:

۵۰ درصد بیمارستان‌های کشور ناایمن هستند

سه‌شنبه/ ۱۲ آبان ۱۴۰۵/ شماره ۶۸۰

پشت ویترین بازار پیش‌فروش مسکن منطقه ۲۲ چه خبر است؟

برج‌فروشی در سایه ابهام‌های حقوقی



مینا یاری، خبرنگار گروه جامعه: منطقه ۲۲ تهران با برج های بلندمرتبه، مجتمع‌های مسکونی و مراکز تجاری متعدد، یکی از مناطقی است که تبلیغات فروش و پیش‌فروش واحدهای ساختمانی در آن به چشم می‌خورد. تابلوهای فروش درورودی برخی ساختمان‌ها، دفاتر مستقر در برج‌ها و آگهی‌های متعدد در فضای مجازی، تصویری از بازاری فعال برای خرید واحدهای در حال ساخت ارائه می‌کنند؛ بازاری که در آن، خریدار ممکن است با وعده‌هایی درباره قیمت، امکانات و زمان تحویل مواجه شود، اما از وضعیت حقوقی معامله و اختیارات واقعی فروشنده اطلاع دقیقی نداشته باشد.

سمانه محرمی نمین، نایب رئیس اتحادیه مشاورین املاک، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» با اشاره به فعالیت برخی دفاتر فروش در برج‌ها و مراکز تجاری، نسبت به قراردادهایی که بدون احراز دقیق اختیار فروشنده منعقد می‌شوند، هشدار داد. به گفته او، صرف فعالیت یک دفتر در یک پروژه ساختمانی یا سازنده بودن طرف معامله، به معنای برخورداری از اختیار قانونی برای فروش واحدهای آن پروژه نیست.

■ **این روزها تبلیغات پیش‌فروش در فضای مجازی و دفاتر فروش برخی برج‌ها و پروژه‌های ساختمانی بسیار دیده می‌شود. مردم چگونه می‌توانند معاملات معتبر را از موارد پرخطر تشخیص دهند؟ آیا احتمال کلاهبرداری در این معاملات وجود دارد؟**

صرف تبلیغ پیش‌فروش در فضای مجازی، به‌خودی‌خود اثبات‌کننده تخلف نیست؛ اما وقتی معامله بدون احراز اختیار فروشنده، بدون شفافیت در مشخصات ملک یا خارج از سازوکارهای قانونی انجام می‌شود، خطرات جدی به وجود می‌آید. یکی از موضوعات مورد انتقاد، فعالیت برخی دفاتر فروش در برج‌ها، مجتمع‌های مسکونی و مراکز تجاری است که بدون مجوز صنفی لازم یا خارج از شبکه ضابطه‌مند مشاوران املاک فعالیت می‌کنند. برای نمونه، در منطقه ۲۲ تهران، مواردی از فعالیت دفاتر فروش در برخی ساختمان‌ها و برج‌ها مطرح است. در بعضی موارد، فضای داخل یک ساختمان مسکونی به محل انجام معاملات تبدیل می‌شود؛ در حالی که نظارت و بازرسی از چنین محل‌هایی ممکن است با دشواری‌هایی همراه باشد. سازمان تعزیرات حکومتی و سایر نهادهای مسئول باید وضعیت این دفاتر را بررسی کنند و در صورت احراز تخلف، مطابق مقررات اقدام کنند.

یکی دیگر از خطرات، قراردادهایی است که بندها و شروط متعدد و پیچیده‌ای دارند و خریدار بدون بررسی دقیق آنها را امضا می‌کند. در برخی پرونده‌ها، بنا بر اطلاعاتی که به ما رسیده، یک واحد در طول دوره ساخت با تغییر خریدار یا فسخ قراردادهای قبلی مواجه شده است.

خریدار نباید صرفا بر اساس تبلیغات، ظاهر پروژه یا اطمینان شفاهی فروشنده تصمیم بگیرد. باید مشخص شود فروشنده مالک است یا از مالک اختیار قانونی دارد، قرارداد مشارکت در ساخت چه محدودیت‌هایی برای فروش ایجاد کرده و واحد مورد معامله دقیقا کدام است.

■ **آیا مشکلات ناشی از فعالیت دفاتر فروش خارج از شبکه مجاز، فقط به پیش‌فروش محدود می‌شود یا معاملات اجاره و خرید‌وفروش املاک تجاری را نیز دربرمی‌گیرد؟**

این مسئله محدود به پیش فروش مسکن نیست و در حوزه اجاره و خرید‌وفروش املاک تجاری نیز می‌تواند مطرح باشد. برای مثال، در برخی مراکز تجاری و مال‌ها، دفاتر فروش یا واحدهایی وجود دارند که خود مجموعه درآنها به تنظیم قراردادهای مربوط به ملک اقدام می‌کند. در این شرایط باید به یک نکته مهم توجه داشت؛ آیا تنظیم‌کننده قرارداد صرفا واسطه‌ای مستقل است یا خود در موضوع معامله ذی‌نفع است؟ در فعالیت متعارف مشاور املاک، انتظار می‌رود واسطه با رعایت بی‌طرفی، شرایط معامله را برای طرفین روشن کند و از حقوق و تعهدات هر دو طرف آگاه باشد. اما وقتی مالک یا مجموعه‌ای که خود ذی‌نفع معامله است، قرارداد را نیز تنظیم می‌کند، احتمال تعارض منافع به وجود می‌آید و لازم است این موضوع با دقت بیشتری بررسی شود. یکی از نکات مهم در معاملات منطقه ۲۲، وضعیت پروژه‌هایی است که با مشارکت مالک زمین و سازنده در حال احداث هستند. در چنین پروژه‌هایی، خریدار ممکن است با فردی قرارداد ببندد که سازنده ساختمان است، اما هنوز حدود اختیارات او برای فروش واحد مشخص نشده است.

■ **در معاملات مشارکت در ساخت، چه خطراتی خریداران را تهدید می‌کند؟**

آیا سازنده‌ای که در پروژه سهم دارد، می‌تواند هر واحدی را که می‌خواهد پیش‌فروش کند؟

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که خریداران باید به آن توجه کنند، مفاد قرارداد مشارکت در ساخت است. نباید تصور کرد صرفا به این دلیل که فردی سازنده یک ساختمان است، اختیار فروش تمام واحدهای آن را دارد. در قرارداد مشارکت، سهم مالک زمین و سازنده، نحوه تقسیم واحدها و زمان‌بندی تعهدات باید مشخص باشد. ممکن است محدودیت‌هایی برای پیش‌فروش در نظر گرفته شده باشد یا سازنده تا رسیدن پروژه به مرحله مشخصی اجازه فروش نداشته باشد؛ برای مثال، در قرارداد شرط شده باشد که پیش‌فروش فقط پس از رسیدن ساختمان به مرحله نازک‌کاری امکان‌پذیر است.

نکته دیگر، تفاوت مالکیت مشاع با مالکیت یک واحد مستقل است. اگر سازنده سهمی از زمین یا ساختمان داشته باشد، این موضوع به‌تنهایی اثبات نمی‌کند که واحد طبقه سوم یا پارکینگ مشخصی به او تعلق دارد و می‌تواند آن را بدون توجه به حقوق سایر مالکان پیش‌فروش کند. خریدار باید بررسی کند واحد مورد نظر بر اساس قرارداد مشارکت و توافق مالکان به چه کسی اختصاص یافته و آیا فروشنده برای واگذاری آن اختیار لازم را دارد یا خیر. در غیر این صورت، ممکن است پس از انعقاد قرارداد، سایر مالکان نسبت به فروش واحد، طبقه، پارکینگ یا انباری اعتراض کنند و خریدار وارد اختلافی شود که با بررسی اسناد از ابتدا می‌شد احتمال آن را کاهش داد.

■ **برای جلوگیری از این اختلافات، خریدار پیش از امضای قرارداد، دقیقا چه مواردی را باید بررسی کند؟**

نخست باید مشخصات واحد، از جمله طبقه، مساحت، موقعیت، امکانات، پارکینگ و انباری در قرارداد روشن باشد. دوم، مالکیت و اختیار فروشنده باید احراز شود؛ به‌ویژه اگر فروشنده سازنده یا نماینده مالک باشد. همچنین قرارداد مشارکت در ساخت و توافقات میان مالک و سازنده باید بررسی شود تا مشخص شود فروشنده حق واگذاری واحد مورد نظر را دارد یا خیر.

از سوی دیگر، مبلغ معامله، نحوه پرداخت اقساط، زمان تحویل، شرایط تغییر مساحت، خسارت تاخیر و شرایط فسخ باید شفاف باشد. امکان ثبت و پیگیری قانونی قرارداد نیز اهمیت دارد. صرف دریافت یک برگه قرارداد یا کد رهگیری، به معنای تضمین کامل حقوق خریدار نیست.

مسئله فقط فروش نیست؛ نظارت و شفافیت کجاست؟

مجموع صحبت‌های محرمی نمین نشان می‌دهد مسئله پیش فروش در منطقه ۲۲ را نمی‌توان صرفا به تبلیغات گسترده یا احتمال کلاهبرداری محدود کرد. موضوع اصلی، زنجیره‌ای از ابهام‌هاست؛ از محل فعالیت و مجوز دفاتر فروش گرفته تا استقلال واسطه، وضعیت مالکیت و حدود اختیارات سازنده. این ابهام‌ها در کنار قراردادهای پیچیده می‌توانند خریدار را در موقعیتی قرار دهند که پس از پرداخت پول، تازه با محدودیت‌های حقوقی معامله روبه‌رو شود.

محرمی نمین در بخش پایانی گفت‌وگو، بر ضرورت ایجاد مسیر روشن و قابل دسترس برای ثبت قراردادهای پیش فروش، دسترسی به اطلاعات ثبتی، تطبیق مشخصات واحد با اسناد رسمی و نظارت بر فعالیت دفاتر تاکید می‌کند. افزایش آگاهی عمومی درباره مشارکت در ساخت و مالکیت مشاع نیز از دیگر ضرورت‌هایی است که او به آن اشاره دارد.



در نهایت، رونق ساخت و ساز و تعدد پروژه‌ها در منطقه ۲۲ زمانی می‌تواند به فرصتی برای خریداران تبدیل شود که پشت ویترین فروش برج‌ها، سازوکار روشنی برای احراز مالکیت، اختیار فروش و ثبت تعهدات وجود داشته باشد. پرسش اصلی برای متقاضیان خرید این نیست که کدام برج واحد بیشتری برای فروش دارد؛ بلکه این است که چه کسی، با چه مجوز و اختیاری، واحدی را که وعده فروش آن را می‌دهد به خریدار واگذار می‌کند.

دام زنده کیلویی ۷۰۰ هزار تومان؛ گوشت تا ۲.۶ میلیون تومان

چرا قیمت‌ها کاهش نمی‌یابد؟

در حالی که قیمت هر کیلو دام زنده در بازار حدود ۷۰۰ هزار تومان است، اما نرخ برخی قطعات گوشت در بازار به بیش از ۲.۵ میلیون تومان رسیده، اختلافی که در کنار اعلام وضعیت مناسب تولید و عرضه دام داخلی، این پرسش را مطرح می‌کند که چرا بهبود شرایط تولید هنوز به کاهش قیمت گوشت برای مصرف‌کنندگان منجر نشده است؟

به گزارش «ایسنا» از یکی از مراکز فروش گوشت در محدوده آزادی (۱۰ آبان)، هر کیلوگرم ماهیچه گوسفندی دو میلیون و ۱۵۰ هزار تومان، راسته گوسفندی با استخوان دو میلیون و ۲۵۰ هزار تومان و ران گوسفندی دو میلیون و ۳۴۰ هزار تومان قیمت دارد. همچنین هر کیلوگرم قلوه‌گاه گوسفندی یک میلیون تومان و راسته گوسفندی مغزشده یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان عرضه می‌شود.

در بخش گوشت گوساله نیز قیمت‌ها متفاوت است؛ به طوری که هر کیلوگرم ران گوساله دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، مغزران ممتاز دو میلیون و ۳۴۰ هزار تومان، سردست ممتاز دو میلیون و ۳۴۰ هزار تومان و ماهیچه ممتاز دو میلیون و ۴۷۶ هزار تومان قیمت‌گذاری شده است. همچنین هر کیلوگرم گوشت چرخ‌کرده گوساله ممتاز با قیمت یک میلیون و ۵۲۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. مقایسه قیمت قطعات مختلف نشان می‌دهد انتخاب نوع گوشت تاثیر قابل توجهی بر هزینه خانوار دارد. برای مثال، خرید یک کیلوگرم ران گوساله دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومان هزینه دارد، در حالی که قیمت یک کیلوگرم گوشت چرخ‌کرده گوساله ممتاز یک میلیون و ۵۲۰ هزار تومان است؛ یعنی اختلافی بیش از یک میلیون تومان برای هر کیلوگرم.

ثبات نسبی بازار دام در برابر قیمت‌های بالای گوشت

در همین رابطه، منصور پوریان، رئیس شورای تامین دام کشور، درباره آخرین وضعیت تولید، عرضه و قیمت دام زنده اظهار کرد: بازار دام در فصل پاییز از ثبات نسبی برخوردار بوده و شرایط تولید در بخش دام سبک و سنگین، چه در حوزه دام‌های کشتاری و چه دام‌های مولد، مطلوب ارزیابی می‌شود. همچنین زایش‌های پاییزه، به‌ویژه در بخش دام سبک، روند مناسبی داشته که می‌تواند به حفظ و تقویت جمعیت دامی کشور کمک کند. افزایش قیمت گوشت در ماه‌های گذشته، به‌ویژه در تابستان و تحت تاثیر شرایط جنگی و نوسانات بازار، موجب افزایش تمایل دامداران به فعالیت در بخش پرواربندی شد. بر همین اساس، بسیاری از دامداران و پرواربندان به سمت نگهداری و پروار دام‌های نیم‌گوشت، دام‌های کم‌وزن و برخی دام‌های ماده حرکت کردند که نتیجه آن رشد قابل توجه فعالیت‌های پرواربندی در مقایسه با سال گذشته بوده است.

پوریان ادامه داد: بخش قابل توجهی از دام‌هایی که در ماه‌های گذشته وارد چرخه پرواربندی شده‌اند، در فصل زمستان به وزن مناسب کشتار خواهند رسید. بنابراین انتظار می‌رود در ماه‌های آینده با افزایش عرضه دام پرواری و حجم مناسبی از تولید گوشت داخلی روبه‌رو باشیم.

قیمت دام زنده چقدر است؟

رئیس شورای تامین دام کشور درباره قیمت دام زنده اظهار کرد: در حال حاضر قیمت هر کیلوگرم بره نر کشتاری سنگین در محدوده ۶۹۰ تا ۷۲۰ هزار تومان قرار دارد. همچنین قیمت بره ماده حدود ۷۰۰ هزار تومان و بره‌های نیم‌گوشت در محدوده ۶۸۰ هزار تومان است. قیمت سایر گروه‌های دام سبک از جمله میش، بزو بزغاله در برخی دسته‌ها حدود ۵۰۰ تا ۵۲۰ هزار تومان است. در مجموع، بازار دام سبک در شرایط ثبات نسبی قرار دارد و در برخی گروه‌های دام کشتاری حتی کاهش قیمت نیز مشاهده شده است.

پوریان درباره وضعیت دام سنگین نیز گفت: قیمت هر کیلوگرم گاو زنده در محدوده ۵۲۰ تا ۵۷۰ هزار تومان و قیمت گاومیش بین ۵۰۰ تا ۶۱۰ هزار تومان قرار دارد. قیمت برخی گروه‌های دام سبک و سنگین به یکدیگر نزدیک شده، اما همچنان تفاوت‌هایی متناسب با نوع دام و شرایط عرضه وجود دارد.

افزایش سهم علوفه داخلی در تغذیه دام

رئیس شورای تامین دام کشور توسعه تولید علوفه داخلی را یکی از عوامل موثر در بهبود شرایط دامپروری دانست و اظهار کرد: تولید یونجه در بسیاری از مناطق کشور افزایش یافته و بخش قابل توجهی از محصول تولیدشده در اختیار دامداران قرار گرفته است. بر اساس برآوردهای موجود، سهم یونجه و علوفه داخلی در سبد تغذیه دام از حدود ۱۲ درصد به ۴۷ درصد افزایش یافته که این موضوع نقش مهمی در تامین خوراک دام و حمایت از فعالیت‌های پرواربندی دارد.

پوریان با اشاره به اهمیت یونجه در تغذیه دام‌های شیری و گوشتی تصریح کرد: مناسب بودن قیمت یونجه داخلی در مقایسه با برخی نهاده‌ها و خوراک‌های وارداتی، موجب شده دامداران تمایل بیشتری به استفاده از این محصول داشته باشند. توسعه سطح زیر کشت یونجه و تداوم تولید علوفه در داخل کشور می‌تواند وابستگی دامداری‌ها به نهاده‌های وارداتی را کاهش دهد و زمینه رشد بیشتر تولید دام و گوشت را فراهم کند.

ظرفیت تولید دام بیشتر از نیاز بازار است؟

وی درباره میزان دام مورد نیاز برای تامین مصرف کشور اظهار کرد: نیاز ماهانه بازار در بخش دام سبک حدود ۹۰۰ هزار راس گوسفند و در بخش دام سنگین حدود ۴۵ تا ۵۰ هزار راس است. برآوردهای موجود نشان می‌دهد، بیش از پنج میلیون راس دام سبک آماده کشتار در ماه و در بخش دام سنگین نیز بیش از ۱۱۰ هزار راس دام برای کشتار وجود دارد. این ارقام نشان می‌دهد ظرفیت تولید و عرضه دام داخلی در مقایسه با نیاز بازار در وضعیت مناسبی قرار دارد. رئیس شورای تامین دام کشور با اشاره به میزان مصرف گوشت در کشور گفت: مصرف ماهانه گوشت کشور حدود ۷۰ هزار تن برآورد می‌شود و پیش‌بینی ما این است که در ماه‌های پاییز حدود ۵۰ هزار تن گوشت از محل تولید داخلی تامین شود. علاوه بر تولید جاری، حدود ۲۰ هزار تن گوشت نیز به صورت منجمد در ذخایر سردخانه‌ای وجود دارد که استفاده از این ذخایر در کنار تولید داخلی می‌تواند به پوشش نیاز بازار کمک کند.



وی درباره وضعیت واردات گوشت نیز اظهار کرد: میزان واردات گوشت در سال جاری محدود بوده و بر اساس آمارهای اعلام‌شده، از ابتدای سال حدود ۲۰ هزار تن گوشت وارد کشور شده است. این میزان در مقایسه با ظرفیت تولید داخلی رقم بالایی نیست و نشان می‌دهد بخش عمده نیاز کشور متکی بر تولید داخل است.

افزایش تولید دام لزوما به کاهش قیمت گوشت منجر نمی‌شود

پوریان در پاسخ به این پرسش که آیا افزایش تولید و عرضه دام می‌تواند به کاهش قیمت گوشت برای مصرف‌کنندگان منجر شود؟ اظهار کرد: باید میان وضعیت تولید دام و قیمت گوشت در بازار مصرف تفاوت قائل شد. افزایش جمعیت دام و بهبود تولید به معنای افزایش ظرفیت تامین بازار است، اما لزوما به کاهش قیمت در سطح خرده‌فروشی منجر نمی‌شود. در شرایط فعلی، بازار کالاهای مختلف از جمله گوشت تحت تاثیر افزایش هزینه‌ها، نوسانات اقتصادی و شرایط جنگی قرار دارد و نمی‌توان صرفا بر اساس رشد تولید، انتظار کاهش قیمت را داشت.

رئیس شورای تامین دام کشور با اشاره به فاصله قیمت دام در بخش تولید و گوشت عرضه‌شده به مصرف‌کننده گفت: در برخی موارد قیمت‌ها در بازار مصرف متناسب با شرایط تولید حرکت نمی‌کنند. این مسئله تنها به گوشت محدود نیست و در بازار سایر کالاها نیز مشاهده می‌شود. وی با تاکید بر ضرورت توجه به ظرفیت‌های تولید داخل تصریح کرد: با وجود فشارهای اقتصادی و شرایط دشوار ماه‌های گذشته، بخش دامپروری کشور توانسته ظرفیت‌هایی از جمله توسعه پرورش گاومیش، افزایش تولید علوفه داخلی و رشد فعالیت‌های پرواربندی را تقویت کند. حفظ جمعیت دام مولد، حمایت از تولید علوفه و استمرار فعالیت واحدهای پرواربندی می‌تواند به پایداری تولید و تامین گوشت مورد نیاز کشور در ماه‌های آینده کمک کند؛ به‌ویژه آنکه با ورود دام‌های پرواربنده به چرخه کشتار در فصل زمستان، انتظار می‌رود حجم عرضه دام و گوشت داخلی افزایش یابد.

معضل کامیون‌های فرسوده، مصرف بیش از ۷۵ لیتر سوخت در ۱۰۰ کیلومتر



یک مقام صنفی گفت: بیش از ۱۳ هزار و ۵۰۰ دستگاه ناوگان بالای ۵۰ سال در کشور فعال است که به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر بیش از ۷۵ لیتر سوخت مصرف می‌کنند؛ در حالی که مصرف ناوگان‌های جدید تا ۴۰ لیتر است.

به گزارش «مهر» غلامحسین مصلح، رئیس انجمن شرکت‌های حمل‌ونقل سراسری بزرگ مقیاس هوشمند جاده‌ای کالا، دیروز دوشنبه، ۱۱ آبان در آیین ورود کشنده‌های جدید به ناوگان عملیاتی شرکت و تقویت ظرفیت حمل‌ونقل در چرخه لجستیک و زنجیره تامین کشور، با اشاره به روند نوسازی ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای اظهار کرد: عملیات نوسازی ناوگان را از سال ۱۴۰۳ آغاز کردیم و در همان سال نیز از حدود ۱۴۰ دستگاه رونمایی شد.

وی افزود: زمانی که خودروهای جدید را وارد چرخه حمل‌ونقل می‌کنیم، امکان نگهداری همه آنها برای رونمایی وجود ندارد؛ به همین دلیل، بخشی از ناوگان را برای این منظور نگهداری می‌کنیم و بخش دیگر بلافاصله وارد چرخه فعالیت می‌شود؛ در این مرحله حدود ۱۰۰ دستگاه کشنده وارد چرخه حمل‌ونقل شده‌اند که در حوزه جابه‌جایی کالاهای اساسی، سوخت و حمل‌ونقل بین‌المللی فعالیت می‌کنند. مصلح با اشاره به وضعیت نوسازی ناوگان حمل‌ونقل کشور تصریح کرد: در برنامه‌های توسعه پنجم و هفتم، نوسازی حدود ۱۱۰ هزار دستگاه خودرو پیش‌بینی شده بود، اما متاسفانه این هدف تاکنون به شکل مورد انتظار محقق نشده است.

رئیس انجمن شرکت‌های حمل‌ونقل سراسری بزرگ مقیاس هوشمند جاده‌ای کالا ادامه داد: در حال حاضر بیش از ۱۳ هزار و ۵۰۰ دستگاه ناوگان با عمر بالای ۵۰ سال در کشور وجود دارد که این خودروها به ازای پیمایش هر ۱۰۰ کیلومتر، بیش از ۷۵ لیتر سوخت مصرف می‌کنند.

مصرف سوخت کامیون‌های جدید نصف شد

وی یادآور شد: در مقابل، ناوگان جدیدی که وارد چرخه حمل‌ونقل شده است، به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر حدود ۳۵ تا حداکثر ۴۰ لیتر سوخت مصرف می‌کند. بنابراین، نوسازی ناوگان از نظر صرفه‌جویی در مصرف سوخت اهمیت زیادی دارد و می‌تواند کمک قابل توجهی به حاکمیت در مدیریت مصرف سوخت کشور باشد.

مصلح با تاکید بر اینکه نوسازی ناوگان بدون حمایت مستقیم دولت انجام شده است، بیان کرد: این اقدام عمدتا از طریق تسهیلات بانکی با نرخ سود بالای ۲۲ درصد تامین شده و متاسفانه تاکنون هیچ‌گونه کمک یارانه‌ای برای نوسازی ناوگان به ما اختصاص نیافته است. قرار بود تسهیلاتی در این زمینه پرداخت شود، اما این موضوع هنوز برای ما محقق نشده است.

رئیس انجمن شرکت‌های حمل‌ونقل سراسری بزرگ‌مقیاس هوشمند جاده‌ای کالا در پایان خاطرنشان کرد: با وجود نبود حمایت‌های دولتی، نوسازی ناوگان را آغاز کردیم؛ چراکه برای تضمین خدمت‌رسانی به مردم و تامین حمل‌ونقل کالاهای اساسی در کشور، برای خود تعهد ایجاد کرده بودیم.

وضعیت مناسب ذخایر استراتژیک دارو



رئیس سازمان غذا و دارو، در خصوص وضعیت تامین دارو با توجه به مشکلاتی که وجود دارد، توضیحاتی داد.

مهدی پیرصالحی، در حاشیه برگزاری همایش بین‌المللی حلال و سلامت، گفت: با توجه به شرایط کشور، حوزه دارو نیز با مشکلاتی مواجه شده است اما تلاش کرده ایم از مسیرهای مختلف برای تامین مواد اولیه دارویی و داروهای وارداتی مورد نیاز، اقدام کنیم. وی افزود: در حال حاضر کمبودهای دارویی نسبت به ماه گذشته و مدت زمان مشابه در سال قبل، کمتر شده است و در زمینه داروهای ضروری و حیاتی نیز کمبودها کاهش یافته است.

پیرصالحی با اشاره به هموارسازی مسیرهای واردات مواد اولیه دارویی و داروهای ساخته شده به کشور، گفت: تنها مسیری که هنوز نمی‌توانیم داروهای تحت کنترل را وارد کنیم، کشور هند است.

رئیس سازمان غذا و دارو با اشاره به زمانبر شدن ورود داروهای مورد نیاز، افزود: علاوه بر طولانی شدن زمان حمل، هزینه‌ها نیز افزایش یافته است.

پیرصالحی در عین حال از وجود ذخایر کافی دارو برای شرایط بحرانی خبر داد و گفت: خوشبختانه در زمینه ذخایر استراتژیک دارو، وضعیت مناسبی داریم. وی درباره تامین داروهای بیمارستانی افزود: در این حوزه با کمترین میزان کمبود مواجه هستیم.

رئیس سازمان غذا و دارو با اشاره به بدهی بیمارستان‌ها به شرکت‌های دارویی، گفت: بسیاری از بیمارستان‌ها بیش از یک سال است که بدهی خود را به شرکت‌های تامین‌کننده دارو پرداخت نکرده‌اند و این مسئله در همکاری شرکت‌ها با بیمارستان‌ها مشکل ایجاد کرده است. بیمارستان‌ها باید برای تسویه بدهی‌های خود اقدام کنند تا بتوانند داروهای مورد نیاز را دریافت کنند.

پیرصالحی درباره فروش اینترنتی دارو نیز اظهار داشت: ضوابط این حوزه با امضای دو وزیر مربوطه تدوین و دستورالعمل اجرایی آن ابلاغ شده است. سازمان غذا و دارو پیگیر اجرای این دستورالعمل است و مجموعه‌هایی که الزامات تعیین شده را رعایت کنند، امکان فعالیت در این حوزه را خواهند داشت.

وی در ادامه با اشاره به وضعیت تامین انسولین در کشور، گفت: انسولین تولید داخل به میزان کافی و به‌وفور در کشور موجود است و از نظر قیمت نیز شرایط مناسبی دارد؛ به‌طوری که پرداختی بیماران برای تهیه آن اندک خواهد بود.

رئیس سازمان غذا و دارو افزود: با توجه به مشکلات مسیرهای واردات و اختصاص ارز با نرخ بازار تجاری به انسولین‌های وارداتی، افزایش قیمت این محصولات قطعی است. وی تاکید کرد: بیمارانی که از انسولین ایرانی استفاده می‌کنند، با مشکل خاصی از نظر هزینه مواجه نخواهند شد، اما مصرف‌کنندگان انسولین‌های خارجی و برند، باید مابه‌التفاوت قیمت این محصولات را پرداخت کنند.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۸۰

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست | سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
agaah_ir m@agaah.ir www.Agaah.ir

سه‌شنبه

۱۲ آبان مـاه ۱۴۰۵
۲۳ جمادی الاول ۱۴۴۸ | ۳ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبـــح	۰۵:۰۰
اذان ظهـــر	۱۱:۴۸
اذان مغـــرب	۱۷:۲۹
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۵

کاغذک

اسم شما در رمان آتوود

دوست دارید یکی از شخصیت های رمان بعدی مارگارت آتوود همنام شما باشد؟
آتوود، نویسنده «سرگذشت ندیمه» همراه با زیدی اسمیت، ایان مک‌یوون و چند نویسنده مشهور دیگر، فرصت انتخاب نام یکی از شخصیت‌های آثار آینده‌شان را به مزایده گذاشته‌اند. برنده هرمزایده می‌تواند نام خود (یا فرد دیگری) را پیشنهاد کند و درآمد آن نیز صرف فعالیت‌های خیریه می شود. این ایده قبلا هم اجرا شده است. تریسی شوالیه، نویسنده «دختری با گوشواره مروارید»، در دوره‌های گذشته نام دو برنده را برای شخصیت‌های رمان‌هایش انتخاب کرد؛ یکی هنرمندی در سیرک بود و دیگری صاحب مهمان‌خانه‌ای در سان‌فرانسیسکو.
این ابتکار، علاوه برتامین منابع مالی برای فعالیت‌های خیریه، راهی خلاقانه برای جلب توجه مخاطبان به آثار آینده نویسندگان و تقویت ارتباط آنها با خوانندگان است.

این ویتامین دوست مغز در سالمندی است

ارتباط ویتامین C با یک شبکه مهم مغزی



ویتامین C بیشتر به دلیل نقش آن در سیستم ایمنی شناخته می‌شود، اما پژوهشی جدید نشان می دهد این ویتامین ممکن است با سلامت مغز در دوران سالمندی نیز ارتباط داشته باشد.
محققان با بررسی بیش از دو هزار سالمند ژاپنی دریافتند افرادی که سطح ویتامین C خونشان پایین‌تر بود، حجم ماده خاکستری کمتری در مغز داشتند و ارتباطات برخی شبکه های مغزی آنها نیز ضعیف‌تر بود. در این مطالعه که در مجله PLOS One منتشر شده، ۲۰۴۴ فرد بالای ۶۴ سال با میانگین سنی حدود ۷۰ سال مورد بررسی قرار گرفتند. پژوهشگران سطح ویتامین C پلاسمای خون را اندازه گیری کردند و با استفاده از MRI، حجم ماده خاکستری و سفید مغز و وضعیت شبکه‌های مغزی شرکت‌کنندگان را ارزیابی کردند.

ارتباط ویتامین C با یک شبکه مهم مغزی

یکی از مهم‌ترین یافته‌ها مربوط به «شبکه حالت پیش‌فرض» یا DMN بود؛ مجموعه‌ای از مناطق به هم پیوسته مغز که در عملکردهایی مانند حافظه زندگی‌نامه‌ای، توجه و پردازش‌های ذهنی نقش دارد. سطح پایین‌تر ویتامین C با ارتباط ضعیف‌تر در این شبکه همراه بود. این ارتباط حتی پس از در نظر گرفتن عواملی مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات، فعالیت بدنی، سیگار، مصرف الکل، دیابت، فشار خون و چربی خون همچنان مشاهده شد.

آیا مصرف بیشتر ویتامین C از مغز محافظت می‌کند؟

هنوز برای چنین نتیجه‌ای زود است. این پژوهش از نوع مقطعی است؛ یعنی تنها نشان می دهد سطح ویتامین C و برخی ویژگی های مغز با یکدیگر ارتباط دارند و نمی‌تواند ثابت کند که افزایش مصرف این ویتامین مستقیما باعث حفظ حجم مغز یا پیشگیری از زوال شناختی می شود. خود پژوهشگران نیز تاکید کرده‌اند که برای مشخص شدن رابطه علت و معلولی به مطالعات بیشتری نیاز است. با این حال، یافته‌های تازه به شواهد قبلی درباره ارتباط تغذیه مناسب با سلامت مغز در سالمندی اضافه می‌شوند. دریافت ویتامین C از یک رژیم متنوع و متعادل، به‌ویژه میوه ها و سبزیجات، همچنان راه منطقی‌تری از مصرف خودسرانه دوزهای بالای مکمل‌هاست.

منبع: plos

آب و هوا



باران و صاعقه در ۲۲ استان

موج جدید بارشی چهارشنبه وارد کشور می‌شود



سامانه بارشی در ۲۲ استان فعال است و از چهارشنبه با ورود موج جدید، بارش ها مجددا در نیمه غربی آغاز می‌شود.
بررسی نقشه‌ها و الگوهای هواشناسی نشان می‌دهد امروز، سه‌شنبه بارش‌ها در استان‌های ساحلی دریای خزر، اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، قزوین، البرز، تهران، سمنان، خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، کرمان و سیستان و بلوچستان ادامه خواهد داشت. روز چهارشنبه فعالیت سامانه بارشی به شمال شرق، شرق و جنوب شرق کشور محدود می‌شود.
از اواخر روز چهارشنبه و روز پنج‌شنبه با ورود موج بارشی جدید، بارش‌ها بار دیگر در نیمه غربی کشور آغاز خواهد شد، همچنین روز جمعه در شمال غرب، غرب، جنوب غرب، بخش هایی از جنوب، شمال شرق و استان‌های ساحلی دریای خزر بارندگی پیش بینی می‌شود.



بازار تاریخی شاهرود
بازار سرپوشیده شاهرود با معماری به‌جامانده از دوران قاجار، یکی از بناهای تاریخی و مراکز قدیمی دادوستد در استان سمنان است. این بازار با دو راسته اصلی و بخش‌هایی همچون مسجد، کاروانسرا و حمام در سال ۱۳۷۸ به ثبت ملی رسیده است.

عکس: هانیه ملک / مهر

زنجبیل تازه به کاهش فشار خون بالا کمک می‌کند

فشار خون بالا معمولا علائم قابل توجهی ایجاد نمی‌کند، اما با گذشت زمان بی‌سر و صدا خطر حمله قلبی، سکته مغزی، بیماری کلیوی و موارد دیگر را افزایش می‌دهد.
خبر خوب این است که آنچه می خورید می تواند تفاوت واقعی ایجاد کند. در کنار تحرک منظم، خواب با کیفیت و مدیریت استرس، رژیم غذایی یکی از موثرترین ابزارها برای حفظ فشار خون در محدوده سالم است. مطالعات نشان داده‌اند که الگوهای غذایی مانند رژیم DASH که بر مصرف میوه‌ها، سبزیجات، غلات کامل و پروتئین‌های بدون چربی تاکید دارد و در عین حال سدیم را محدود می‌کند، فشار خون را در عرض چند هفته کاهش می‌دهد.



همواره چند ماده خوراکی برای کاهش فشار خون در کانون توجه هستند. سیر به دلیل ترکیبات مفید برای قلب، چغندر به دلیل نیترات طبیعی و موز به دلیل پتاسیم مورد توجه است. اما آنها تنها مواد غذایی مفید در این زمینه نیستند. یک افزودنی دیگری که ممکن است به کاهش فشار خون کمک کند، زنجبیل تازه است.
آدیانا کاسترو، متخصص تغذیه می گوید: «زنجبیل افزودنی هوشمندانه به نوشیدنی‌های مفید برای قلب مانند آب چغندر است.» کاسترو گفت: «زنجبیل دارای خواص ضد التهابی قوی است و به کاهش فشار خون و بهبود گردش خون کمک می‌کند.» او افزود که یک مقدار به اندازه انگشت شست برای بهره‌مندی از مزایای آن کافی است.
با این حال محققان تاکید می‌کنند که زنجبیل جایگزینی برای داروهای فشار خون نیست. زنجبیل همچنین ممکن است با داروهای رقیق‌کننده خون و برخی از داروهای فشار خون تداخل داشته باشد، بنابراین قبل از افزودن مقدار بیشتری از آن به رژیم غذایی خود، به خصوص به صورت مکمل، با پزشک خود مشورت کنید.

سبک زندگی

رازشوید خشک سبزو معطرخانگی چیست؟

دو روش فوری برای خشک کردن شوید

برای تهیه شوید خشک خوش‌رنگ و معطر، باید سبزی تازه انتخاب کنید، پس از شست‌وشو آب آن را کاملا بگیرید و روش مناسبی برای خشک کردن به کار ببرید. خشک کردن در سایه، استفاده از پنکه و فرازروش‌های خانگی هستند که هرکدام نکات خاص خود را دارند.
اولین قدم برای داشتن یک شوید خشک عالی، انتخاب سبزی تازه است. هنگام خرید، از سبزی‌هایی انتخاب کنید که برگ‌های سبز و سالم دارند. اگر شوید از قبل پژمرده شده باشد یا نشانه‌هایی از سیاهی و پوسیدگی در آن دیده شود، پس از خشک شدن، رنگ و عطر خود را از دست می‌دهد. حتما ساقه‌ها و قسمت‌های آسیب‌دیده را قبل از شروع کار جدا کنید.
پس از خرید، سبزی را در چند مرحله با آب تمیز بشویید تا تمام خاک و آلودگی‌ها پاک شود. نکته بسیار مهم این است که پس از شست‌وشو، نباید اجازه دهید آب روی برگ‌ها باقی بماند. شوید را در آبکش بریزید و سپس روی یک پارچه تمیز یا حوله کاغذی پهن کنید تا رطوبت سطحی آن کاملا گرفته شود. ماندن آب روی برگ‌ها نه تنها زمان خشک شدن را طولانی می‌کند، بلکه می‌تواند باعث ایجاد کپک شود.

خشک کردن در سایه؛ روشی ساده و کم‌هزینه

یکی از بهترین روش‌های خانگی، خشک کردن در سایه است. برای این کار، شویدهای آب‌گرفته را روی یک سینی یا پارچه تمیز به صورت لایه‌های نازک پهن کنید؛ دقت کنید که سبزی‌ها روی هم انباشته نشوند تا هوا به خوبی بین آنها جریان یابد. سینی را در محلی تمیز، خشک و دور از نور مستقیم خورشید قرار دهید. تابش مستقیم آفتاب باعث می‌شود رنگ سبز شوید به زردی یا قهوه‌ای گراید و عطر آن فرار کند. همچنین بهتر است هر از چند گاهی سبزی‌ها را به آرامی جابه‌جا کنید تا تمام قسمت‌ها به طور یکنواخت خشک شوند. بسته به شرایط محیط و میزان رطوبت، این فرآیند ممکن است چند روز زمان ببرد، اما صبر کردن برای رسیدن به مرحله کاملا خشک، تضمین‌کننده کیفیت محصول نهایی شماست.

روش‌های سریع‌تر برای خشک کردن شوید

اگر زمان کافی برای روش سنتی (خشک کردن در سایه) ندارید، می‌توانید از این دو روش نیز استفاده کنید:
۱. استفاده از پنکه (سریع و با کنترل هوا)
استفاده از پنکه یکی دیگر از روش‌های قابل استفاده در خانه است. حرکت هوا به تبخیر رطوبت سطح سبزی کمک می‌کند و در شرایط مناسب می‌تواند زمان خشک شدن را کاهش دهد. برای این کار ابتدا شوید را بشویید و آب اضافی آن را بگیرید. سپس سبزی را در لایه‌ای نازک روی سینی یا پارچه تمیز پهن کنید و در محلی قرار دهید که جریان هوا به خوبی برقرار باشد. پنکه را در فاصله مناسبی از سبزی بگذارید تا هوا در محیط گردش کند.
۲. استفاده از فر (بسیار سریع اما حساس)
اگر فرصت کافی برای خشک کردن طبیعی شوید ندارید، استفاده از فر نیز می‌تواند یکی از گزینه‌ها باشد. با این حال باید توجه داشت که حرارت زیاد ممکن است رنگ و عطر سبزی‌های معطر را کاهش دهد. بنابراین کنترل دما در این روش اهمیت زیادی دارد. ابتدا شوید را بشویید و اجازه دهید آب اضافی آن گرفته شود. سپس برگ‌ها و قسمت‌های ظریف سبزی را در یک لایه نازک روی سینی مناسب فر قرار دهید. بهتر است از روی هم قرار گرفتن برگ‌ها جلوگیری کنید تا حرارت و جریان هوا به صورت یکنواخت به آنها برسد. فر را روی پایین‌ترین دمای قابل‌کنترل تنظیم کنید و دستورالعمل دستگاه را نیز در نظر بگیرید. برای خشک کردن سبزی‌های معطر، دمای پایین مناسب‌تر است و استفاده از حرارت زیاد توصیه نمی‌شود. در طول کار وضعیت شوید را مرتب بررسی کنید و در صورت نیاز، سینی را جابه‌جا کنید تا قسمت‌های مختلف سبزی به‌طور یکنواخت خشک شوند.

هشدار درباره بخاری و حرارت مستقیم

استفاده از گرمای بخاری یا منابع حرارتی مستقیم، ریسک بالایی دارد؛ زیرا احتمال سوختن برگ‌ها یا تغییر رنگ شدید آنها بسیار زیاد است. اگر ناچار به استفاده از این روش هستید، سبزی را در فاصله دور از منبع حرارت قرار دهید و هر لحظه مراقب آن باشید.

از کجا بفهمیم شوید کاملا خشک شده است؟

یکی از مهمترین مراحل تهیه شوید خشک، تشخیص زمان پایان کار است. اگر سبزی پیش از خشک شدن کامل در ظرف دربسته قرار بگیرد، رطوبت باقی مانده می‌تواند به ایجاد کپک و خراب شدن محصول منجر شود. برای بررسی آماده بودن شوید، مقداری از برگ‌ها را میان انگشتان خود به آرامی فشار دهید. برگ خشک باید به راحتی خرد شود و حالت نرم، مرطوب یا انعطاف‌پذیر نداشته باشد. ساقه‌های نازک نیز در صورت خشک شدن کامل، معمولا هنگام خم کردن به راحتی می‌شکنند.
البته خشک بودن سطح برگ‌ها به تنهایی کافی نیست، به ویژه اگر شویدها در لایه‌های ضخیم پهن شده باشند. قسمت‌های زیرین را نیز بررسی کنید و مطمئن شوید که رطوبت در میان سبزی باقی نمانده است. اگر هنوز بخش‌هایی از شوید نرم یا مرطوب هستند، خشک کردن را ادامه دهید. بهتر است در این مرحله کمی بیشتر وقت بگذارید تا اینکه سبزی نیمه خشک را در ظرف بسته قرار دهید و با احتمال کپک‌زدگی روبه‌رو شوید.



#تجربه_کردم

بزرگان گفته‌ن:
عقل، نیروی «تشخیص» درست از اشتباهه... وقتی میون «دو تصمیم» گیر می‌کنیم.
برای خودش هم «تراز» و «معیار» داره... هردمبیلی و به «هوس» آدم‌ها کاری نداره.
بقیه توانایی‌هایی که داریم، خیال، فکر، وهم، عادت، خودشیفتگی، مرض، غرور، کینه و شبیه اینهاست!
اگر رفیق‌هات عاقلن، «خوش‌وقت»ی... همیشه، همه چیزت امن‌ه.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

درگفت‌وگو با کارشناس تغذیه بررسی شد

کلاژن واقعا چین‌وچروک را از بین می‌برد؟

از پودرهای کلاژن که به قهوه و اسموتی اضافه می شوند تا قرص‌ها و نوشیدنی‌هایی که وعده بازگرداندن شادابی پوست را می دهند، این پروتئین به یکی از نام‌های پرطرفدار در بازار مکمل‌های زیبایی تبدیل شده است. اما آیا مصرف روزانه کلاژن واقعا می‌تواند روند پیری را به تاخیر بیندازد یا بهتر است پیش از خرید این مکمل‌ها، به تغذیه روزانه خود توجه کنیم؟
نسیم بهشتی، کارشناس تغذیه می‌گوید: با توجه به شواهد موجود، نتایج پژوهش‌ها درباره مکمل‌های خوراکی کلاژن یکسان نیست. برخی مطالعات از بهبود رطوبت و کشسانی پوست پس از مصرف این مکمل‌ها خبر داده‌اند؛ اما بررسی‌های دیگری که تاثیر حمایت مالی شرکت‌های تولیدکننده را نیز در نظر گرفته‌اند، فایده مشخصی برای جلوگیری از پیری پوست پیدا نکرده‌اند. در مجموع، شواهد فعلی احتمال ایجاد تغییرات محدودی در رطوبت و کشسانی پوست را مطرح می‌کنند؛ اما اثر قابل توجه و قطعی مکمل‌های کلاژن بر چین و چروک و بازگرداندن جوانی پوست همچنان اثبات نشده است.

ماده‌ای ضروری برای ساخت کلاژن

به گفته این متخصص تغذیه، در میان بحث‌های مربوط به مکمل‌های زیبایی، گاهی اهمیت مواد مغذی پایه نادیده گرفته می‌شود. بدن برای ساخت کلاژن به ویتامین C نیاز دارد؛ ویتامینی که به شکل‌گیری ساختار محکم و پایدار رشته‌های کلاژن کمک می‌کند. کمبود آن می‌تواند ساخت بافت همبند و ترمیم زخم‌ها را مختل کند. مرکبات، کیوی، توت‌فرنگی، فلفل دلمه‌ای و انواع سبزیجات از منابع مناسب ویتامین C هستند. به همین دلیل، پیش از خرید مکمل‌های گران قیمت، بهتر است وضعیت تغذیه و دریافت مواد مغذی ضروری بررسی شود.
البته این کارشناس تغذیه بر اهمیت تامین نیازهای واقعی بدن تاکید می‌کند؛ زیرا مکمل‌ها نمی‌توانند جای یک رژیم غذایی متعادل را بگیرند؛ اگر فردی به اندازه کافی مواد مغذی دریافت نکند، توجه به اصلاح رژیم غذایی می‌تواند گام مهم‌تری از افزودن یک محصول زیبایی به برنامه روزانه باشد.

ارتباط کلاژن با درد مفاصل

بحث کلاژن تنها به زیبایی پوست محدود نمی‌شود و برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند مصرف مکمل‌های کلاژن ممکن است در افراد مبتلا به آرتروز به کاهش درد مفاصل و بهبود نسبی حرکت کمک کند. با این حال، این نتایج به معنای بازسازی غضروف آسیب دیده یا درمان آرتروز نیست. باید میان کاهش احتمالی علائم و درمان علت بیماری تفاوت قائل شد. مکمل کلاژن، در صورت مناسب بودن برای فرد، ممکن است بخشی از برنامه مراقبتی باشد؛ اما جایگزین درمان پزشکی، فعالیت بدنی متناسب با شرایط فرد و مدیریت وزن نخواهد بود.
به گفته بهشتی هم برای شروع مصرف کلاژن سن مشخصی وجود ندارد که همه افراد پس از رسیدن به آن به این مکمل نیاز پیدا کنند. نیاز به مکمل به وضعیت تغذیه، هدف مصرف و شرایط فرد بستگی دارد. برای کسی که قصد دارد سلامت و شادابی پوست خود را حفظ کند، اقداماتی مانند استفاده منظم از ضدآفتاب، دریافت پروتئین کافی، مصرف میوه و سبزیجات و پرهیز از سیگار در اولویت قرار دارند.

پودر، قرص یا نوشیدنی کلاژن؛ کدام بهتر است؟

او در پاسخ به این سوال که اگر فرد پس از بررسی رژیم غذایی و انتظارات خود تصمیم به مصرف مکمل کلاژن بگیرد، چه نوع محصولی را مصرف کند، بهتر است، توضیح می‌دهد: شواهد کافی وجود ندارد که نشان دهد شکل مایع کلاژن الزاما از پودر یا قرص موثرتر است.
مقدار واقعی کلاژن موجود در محصول، کیفیت آن و تناسب مصرف با هدف فرد، از شکل ظاهری مکمل مهم‌ترند. همچنین نباید انتظار داشت نتیجه مصرف، در مدت کوتاهی نمایان شود.
در پژوهش‌های مرتبط با پوست، دوره‌هایی حدود هشت تا ۱۲ هفته بررسی شده‌اند؛ اما حتی مصرف منظم در این مدت نیز تضمین‌کننده مشاهده تغییر محسوس نیست.
از سوی دیگر بازار مکمل‌های کلاژن هم با وعده‌های متنوعی درباره جوان‌سازی پوست، سلامت مفاصل و مقابله با پیری همراه است، بهشتی در این باره هم توصیه می‌کند؛ پیش از هزینه کردن برای مکمل‌های زیبایی، نیازهای واقعی بدن در اولویت قرار گیرند.
کلاژن ممکن است برای برخی افراد انتخابی اختیاری با فایده‌ای محدود باشد؛ اما نه جایگزین تغذیه مناسب است، نه به تنهایی راهکار حفظ عضلات و نه روشی تضمین شده برای از بین بردن چین‌وچروک‌ها.

ربات الهام گرفته از شاپرک حسگرهای جدیدی در بدن خود می‌سازد

احتمالا ربات‌ها به زودی می‌توانند فعالیت‌هایی بیشتر از حرکت کردن انجام دهند و حتی حسگرهای مورد نیاز خود را نیز در بدن‌شان ایجاد کنند.
به نقل از اینترستینگ انجینرینگ، گروهی از پژوهشگران گامی در جهت ساخت ربات‌هایی شبیه شاپرک برداشته‌اند که می‌توانند حسگرهای جدیدی را در نقاط مختلف بدن خود ایجاد کنند. این ربات از یک سیستم گردش مواد مصنوعی بهره می‌برد که ترکیبات شیمیایی را در سراسر بدنه آن انتقال می‌دهد و در هر نقطه‌ای که نور فرابنفش (UV) به آن بتابد، یک حسگر نوری فعال ایجاد می‌کند.
کادری آن پانکراتوف، پژوهشگر ارشد این پروژه و دانشجوی دکترای دانشگاه تارتو در استونی، در این باره می‌گوید: «من در حال توسعه سیستمی برای ایجاد یک دستگاه گردش مواد در ربات‌ها هستم تا بتوانند اجزای سازنده مولکولی را در سراسر بدنه خود انتقال دهند و سخت‌افزار مورد نیازشان را درست در زمان و مکانی که به آن نیاز دارند، ایجاد کنند.»
این آزمایش نشان می‌دهد ربات‌های آینده ممکن است بتوانند قابلیت‌های خود را نه تنها از طریق تغییر نحوه استفاده از سخت‌افزارهای موجود، بلکه با ایجاد شیمیایی قابلیت‌های کاملا جدید در داخل بدنه خود نیز توسعه دهند.
این گروه پژوهشی از شاپرک‌ها، به‌ویژه گونه‌ای به نام Catocala fraxini (شب‌پره زیرپوش آبی)، الهام گرفتند. بال‌های نسبتا مسطح این حشره الگوی مناسبی برای طراحی ربات فراهم می‌کردند؛ زیرا گردش مایعات در آنها عمدتا در یک سطح انجام می‌شود و این ویژگی، طراحی شبکه لوله‌کشی داخلی ربات را ساده‌تر می‌کند.